

پیام تسلیت

دفتر مجاهدین خلق در پاریس  
به دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین  
در مورد ترور ناجوانمردانه  
آقای عصام سرطاوی



جوابیه سازمان ملل متحد  
به نامه مسئول شورای ملی مقاومت  
برادر مجاهد مسعود رجوی  
در رابطه با جنایات وحشیانه  
رژیم خمینی در کردستان

در صفحه ۲۷

سال چهارم - پنج سه و اول اردیبهست ماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۰۵ (مال خارج از کشور معادل دو دلار)

در صفحه ۲۷

## پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست

توضیح:

بین الملل سوسیالیست، هیئتی را از جانب شورای ملی مقاومت به این کنگره اعزام نمود. گزارش مشروح فعالیتها و نتایج چشمگیر شرکت هیئت نمایندگی اعزامی از جانب مسئول شورای ملی مقاومت ومنجمله قطعنامه‌ای که بطور ضمنی در محکومیت سیاست جنگ طلبانه رژیم خمینی و آشکارا در حمایت از طرح صلح شورای ملی مقاومت در این کنگره به تصویب رسید. در همین شماره بطور جداگانه ملاحظه خواهید کرد. اما متن کامل پیام مسئول شورای ملی مقاومت خطاب به شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست بدین شرح است:

بین الملل سوسیالیست که شانزدهمین کنگره خود را اخیراً (در آوریل ۸۳ - فروردین ۶۲) در پرتغال برگزار نمود، از مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی برای اعزام هیاتی به نمایندگی شورای ملی مقاومت به عنوان عضو ناظر به کنگره بین الملل سوسیالیست دعوت بعمل آورده بود. لازم به توضیح است که در این کنگره علاوه بر احزاب عضو، جبهه‌های آزادیبخش جهان و... منجمله سازمان آزادیبخش فلسطین نیز شرکت داشتند. در پاسخ به دعوت فوق، برادر مجاهد مسعود رجوی ضمن ارسال پیامی خطاب به کنگره

سرمقاله

## جنگ و بروز هر چه بیشتر تنگناهای رژیم خمینی

هفته‌ی گذشته، باز هم دنیا شاهد به خاک و خون کشیده شدن هزاران جوان و نوجوان ایرانی در جبهه‌های جنگ بود، جنگی که جز مرگ و ویرانی، داغ و آوارگی برای مردم میهن ما چیزی به همراه نداشته است.

صرفنظر از اختلاف در آمار کشته‌ها، چیزی که مسلم است باز هم به دلیل استفاده از تاکتیک امواج انسانی توسط رژیم ضدبشری خمینی، تلفات جنگ اخیر حیرت‌انگیز بوده و بیش از ۱۰ هزار کشته و تعداد بی‌شماری نیز زخمی و معلول بجا گذاشته است. سردمداران رژیم که نفرت مردم از جنگ‌افروزی‌های خمینی را بخوبی می‌دانند، بلافاصله پس از برملا شدن شکست اخیر رژیم، به دست و پا افتاده و در صدد توجیه آن برآمدند؛ از جمله صیاد شیرازی جلاد در نمایش جمعه ۲۶ فروردین گفت: "اگر می‌بینید بعضی اوقات به ظاهر شکست می‌خورید، بدانید که این به ظاهر شکست‌ها و این پیروزی‌ها از جانب خداست." همچنین رفسنجانی خائن نیز روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین ماه در جلسه‌ی علنی مجلس ضداسلامی اعلام کرد که: "تنها چیزی که ما را محدود می‌کند، نظر ملت و رهبر ماست که از خونریزی و تلفات زیاد خودداری کنیم." وی که نمی‌توانست نیت پلید و ضد مردمی خود را پنهان نماید و ناگزیر می‌بایست برای ادامه‌ی این جنگ خانمانسوز بهانه‌ای بتراشد، بلافاصله اضافه می‌کند: "اما این امر هم حدی دارد و ما نمی‌توانیم نسبت به ظلمی که بر منطقه و مردم ما و مردم عراق می‌شود چشم‌پوشی کنیم." با این حرف‌ها، رفسنجانی باز هم مطابق فرمول شناخته شده‌ی رژیم ضدبشری خمینی می‌خواهد زمینه‌های جنگ‌افروزی بعدی را آماده نماید.

بقیه در صفحه ۲

### آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۶)

## رهنمودهائی پیرامون چگونگی اجرای "قرار"

در شماره‌های قبل پیرامون اهمیت "ارتباطات" رزمندگان با یکدیگر و نحوه‌ی برقراری این ارتباطات توضیحاتی دادیم و گفتیم که یکی از شیوه‌ها و راههائی که می‌شود از طریق آن ارتباطات را برقرار نمود و در حفظ و سلامت آن کوشید، انواع "قرار" و نحوه‌ی اجرای اصولی و صحیح آنها می‌باشد. بخصوص در شرایطی که ضرورت‌های مبارزاتی ایجاب می‌کند که رزمندگان از پایگاههای محل استقرار یکدیگر

بقیه در صفحه ۱۰

### در صفحات دیگر:

\* شرکت نمایندگان شورای ملی مقاومت ایران بعنوان عضو ناظر در شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست و حمایت کنگره از طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران

\* اعلام حمایت سه تن از شخصیت‌های مترقی یونان از سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت.

\* جلوگیری از سخنرانی نماینده‌ی خمینی در کنفرانس ۷۷ نشانه‌ی دیگری از ایزولاسیون کامل بین المللی رژیم

### حمایت از

## مستضعفین و کوخ نشینان در قاموس دجال قرن!

خمینی دجال امسال در پیام نوروزی‌اش به سیاست جدیدی برای گریز از بحران‌ها و مشکلات گریبانگیر رژیمش متوسل شد. رژیم خمینی که در سال گذشته به بهای خون و نفت و تاراج به مقابله با این بحران‌ها برخاسته بود، هنگامی که نتوانست جز تخفیف موقتی آنها کاری از پیش ببرد و خود را از افلاس و درماندگی برهاند و

بقیه در صفحه ۱۹

### مادران مجاهد خلق

قهرمانان عاطفه  
آگاهی و ایمان  
بمناسبت دومین  
سالگرد راهپیمائی عظیم  
مادران مجاهد  
در ۷ اردیبهشت

در صفحه ۹

### لخته نفتی:

## اهرم فشار رژیم خمینی بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

لخته‌ی بزرگ نفتی به وسعت از وجود آن در جهت پیشبرد ۱۲ هزار کیلومتر مربع، بر سیاست‌های ارتجاعی خود و روی آب‌های خلیج فارس به این اعمال فشار بر روی کشورهای سو و آن سو می‌رود و علیرغم حوزه‌ی خلیج بهره‌برداری نگرانی‌های روزافزون مردم می‌نماید.

بقیه در صفحه ۷

منطقه، رژیم جنگ طلب خمینی

# جنگ و بروز هر چه بیشتر تنگناهای رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

کما اینکه، پس از آن که رژیم خمینی در تهاجم بهمن ماه گذشته خود شکست خورد و در نتیجه آن هزاران تن از هموطنان، جان خود را در راه هوس‌های جنگ‌افروزانه‌ی رژیم قرون وسطائی از دست دادند و هزاران خانواده‌ی رنج‌دیده و مصیبت‌گشیده‌ی دیگر، با چشمانی گریان شاهد حلول سال نو بودند، در همان موقع نیز سردمداران رژیم خمینی و از جمله رفسنجانی خائن، با سخنرانی‌های خود، راه را برای تهاجم دیگری هموار می‌کردند، که متأسفانه ثمره‌ی شوم آن در چند روز گذشته به بار نشست. دو ماه پیش هم، جنگ‌افروزانی که هر نوع "صلح" را، "صلح تحمیلی" به حساب می‌آوردند، شکست مفتضحانه‌ی خود را "مرحله‌ی مقدماتی اول عملیات والفجر" اسم‌گذاری کردند.

در همان موقع نیز از این اسم‌گذاری کاملاً معلوم بود که رژیم خمینی، در تدارک یک تهاجم دیگر می‌باشد. بطوری که در سرمقاله‌ی "مجاهد" شماره‌ی ۱۴۰ آمده بود: "خمینی برای استمرار حکومت ننگینش چاره‌ای جز ادامه‌ی جنگ ندارد و همانگونه که هرگز قادر نخواهد بود دست از سرکوب گسترده‌ی عمومی مردم بردارد، دست از جنگ‌طلبی خود نیز نخواهد کشید". البته کسی که کمترین شناختی از ماهیت ضد بشری رژیم خمینی داشته باشد فرمولی جز جملات بالا برای استمرار حکومت خمینی نخواهد یافت. اما چنانکه در سرمقاله‌ی مذکور نیز نتیجه‌گیری شده بود "زمان به زیان جنگ‌طلبی خمینی است" و در همان سرمقاله به تنگناهای رژیم در ادامه دادن به جنگ ضد میهنی و ضد مردمی اشاره شده بود.

اکنون با گذشت تقریباً دو ماه از تهاجم بهمن ماه، تنگناها و بن‌بست‌ها، هر چه سرسختانه‌تر در مقابل رژیم خمینی قدرافراشته‌اند و آن‌چنان واقعیت خود را به رژیم خمینی تحمیل کرده‌اند که به ناگزیر در وانفسای به اصطلاح "عملیات والفجر" سردمداران رژیم به آنها اشاره می‌کنند؛ از جمله رادیوی ارتجاع ضمن پخش خبر نمایش جمعه ۲۶ فروردین گفت: "خامنهای با اشاره به توطئه‌های گروهک‌های منافقین در آغاز انقلاب مبنی بر اینکه ارتش باید منحل شود، این توطئه‌ها را تشریح کرد و گفت: وقتی این توطئه‌ها کارساز نشد سعی کردند نغمه‌های دیگری را در ارتش سر دهند و چنین وانمود کنند که افسران، همافران، درجه‌داران و کارمندان ارتش جزو این ملت و انقلاب اسلامی نیستند، در همین دانشگاه تهران اجتماعاتی ایجاد کردند، تا توطئه‌های خود را به نتیجه برسانند." وقتی این حرف‌ها، از زبان رئیس‌جمهور رژیم که خود، در گرماگرم به اصطلاح "عملیات والفجر" می‌باشد، شنیده می‌شود، یعنی درست در زمانی که ظاهراً مدعی است که می‌خواهد هر چه سریعتر "راه قدس را از طریق بغداد طی کند." واقعا تعجب‌انگیز و دور از انتظار! به نظر می‌رسد. مگر به قول سردمداران رژیم و از جمله خود خامنهای، ۹۵٪ منافقین! از بین نرفته‌اند؟ مگر همه‌ی توطئه‌های منافقین!! در ارتش، "بحمدالله خنثی" نشده است؟ مگر حمایت منافقین!! از تحصن درجه‌داران و همافران نیروی هوائی در مسجد همین

دانشگاه تهران چه وزنه‌ای! داشته است؟ اگر منافقین! در ارتش از نفوذ و پایگاهی هم برخوردار بودند، مگر بالکل تصفیه نشده‌اند!؟

اما نه! رئیس‌جمهور ارتجاع، هم در تجربه‌ی روزمره‌ی خود و هم با غریزه‌ی اخلاقی‌اش، درست به قلب مسئله انگشت گذاشته است. والا چطور می‌توان تصور کرد که از میان هزاران مشکل و مصیبتی که بر سر رژیم آوار شده است، خامنهای به یک مسئله‌ی به ظاهر تمام شده‌ی در ارتش انگشت بگذارد و خود نتایج اخلاقی نیز از آن بگیرد.

واقعیت این است که حمایت پرسنل مرفقی و مردمی ارتش از مجاهدین و نیز اثرات مقاومت مسلحانه‌ی سراسری در داخل ارتش، ارتجاع را وحشت‌زده کرده است. و علیرغم این که رژیم خمینی هر از گاهی دهها تن از پرسنل ملی و مردمی ارتش را به بهانه‌ی هواداری از مجاهدین و یا به بهانه‌ی واهی شرکت در طرح پرواز قهرمانانه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی و آقای بنی‌صدر دستگیر و تیرباران می‌کند باز هم حمایت‌ها همچنان

شکلی خود را در اعتراض علیه جنگ‌افروزی‌ها و سیاست‌های ضدانقلابی و ضد مردمی رژیم، نشان می‌دهد؟ البته این روزه‌های زیوانه که تنها می‌تواند با استفاده از "فرصت"، از گلوی دشمن خدا و خلق بیرون بیاید نشان دهنده‌ی یک حقیقت دیگر نیز هست و آن، حقیقت عمیق‌یابنده‌ی انقلاب پرتوان‌مان می‌باشد. و از اینجا خامنه‌ای خائن که مدتی نماینده‌ی شورای انقلاب در ارتش و نیز زمانی وزیر دفاع بود پی به یک واقعیت دیگر نیز برده است که با توجه به عمق و وسعت انقلاب، ظهور "بنی‌پارت" در داخل ارتش خواب و خیالی بیش نیست. اثرات مقاومت مسلحانه‌ی سراسری در داخل ارتش به حدی عمیق یافته است که پرسنل ملی و مردمی ارتش به خوبی می‌دانند که تنها در حمایت از مقاومت مسلحانه‌ی سراسری می‌توانند ضدانقلاب غالب و مغلوب را قدم به قدم عقب بزنند و نیز بخوبی روشن است که حیثیت و شرف ملی پرسنل مرفقی و مردمی ارتش تنها در پیوند با مجاهدین و شورای ملی مقاومت متبلور می‌شود. این راه هم بخوبی می‌دانند که صلح واقعی تنها از عهده و توان یگانه آلترناتیو دمکراتیک

واقعیت این است که حمایت پرسنل مرفقی و مردمی ارتش از مجاهدین و نیز اثرات مقاومت مسلحانه‌ی سراسری در داخل ارتش، ارتجاع را وحشت‌زده کرده است. و علیرغم این که رژیم خمینی هر از گاهی دهها تن از پرسنل ملی و مردمی ارتش را به بهانه‌ی واهی شرکت در طرح پرواز قهرمانانه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی و آقای بنی‌صدر دستگیر و تیرباران می‌کند باز هم حمایت‌ها همچنان ادامه داشته است.

ادامه داشته است. مخصوصاً وقتی حیات ننگین عناصر دآثره‌ی خبیثه‌ی "سیاسی - ایدئولوژیک" ارتش با سلاح ظلمت‌سوز رزمندگان مجاهد خلق پایان می‌یابد، وقتی عناصر و فرماندهان خودفروخته و سرسپرده‌ی ارتش با سلاح پرسنل نظامی مجاهد خلق به سزای اعمال ننگین خود می‌رسند،

وقتی پرسنل ارتشی، خلبانان و همافران مرفقی و میهن‌پرست به صفوف مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت می‌پیوندند،

وقتی بخشی از تدارکات (سلاح و مهمات) جبهه‌ی مقاومت مسلحانه‌ی سراسری از طریق پرسنل نظامی مجاهد خلق تامین می‌شود، دیگر ارتجاع ناگزیر است که به قلب مسئله انگشت بگذارد و وقت را برای طفره رفتن از موضوع اصلی هدر ندهد ولو اینکه در عمل مجبور باشد چند قدمی نیز عقب‌نشینی نماید.

همه می‌دانند که رژیم ضد بشری خمینی، می‌خواست در همه جا و از جمله در ارتش، ولایت سفیانی خود را اعمال کند و حاضر نبود سر سوزنی از این خواست خود کوتاه بیاید، حال چه چیزی تغییر کرده است که خامنه‌ای خائن، زیوانه دنبال "فرصت" می‌گردد و می‌گوید "من امروز از این فرصت استفاده می‌کنم و به برادران ارتشی می‌گویم، هرگونه قشری‌گرایی در ارتش جرم است!" آیا جز اینست که حمایت پرسنل مرفقی و مردمی ارتش از مجاهدین و شورای ملی مقاومت اکنون به بارزترین

یعنی شورای ملی مقاومت برمی‌آید. بنابراین، خاطر ضدانقلاب غالب و مغلوب باید جمع باشد! که عمق و اصالت انقلاب‌مان شانس هر نوع "بنی‌پارت" و حتی "رضاخان" را نیز در ارتش سوزانده است. خصوصاً صیاد شیرازی جلاد در نمایش جمعه و یا وه سرائی‌های او در مورد منافقین! نیز دلیل محکم و استواری بر واقعیت فوق‌الذکر می‌باشد.

و اما فشار و تنگنای دیگری که رژیم خمینی با آن مواجه است، سمت‌یابی مشخص صلح‌طلبی و صلح‌خواهی مردم ما می‌باشد. واقعیت اینست که بسیاری از مردم میهن ما، نیروها و شخصیت‌های ملی و مردمی، طالب صلح و خواهان پایان یافتن جنگ ضد میهنی و ضد مردمی خمینی می‌باشند. این یک خواست و تمایل عمومی بوده و هست. اما متمرکز کردن و سمت دادن این خواست عادلانه و حق طلبانه بدلائل مختلف تاریخی و اجتماعی، تنها و تنها در عهده‌ی یگانه آلترناتیو دمکراتیک، یعنی شورای ملی مقاومت می‌باشد که از پشتوانه‌ی مکفی مشروعیت مردمی برخوردار است.

و این چنین بود که ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست‌وزیر عراق، موانع را از سرا راه برداشت و همه‌ی انرژی‌ها و فریادهای صلح‌طلبانه‌ی مردم میهن ما را در مسیر واحدی انداخت، و چشم‌انداز صلح را بطور مشخص ترسیم نمود، اکنون دیگر با گشوده شدن دریچه‌ای بسوی صلح، دجال‌گریها و جادوگریهای خمینی واعوان و انصارش و هیاهوی جیره‌خواران "حزب الشیطان" بقیه در صفحه‌ی ۲۷

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

# پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت

## به شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست

آقای رئیس،  
خانم‌ها و آقایان نمایندگان،  
دوستان (رفقای) عزیز؛

قبل از هر چیز اجازه بدهید بمناسبت دعوت شما یعنی بین الملل سوسیالیست از شورای ملی مقاومت ایران صمیمانه تشکر نمایم. شورای ملی مقاومت ایران برای آزادی و استقلال که تجسم مقاومت مشروع تمامی خلق ایران در مقابل یکی از ظالمانه‌ترین نظام‌های سرکوبگر دنیا می‌باشد از اینکه رسماً از اینجانب برای شرکت در کنگره بین الملل سوسیالیست دعوت شده سپاسگزار است. با گوش دادن به پیام مسئول شورای ملی مقاومت ایران، شما توجه ویژه‌ای به وضعیت کشور من نموده و در حقیقت به صدای خلق ایران گوش فرا داده‌اید. لذا این تشکر و حق شناسی تنها مبین احساس شورای ملی مقاومت، شخص من و سازمان مجاهدین خلق ایران که عضو آن هستم نبوده و ترجمان احساسات اکثریت قریب به اتفاق تمامی مردم ایران است، همان مردمی که تحت سرکوب خونین رژیم فعلی شجاعانه برای کسب آزادی و دمکراسی و ایجاد ایرانی مبتنی بر روابط عادلانه و برادری با پشتکار در مقاومتی مشروع شرکت می‌کنند. زیرا اگر چه ملت ایران در جریان انقلاب مردمی متحمل آنهمه مشقات شده و با دادن کاروان‌هایی از شهدا، خود را از دیکتاتوری بیش از پنجاه ساله‌ای آزاد کرد، معذرت‌ناست به هیچیک از آرمان‌هایی که بخاطر آنها قیام کرده بود نایل آید.

مردم ایران با فداکاری‌های خود افسانه‌ی ثبات رژیم سابق را که وسیعاً اشاعه می‌شد، عملاً درهم شکسته و تکذیب نمودند. آیا ثبات و توسعه‌ی اقتصادی در سایه‌ی سرنیزه، سرکوب خونین مردم و بخصوص نیروهای مترقی کشور، بدون حل تضادهای شدید درونی جامعه و جز در پناه آرامش و صلح اجتماعی امکان پذیر است؟ تصور می‌کنم بین الملل سوسیالیست طی بیانیه‌ی صادره‌ی سپتامبر ۱۹۷۸ خود

(S.I.: 15/78 مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸) بطور کلی و بویژه در رابطه با سرنوشت رژیم شاه مشخصاً به سوالات فوق به شرح زیر پاسخ داده است:

"بین الملل سوسیالیست حوادث اخیر ایران، از آنجمله کشتارهایی که بوسیله‌ی قوای نظامی شاه انجام گرفته‌اند را محکوم می‌کند. از تحولات اخیر ایران چنین برمی‌آید که ... اصلاحات در چارچوب فعلی شانس موفقیتی ندارند. سیاست توسعه اقتصادی از طریق استقرار نظام سرکوب و سیستم سیاسی دیکتاتوری متضمن تضاد درونی است. شاه با توسل به سیاست سرکوب، زندان و شکنجه و اعدام کوشش کرده است که نیروهای مترقی را در ایران منهدم کند، ضمن اینکه این نیروها از لحاظ سیاسی پایه‌ی ضروری برای رشد و دمکراسی در ایرانند. بین الملل سوسیالیست حمایت بی‌قید و شرط خود را از نیروهای مترقی که برای استقرار دمکراسی در ایران مبارزه می‌کنند اعلام می‌دارد"

(I.S: PresseRelease 15/78) بلاشک بزرگترین محرک و اولین آرمان قیام مردم ما در درجه‌ی اول همان "استقرار دمکراسی در ایران" که قطعنامه‌ی مذکور بر آن تاکید دارد بود. زیرا آنها به خوبی می‌دانستند که ثبات و توسعه‌ی تکامل اقتصادی جامعه جز از طریق تأمین توافقی آرامش و صلح اجتماعی میسر نیست. تاریخ اخیر و زندگی روزمره به مردم اثبات کرده بود که کشورشان "جزیره‌ی ثبات" ادعائی رژیم شاه نیست. آنها فهمیده بودند که مسئله‌ی اساسی اجتماع و انقلاب، موضوع آزادی و دمکراسی است.

اما در فردای رسیدن به قدرت، خمینی و اطرافیانش به منظور حفظ منافعتشان با استفاده از شرایط استثنائی تاریخی و همچنین با بخدمت گرفتن سازمان مذهبی به همی اصول پشت پا زدند. آنها عملاً و علناً این واقعیت تاریخی را -

که در زمان ما بدون دمکراسی و ایجاد مکانیسم‌های ویژه‌ی آن خلق‌ها هرگز موفق به کسب حقوق خود نمی‌شوند - مورد استهزا و انگار قرار دادند. این رفتار تا کنون یعنی طی چهار سال گذشته نتیجه‌ی جز ازم پاشیدگی کامل اجتماعی و تخریب عمومی در همه‌ی زمینه‌ها اعم از اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ببار نیاورده است. در زمینه‌های اجتماعی سیاسی و فرهنگی، تحت پوشش یک اسلام دروغین به هر وسیله‌ای برای نفی همه‌ی آزادی‌ها متوسل شده‌اند: آزادی مطبوعات، احزاب، سازمان‌ها، آزادی زنان، نفی حقوق کارگران، کشاورزان، کارمندان، مزدبگیران، دانشجویان، سرکوب اقلیت‌های قومی و مذهبی؛ خلاصه نفی کلیه‌ی آزادی‌های فردی و جمعی، اجتماعی و سیاسی. با تفسیر "ولایت فقیه" - مفهومی که در قانون اساسی کشور غلبه دارد - بمانند تسلط قیم نسبت به صغیر، قدرتی استیلاطلب و مطلق‌العنان بوجود آورده‌اند تا تمامی یک خلق را با اعمال قهر، مطیع اراده‌ی خود نمایند. طبعاً لازمی جانشین نمودن آرمان‌های انقلاب بوسیله‌ی اسلامی ظاهری ایجاد جو وحشت از طریق تفوق بخشیدن به سرکوب و اختناق در سرتاسر کشور بود. ترجمان عملی این اختناق عبارت است از سنگسار نمودن، به آتش کشیدن، کتابفروشی‌ها، تخریب چاپخانه‌ها، بستن دانشگاه‌ها، از بین بردن مطبوعات غیرموافق و ادبی، حذف نموده‌های عمومی هنری، دستگیری‌های خودسرانه، اعدام‌ها و شکنجه‌های وحشیانه و دستجمعی. در موارد اخیر کافی است خاطرنشان شود که طی دو سال اخیر رژیم ایران بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از مخالفین خود را اعدام نموده و در حال حاضر، بیش از ۶۰۰۰۰ زندانی سیاسی

سازمان ملل ضمن تاکید بر نقض شدید حقوق بشر در ایران رژیم خمینی را بطور ضمنی با جملات زیر محکوم نمود:

"کمیسیون حقوق بشر پس از بررسی دقیق گزارش دبیر کل (E/CN.۴/۱۹۸۳/۱۹) و فصول مناسب گزارش مربوط به اعدام‌های بدوی خودسرانه (E/CN.۴/۱۹۸۳/۱۶) اشتغال خاطر خود را نسبت به استمرار نقض شدید حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در جمهوری اسلامی ایران که گزارش دبیرکل از آن سخن گفته و بخصوص آنچه درباره‌ی اعدام‌های بدوی خودسرانه، شکنجه‌ها و دستگیری‌های بدون قضاوت، عدم تحمل و آزار اقلیت‌های مذهبی ... گزارش شده ابراز می‌دارد." (قطعنامه‌ی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد E/CN.۴/۱۹۸۳/LV/Rev.1) بله، "شکنجه، تجاوز، فساد، فحشاء، بیگاری، سرگردانی، جنگ، بمباران مردم کردستان، تفتیش عقاید، خنثی نمودن مین‌های جببه بوسیله‌ی خردسالان، سیاست تفرقه حتی در سطح خانواده‌ها و بطور کلی سیاست سرکوب خونین نیروهای مترقی هدفی جز حفظ قدرت به هر قیمتی ندارد. اما واکنش این وضع در زمینه‌ی اقتصادی بصورت ازم پاشیدگی و قطع شریان‌های تولیدی یعنی تخریب دستگاه اقتصادی کشور و افزایش وابستگی آن نمودار شده است."

### قطع شریان‌های تولید اقتصادی و افزایش وابستگی

چون اینجا جای آن نیست که در این باره به درازا سخن گفته شود فقط به ارائه‌ی چند رقم در این زمینه اکتفا می‌کنم.

پس از سقوط رژیم سابق وابستگی نسبت به صادرات نفتی دائماً افزایش یافته است: بر مبنای ارقام رسمی، در سال ۱۳۵۸ سهم نفت در درآمدهای دولت ۷۱٪ بود - سال ایرانی

در اعماق سیاهچال‌های خود نگهداری می‌کند، لازم به تاکید است که در بین این قربانیان رژیم، کودکان خردسال اعم از دختر و پسر (کمتر از ۱۸ سال)، زنان باردار و سالخورده‌گان متعلق به همه‌ی اقشار جامعه و بسیاری از زندانیان سیاسی زمان شاه فراوانند. لذا هیچیک از رده‌های شغلی و اجتماعی از سرکوب رژیم برکنار نمانده‌اند. در نتیجه مهاجرت وسیعی - که شامل حدود ۲ میلیون نفر می‌شود - بین اقشار مختلف اجتماع بویژه کادرها، نویسندگان و هنرمندان بوجود آمده است. درباره‌ی وضع رقت بار نقض شدید حقوق بشر در ایران احتیاج به توضیح نیست. در این زمینه کافی است به گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد (E/CN.۴/۱۹۸۳/۱۹) که در تاریخ ۲۲ فوریه‌ی گذشته به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه شد و همچنین به گزارش رسمی گزارشگر مخصوص کمیسیون مذکور آقای S. Amos Wako استناد نمود. در گزارش اخیر از آنجمله آمده است: "تعداد زیادی اعدام‌های بدون محاکمه و پراکنده و خودسرانه در ایران گزارش شده‌اند. قربانیان این اعدام‌ها مخالفین دولت ... اقلیت‌های قومی نظیر کردها و ترکمن‌ها و اعضاء گروه‌های مذهبی ... همچنین هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران ... می‌باشند، در بسیاری موارد اعدام‌ها بدون محاکمه انجام شده‌اند ... نه مقررات قانون اساسی بعد از انقلاب که تعداد زیادی از حقوق متهمین را ضمانت می‌کند و نه حتی نظامات و آئین دادرسی دادگاه‌های انقلاب اسلامی مورد احترام واقع شده‌اند." (صفحه‌ی ۳۱ مدرک شماره‌ی ۱۶/۱۹۸۳/۴ E/CN.۴ منتشره و وسیله‌ی سازمان ملل). بالاخره قطعنامه‌ی مورخ ۷ مارس ۱۹۸۳ کمیسیون حقوق بشر

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!

# پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت

## به شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست

۱۳۵۸ تطبیق می‌کند با سال‌های ۸۰ - ۱۹۷۹ ( از ۲۱ مارس یکسال به سال بعد) - در سال ۱۳۵۹ ( ۸۱ - ۱۹۸۰) به ۷۵% و در سال ۱۳۶۰ ( ۸۲ - ۱۹۸۱) به ۸۰% و در بودجه‌ی سال ۱۳۶۱ ( ۸۳ - ۱۹۸۲) به ۸۵% افزایش یافته است!

در زمینه‌ی کشاورزی چیز بی‌سابقه‌اینگه "بر مبنای آمارهای اداره‌ی گمرکات طی سال ۱۹۸۱ ایران ۳/۶ میلیارد دلار مواد غذایی وارد کرده است" در حالیکه در سالهای ایرانی ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، یعنی از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ این رقم در هر مورد از ۱/۴ و ۲ میلیارد دلار تجاوز نموده است. لذا، "در سال ۱۹۸۱، ایران ۷۵% مصرف قند، ۵۰% مصرف گوشت و ۳۳% مصرف گندمش را از خارج وارد کرده است طی همین مدت تولید ۱۲ رقم از محصولات اصلی کشاورزی، ۳۳% کاهش یافته". به این ترتیب سه سال بعد از انقلاب در کشوری که مستعد کشاورزی بوده و دارای منابع طبیعی مهمی در این زمینه می‌باشد. واردات کشاورزی به نسبت آخرین سال قبل از انقلاب دائما بطرز گیج‌کننده‌ای افزایش یافته و تقریبا به مرز ۱۰۰% رسیده است. این خود نشان‌دهنده‌ی در حال انهدام بودن کامل تولید کشاورزی داخلی است که در فقدان هرگونه اصلاحات ارضی، وابستگی‌های

غذائی و کشاورزی کشور مرتبا افزایش یافته‌اند. با توجه به رابطه‌ی ارگانیک، متقابل و تکمیلی بین کشاورزی و صنعت و به دلیل مسائلی که فوقا بدانها اشاره شد، "بخش صنعتی طی سه سال اخیر، هیچگاه با بیش از ۲۰% الی ۲۵% ظرفیت تولیدش نسبت به زمان قبل از انقلاب کار نکرده است". کاهش تولید در بخش داروسازی تقریبا به ۱۰۰% رسیده است. بر مبنای آمارهای رسمی سازمان برنامه مجموع سرمایه‌گذاریها در کارخانه‌ها و کارگاههای جدید و در بخش پیش-رفته‌ی صنایع در بهار ۱۹۸۱ نسبت به سال قبل ۴۴/۲% (افزایش منفی) تقلیل پیدا کرد. و از آن پس یعنی امروز تقریبا به صفر رسیده است. بدلیل مخارج سنگین جنگ، افزایش بی‌اندازه‌ی فقر و تورم قیمتها،

بهره‌کشی از کارگران و مستضعفین بطور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. وجود حدود ۵ میلیون بیگار، ۱/۵ میلیون آواره‌ی افغانی (به ادعای رژیم) تومری نزدیک به ۱۰۰%، کوپنی کردن اکثر مواد غذایی و لوازم اولیه‌ی زندگی، فساد غیرقابل تصور مقامات رژیم، شانتاژ و گرسنگی، بر دوش اقشار مختلف مردم سنگینی می‌کند: برای دریافت کوپن مواد غذایی آنها ناچارند به مسجد محله‌ی خود مراجعه کنند. و این کوپن‌ها در صورتی به آنها داده می‌شود که قبلا در نمازهای جمعه و تظاهرات خیابانی رژیم شرکت کرده باشند!

آنچه در بالا گفته شد مجموعه‌ای از عوامل عینی است که ضمن تشدید مقاومت مردمی - که توسط شورای ملی مقاومت ایران رهبری می‌شود - رژیم خمینی را در بحرانی عمومی اعم از اقتصادی و سیاسی و نظامی و مالی و فرهنگی غرق کرده است. در نتیجه معلوم می‌شود که این رژیم جز از طریق ادامه‌ی جنگ و استقرار حکومت وحشت و تخریب جامعه و فرد، ادامه حیات نمی‌دهد.

### ادامه جنگ

طی ۳۱ ماهی که از آغاز جنگ می‌گذرد رژیم ایران سعی کرده است که حکومت ترور و وحشت را متقابلا توجیه کند تا بتواند مخالفین خود بخصوص نیروهای مترقی و دمکراتیک کشور را آزادانه مورد سرکوب خونین قرار دهد.

بهمین دلیل خمینی طی یک مصاحبه‌ی رادیو تلویزیونی جنگ را "یک موهبت آسمانی" نامیده و برای ادامه‌ی آن با سوءاستفاده از مذهب و احساسات ملی (ناسیونالیسم) مدد گرفت. زیرا این جنگ نه تنها باو اجازه می‌دهد که مردم و بویژه ارتش را تحت تسلط قرار دهد، بلکه جواب به بحرانهایی را که قادر به حل آنها نیست دائما به بعد موکول نماید. در پی شعار "صدور انقلاب" رادیو و مطبوعات رژیم خمینی دائما

فریاد سر داده و به طرق گوناگون در مورد داخلی کشورهای منطقه دخالت کرده و آنها را به جنگ تهدید می‌کنند. باین ترتیب او ثبات خود را در عدم ثبات و تفرقه‌ی سایر کشورهای منطقه جستجو کرده و سعی در بالکانیزه کردن آن دارد.

اگر چه جنگ ایران و عراق تا کنون خسارات مادی و انسانی سنگینی ببار آورده است:

- بیش از ۲/۰۰۰/۰۰۰ (دومیلیون) آواره جنگی، ۳۰۰/۰۰۰ (سیصد هزار) کشته، ۵۰۰/۰۰۰ (پانصد هزار) زخمی و معلول و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت - در کشوری که تولید ناخالص ملی سالانه‌ی آن (قبل از انقلاب) هرگز از ۵۵ میلیارد دلار تجاوز نکرده است.

با اینهمه اگر چه جنگ موجودیت و تواناییهای اقتصاد کشور را سخت کاهش داده و بخطر انداخته و در وراء آن تعادل جامعه را از درون و بیرون بهم زده و در نتیجه صلح تمامی منطقه را تهدید می‌کند، معذرا رژیم جنگ طلب ایران کلیه پیشنهادات هیئتهای مامور میانجیگری اعم از سازمان ملل متحد، جنبش کشورهای غیر متعهد و کنفرانس اسلامی را رد کرده است. وی همچنین،

قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد دائر بر ضرورت پایان دادن فوری به جنگ و لزوم حل اختلافات فیما بین از طرق مسالمت‌آمیز را نیز رد کرده است. با توجه به پذیرش این پیشنهادات و قطعنامه‌ها از جانب عراق و اعلام نظر این دولت مبنی بر عقب‌نشینی به پشت مرزهای بین‌المللی دو کشور مندرج در قرارداد ۱۹۷۵ اینک تنها رژیم خمینی است که بر ادامه‌ی جنگ پافشاری می‌کند. باین ترتیب ادامه‌ی جنگ دلیلی جز فرار به جلو برای پرهیز از مقابله با بحرانهای درونی اجتماع که پس از انقلاب نه تنها از بین نرفته بلکه دائما عمیق‌تر شده و افزایش و گسترش یافته‌اند نیست.

باین ترتیب "نظام" گنونی ایران که چیزی جز بی‌نظمی نیست دارای هیچگونه طرحی

برای توسعه‌ی اقتصادی کشور نمی‌باشد، با تزیید فقر و بیچارگی در دو کشور در حال جنگ موجبات گسترش آنرا در منطقه و اجبارا در سایر کشورهای جهان سوم فراهم کرده است. لذا این رژیم باید بعنوان یک خطر دائمی و ضد ثبات و صلح در سطح بین‌المللی تلقی شود. در چنین شرایطی چه باید کرد؟

### شورای ملی مقاومت

جواب مردم ایران به سوال بالا ایجاد شورای ملی مقاومت ایران بود. این ارگان که اکثریت نیروهای مترقی و مبارز و اهم اقلیتهای قومی و مذهبی کشور را دربر می‌گیرد در ژوئن ۱۹۸۱ در ایران بوجود آمد. با توجه به اینکه در آن هنگام نیز بمانند امروز هیچیک از آرمانهای انقلاب که عبارت از استقلال ملی، دموکراسی، توسعه‌ی اقتصادی و عدالت اجتماعی بود، برآورده نشد. برنامه‌ی شورای ملی مقاومت ایران این آرزوهای مشروع مردم ایران را در صدر برنامه‌های خود قرار داد. زیرا که ایران دمکراتیک فردا احتیاج به صلح، آزادی، امنیت قضائی و احترام به حقوق ملیتها و بازسازی اقتصادی دارد. لذا همه‌ی این اصول در برنامه‌ی شورای ملی مقاومت که وسیعا در داخل کشور نیز پخش شده است، گنجانیده شده‌اند (که نسخه‌ای از آن تقدیمتان گردیده است). جاذبه‌ی ارزشها و جوهر مردمی برنامه‌ی شورا که از سوی نیروهای مقاومت، قاطعانه دفاع می‌شد موجب گسترش و شناختن هرچه بیشتر آن بعنوان تنها آلترناتیو دموکراتیک رژیم خمینی در داخل و خارج کشور گردید.

بعنوان مثال، این شورا تقریبا توسط اکثر احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات اروپا (از جمله حزب کارگر انگلستان، حزب سوسیال دمکرات یونان، حزب سوسیالیست سوئیس، حزب سوسیالیست ایتالیایا، حزب کمونیست داخلی یونان و حزب

سوسیالیست متحد فرانسه) و صدها حزب و سازمان سیاسی و سندیکا و اتحادیه و انجمن دانشگاهی دیگر در سراسر جهان برحسب نامه‌های کتبی که برای اینجانب ارسال داشته‌اند برسمیت شناخته شده و مورد حمایت سیاسی قرار گرفته است. که بایستی فهرستی از هزاران تن از مهمترین شخصیتها در زمینه‌های علمی و فرهنگی جهان را نیز بدان افزود. متقابلا حملات رژیم به شورا و احزاب و سازمانهای متشکله‌ی آن بیش از پیش شدت یافت تا آنجا که بیش از ۹۵% از قربانیان رژیم خمینی - که رقم آنها کمی بالاتر ذکر شد - اعم از زندانیان سیاسی و اعدام‌شدگان را هواداران شورای ملی مقاومت که میان آنها هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران جای مهمی را اشغال می‌کنند تشکیل می‌دهند.

و امروز در حالیکه رژیم جنگ‌افروز خمینی گماکان در سیاست بالکانیزاسیون منطقه پافشاری می‌ورزد، شورای ملی مقاومت ایران در پی ۶ ماه بررسی و پس از انجام مطالعات و مشورتهای جامع بمنظور دستیابی به یک صلح عادلانه، پیشنهادی تحت عنوان "طرح صلح" برای اطلاع دولت عراق، سازمان ملل متحد، کشورهای غیرمتعهد و همه‌ی طرفداران صلح در منطقه و جهان ارسال داشت. این طرح بدنبال ملاقات نایب‌نخست‌وزیر عراق با مسئول شورای ملی مقاومت ایران و صدور بیانیه‌ی مشترک ۹ ژانویه ۱۹۸۳ تهیه شده، بیانیه‌ی مشترک و طرح صلح بر مبنای استقرار صلح عادلانه و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات دو کشور از طریق مذاکرات مستقیم بر اساس تمامیت ارضی، استقلال کامل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام به اراده‌ی آزاد دو ملت ایران و عراق، روابط حسن همجواری و همکاری متقابل در خدمت آزادی، صلح، ترقی و ثبات منطقه تهیه شد و بموجب آن، شورای ملی مقاومت، مرزهای بین‌المللی شناخته شده در قرارداد ۱۹۷۵ را مبنای صلح عادلانه مداوم اعلام نمود. (که نسخه‌ای از طرح فوق نیز تقدیم می‌شود) به این ترتیب در حالیکه آینده بین تجزیه‌ی کشور بقیه در صفحه‌ی ۲۵

# شرکت نمایندگان شورای ملی مقاومت ایران بعنوان عضو ناظر در شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست و حمایت کنگره از طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران

بین الملل سوسیالیست به مدت چهار روز (از پنجشنبه ۷ تا یکشنبه ۱۰ آوریل ۱۹۸۳) شانزدهمین کنگره عادی خود را در شهر آلبوفیرا - در جنوب پرتغال - برگزار نمود. در این کنگره بین الملل - که گردهمایی آن قاعدتا هر دو سال یک بار در یکی از کشورهای که حزب سوسیالیست و یا یکی از احزاب مترقی آن عضو بین الملل سوسیالیست باشد - برگزار می شود - شورای ملی مقاومت ایران نیز رسماً دعوت شده بود. توضیح این که دفتر بین الملل سوسیالیست طی اجلاس ۳ و ۴ نوامبر ۱۹۸۲ خود در شهر بال (از شهرهای سوئیس) تصمیم گرفت که شورای ملی مقاومت را به کنگره آینده خود دعوت نماید و این تصمیم را به برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت اطلاع داده، از ایشان تقاضای تعیین هیئتی برای شرکت در شانزدهمین کنگره را نمود.

بین الملل سوسیالیست با دعوت خود از شورای ملی مقاومت عملاً این شورا را به عنوان یک ارگان مترقی و دمکراتیک که بالقوه نقش جانشینی رژیم خمینی را در داخل کشور و در سطح بین المللی برعهده دارد به رسمیت شناخت.

در پاسخ به این دعوت، از سوی برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت آقای دکتر کاظم رجوی و آقای احمد سلامتیان به عنوان نمایندگان شورا به محل کنگره اعزام شدند.

## مختصری درباره کنگره بین الملل سوسیالیست

قبل از کنگره اخیر، بین الملل سوسیالیست از ۴۸ حزب که عضویت کامل آن را پذیرفته بودند و ۱۵ عضو مشورتی، ۴ سازمان برادر و ۴ سازمان وابسته یعنی جمعا و به طور رسمی از ۷۱ حزب و سازمان سیاسی و کارگری در پنج قاره جهان تشکیل شده بود. طی کنگره اخیر تعداد کل سازمان های مذکور به ۷۴ افزایش یافت. در حال حاضر

بین الملل سوسیالیست معرف ۲۰ میلیون نفر عضو و بیش از ۲۱۰ میلیون رای دهنده در سرتاسر دنیا به ویژه در اروپای غربی می باشد. همچنین در حال حاضر در ۱۶ کشور جهان احزاب سوسیالیست حکومت را در دست داشته و یا در آن شرکت مستقیم دارند.

## شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست در پرتغال

در این کنگره جمعا ۳۹۸ نفر به نمایندگی از ۹۵ کشور و ۱۳۶ حزب و سازمان بین المللی و سندیکایی جهان حضور یافته بودند. علاوه بر نمایندگان احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات کشورهای بزرگ اروپای غربی و همچنین کانادا و ژاپن و بسیاری از کشورهای آسیائی و آفریقائی عضو انترناسیونال سوسیالیست؛ چندین سازمان و جبهه آزادی بخش از نقاط مختلف جهان و منجمله سازمان آزادی بخش فلسطین، جبهه ملی آزادی بخش الجزایر (F.L.N) و شورای ملی مقاومت ایران بعنوان عضو ناظر شرکت کرده بودند. قابل تذکر است که نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین آقای عصام سرطاوی در جریان برگزاری همین کنگره طی یک جنایت تروریستی به شهادت رسید.

رباست این کنگره با ویلی - برانت صدراعظم سابق آلمان بود و سایر اعضاء هیئت رئیسه عبارت بودند از: ماریوسوارز نخست وزیر سابق پرتغال، فیلیپ گونزالس نخست وزیر فعلی اسپانیا، لیونل ژوسپ دبیر کل حزب سوسیالیست فرانسه، بنیتو کراسکی رئیس حزب سوسیالیست ایتالیا، برنت کارلسن دبیر کل بین - الملل سوسیالیست، گونزالو باریوس دبیر کل حزب سوسیالیست ونزوئلا، خانم ایرن پترمی رئیس حزب سوسیالیست بلژیک، مایکل فوت رهبر حزب کارگر انگلستان، ولید جنبلاط

رئیس حزب سوسیالیست مترقی لبنان، ایشی یواسوگاتا رهبر حزب سوسیال دمکرات ژاپن.

برنامه کنگره تحت عنوان "بحران جهانی و راه حل سوسیالیستی" که از پیش تهیه و به اطلاع کلیه شرکت کنندگان رسیده بود، شامل موضوعاتی به قرار زیر می باشد:

- عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی: فقر جهان سوم، توسعه اقتصادی و روابط شمال و جنوب، کار و عدالت اجتماعی در کشورهای توسعه یافته، رشد علمی، تربیت دمکراتیک، عوامل تشکیل دهنده یک سیاست اجتماعی.

- امنیت، صلح و خلع سلاح: امنیت بین المللی در سال های ۱۹۸۰. خلع سلاح اتمی و غیراتمی. جنگ های منطقه ای و امنیت جهان سوم.

پس از نطق افتتاحیه ماریو سوارز نخست وزیر سابق پرتغال و گفتن خیر مقدم توسط ویلی برانت رئیس بین الملل سوسیالیست و ارائه گزارش فعالیت های دو ساله اخیر این سازمان توسط برنت کارنس دبیر کل آن، گزارشاتی که به وسیله متخصصین درباره هر یک از موضوعات برنامه فوق الذکر تهیه شده بود و بر مبنای آنها کمیته تهیهی قطعنامه ها، تصمیمات و قطعنامه های تنظیم نموده بود که در آخرین روز کنگره به تصویب رسید.

## اقدامات نمایندگان شورای ملی مقاومت

نمایندگان شورای ملی مقاومت به محض ورود به پرتغال با استفاده از همه امکانات یک کنگره وسیع بین المللی و تجمع هیئت های مختلف از نقاط دور دست جهان و حضور نمایندگان وسائل ارتباط جمعی جهانی، جنایات ضد بشری و سیاست های ضد ملی و ضد مردمی داخلی و سیاست جنگ طلبانه رژیم خمینی را وسیعاً افشاء نمودند.

## تماس با مطبوعات و توزیع پیام مسئول شورا و اسناد و مدارک

دو روز قبل از آغاز کار کنگره، یعنی روز پنجم آوریل، نمایندگان شورا طی مصاحبه ای با خبرنگاران و از جمله دو رادیوی دولتی و غیردولتی پرتغالی بر مبنای پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به کنگره بین الملل سوسیالیست انتظارات شورا را از این کنگره و اهداف خود را از شرکت در آن برشمردند. آنها با ارائه پیام مذکور به خبرنگاران توضیح دادند که ماموریتشان عبارت است از رسانیدن آن پیام به کنگره و ابلاغ انتظار شورای ملی مقاومت ایران به بین الملل سوسیالیست مبنی بر بکارگرفتن همه امکاناتش - و حتی صدور قطعنامه ای - برای پایان دادن به جنگ خانمان سوزی که به صورت وسیله ای ادامه ی حیات رژیم نکبت بار خمینی درآمده است. در این رابطه هیئت نمایندگی شورا با ارائه نمونه ای به خبرنگاران از ۱۵۰ پرونده ای که از قبل آماده شده بودند - حاوی اسانامه ای شورای ملی مقاومت، طرح صلح شورا در رابطه با جنگ ایران و عراق، برخی از نامه های حمایت احزاب سوسیالیست اروپا درباره ی حمایت از شورای ملی مقاومت، نامه ی ۹ سپتامبر ۱۹۸۲ برادر مجاهد مسعود رجوی به رئیس مجمع عمومی دول عضو میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی ملل متحد، آخرین قطعنامه ی صادره از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد درباره ی نقض شدید حقوق بشر در ایران و محکومیت ضمنی رژیم خمینی و بالاخره ارائه نقطه نظرهای شورا در مورد صلح اظهار امیدواری نموده که بین الملل سوسیالیست از مساعدت برای پایان دادن به جنگ دریغ ننماید. مصاحبه ی رادیویی فوق الذکر در سه نوبت از رادیوهای مذکور پخش

گردید. همچنین نمایندگان شورای ملی مقاومت در یک مصاحبه ی مطبوعاتی غیر رسمی در محل کنگره شرکت نمودند. در این مصاحبه ی مطبوعاتی که عده ی زیادی از خبرنگاران جراید بین - المللی در آن شرکت نموده بودند، نمایندگان شورا ابتدا قسمت های مهم پیام مسئول شورای ملی مقاومت به کنگره ی بین المللی را قرائت نموده و سپس به تحلیل اوضاع داخلی ایران، جنایات ضد بشری خمینی، ادامه ی جنگ با عراق و خسارات و تلفات آن، تشریح طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران در رابطه با جنگ ایران و عراق پرداخته و سپس خبرنگاران پاسخ دادند.

نمایندگان شورای ملی مقاومت همچنین متن کامل پیام مسئول شورای ملی مقاومت را به همراه پرونده های متعدد حاوی مدارک و اسناد افشاء کننده ی جنایات رژیم خمینی و سیاست جنگ طلبانه ی او و همچنین طرح صلح شورای ملی مقاومت را به انضمام پیام های حمایت گسترده ی بین المللی از این شورا، در بین هیئت های شرکت کننده در کنگره و همچنین در جریان مصاحبه ی مطبوعاتی توزیع نمودند. که بدون شک در آگاهی و جلب توجه احزاب و ملت های مختلف جهان نسبت به شرایط کنونی ایران و موقعیت رژیم خمینی و بی اعتباری بین المللی آن تاثیر فراوانی خواهد داشت.

## ملاقات با شخصیت ها

لازم به تذکر است که هیئت نمایندگی شورا طی ملاقات هایی با هیئت رئیسه ی بین الملل سوسیالیست - که اسامی بعضی از آنها فوقا ذکر شد - و ده ها ملاقات و مذاکره با سایر هیئت های نمایندگی و روسای آنان توجه کنگره ی بین الملل سوسیالیست را به موضوع ایران، طرح صلح شورای ملی مقاومت در زمینه ی پایان بخشیدن به جنگ و اتخاذ موضعی در این زمینه جلب نموده، که اهم این ملاقات ها به قرار زیرند: آقایان بقیه در صفحه ی ۲۴

# حزب خمینی حتی در مجلس فرمایشی رژیم هم هیچگونه مخالفتی را تحمل نمی کند

حزب منفور و انحصارطلب خمینی که سقوط و نابودی خود و کل رژیم را حتمی می بیند، اکنون حتی حاضر به تحمل حرف های نمایندگان جناح های دیگر رژیم در مجلس فرمایشی اش هم نیست! اگر چه جناح های مختلف رژیم و نمایندگان آنها در مجلس تاکنون در کنار این باند جنایتکار موسوم به حزب جمهوری اسلامی، بر تمامی جنایات و کشتار و شکنجهی فرزندان خلق توسط خمینی

دنیا این آمار و ارقام را تعقیب می کنند که روی آینده ی ما حساب بکنند، درست نیست. آمار و ارقام دادن پشت تریبون مجلس مسئولیت عظیمی دارد و اگر خلاقی گفته شد مسئولین بدقت جواب بدهند تا روشن شود.

در جمع بندی اظهارات مخالفین مقداری در دلدلهائی بود که از دولت و مسئولین داشتند و به اسم بودجه انتقام کشیدند.

**رفسنجانی خائن که شرکایش را متهم به بی انصافی، انتقام جوئی، کوبیدن بر سردوست، دادن آمار غیر واقعی، بیرون کشیدن نقاط ضعف رژیم و... می کند بادهان کف کرده و در کمال وقاحت در نماز جمعه ها اعلام می دارد که ایران آزادترین کشور جهانست!!**

صحه گذارده و شریک جرم او می باشند و بقول معروف "سگ زرد برادر شغال است". اما بوسیدگی رژیم خمینی و انحصارطلبی بی حد و حصر حزب حاکم نیز دیدنی است، که حتی حرف های مخالف نمایندگان مجلس ضد خلقی درباره ی لایحه ی بودجه ی دولت را نیز نمی تواند تحمل کند و با انواع توجیهات و مارکها سعی دارد به آنها "دهن بند" بزند. به قسمت هایی از سخنان رفسنجانی جنایتکار در پایان سخنان مخالفین و موافقین بر سر لایحه ی بودجه ی ورشکسته ی سال ۶۷ رژیم که بیانگر شیوه ی برخورد جناح حاکم حزبی با سایر جناح های درونی حاکمیت نیز می باشد توجه نمائید:

"... نمایندگانی هم که در مجلس صحبت کردند چه موافق و چه مخالف حرف های زدند که برای جامعه مفید خواهد بود گر چه بعضی آمار و ارقام غیر واقعی بود و بعضی انتخابی، یعنی به شکلی انتخاب شده بود که بحث را بسوی اهداف مخالفین هدایت می کرد و این شکل برخورد با بودجه چون مراکز اقتصادی

شعارهایی که مخالفین دادند بعضی حق نبود و قطعا خودشان در سخنرانی ها ضد این را گفته اند اینکه برای مستضعفین چکار شده یکی از نکاتی است که یادداشت کرده ام، خیلی بی انصافی است که خدماتی را که در انقلاب برای مستضعفین شده ندیده بگیریم و در مجموع دولت در این میان مظلوم واقع شد در حالیکه بخشی از مسائل مربوط به خود مجلس است و برخی مربوط به شورای نگهبان و بعضی مربوط به گروه های فشاری است که در بیرون هستند و نمی گذارند بعضی از قدم های اساسی برداشته شود که همه ی اینها را بر سر دولت گذاشته اند... اما حالا در موقع تصویب بودجه همه ی اینها را بر سر دولت کوبیدن صحیح نیست... صحبت از جاهائی شد که آدم دلش بدرد می آمد و من گاهی غصام می شد در حرف های آقایان که می گفتند ما برای محرومین چه کرده ایم و برای روستائیان چه کرده ایم و فقط به فکر شهرها بوده ایم که منصفانه نیست ما از این حرفها بزنیم. آخر این

## تهاجم رزمندگان مجاهد خلق به محل استقرار آخوند جنایتکار "عظیمی" مسئول اداره تفتیش عقاید ژاندارمری شهرضا

در تاریخ ۱۶ / بهمن ۶۱ واحد عملیاتی مجاهد شهید حشمت الله سرحدی، در عملیات مجاهد شهید سیاوش ایزدی، پس از شناسائی های لازم، در ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه بعد از ظهر، با یک تهاجم حساب شده آخوند جنایتکار "عظیمی" و محافظ مزدورش را - در محل استقرار "عظیمی" - هدف آتش بی امان خود قرار می دهد. آخوند مزدور "عظیمی" از مهره های سرسپرده ی خمینی در منطقه ی شهرضا و همچنین مسئول اداره ی سرکوب و تفتیش عقاید باصطلاح "سیاسی-ایدئولوژیک" ژاندارمری منطقه ی شهرضا، سمیرم و دهاقان بوده و نیز در سمت سرپرستی انجمن های ضداسلامی آموزش و

پرورش از عوامل اصلی اختناق و سرکوب در این اداره بوده است. در تهاجم رزمندگان مجاهد خلق، این آخوند جنایتکار و همچنین محافظ مزدورش بشدت مجروح شدند و رزمندگان مجاهد نیز پس از انجام این عملیات، سالم به پایگاه خود مراجعت نمودند.

### گزارش عملیات تبلیغی

#### یکی از هسته های مقاومت در مشهد

یکی از اقدامات انقلابی ای که بعضی از هسته های مقاومت (در ابتدای شکل گیری شان)، متناسب با توان و امکانات محدودشان انجام می دهند، عملیات تبلیغی است که با ابتکار خود هسته ها و به اشکال گوناگون صورت می گیرد. تاکنون گزارشات بسیاری در این زمینه داشته ایم، منجمله شعارنویسی بر در و دیوارها، پرتاب تخم مرغ رنگی به تصاویر خمینی جلاد، پخش اخبار مقاومت به صورت اعلامیه و... آنچه که ذیلا درج می گردد نمونه ی دیگری از عملیات تبلیغی یکی از هسته های مقاومت در مشهد می باشد.

در تاریخ ۱۰ / ۹ / ۶۱ در ساعت ۷ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر، چهار تن از اعضای هسته ی مقاومت مجاهد شهید "سعید جابانی"، پس از شناسائی های لازم وارد دبیرستان "دانش و هنر" مشهد شده و پس از به تصرف در آوردن دبیرستان به پاکسازی دیوارها از عکس های خمینی جلاد و دیگر مزدورانش می پردازند، سپس دیوارها را با شعارهای انقلابی "مرگ بر خمینی، درود بر رجوی، زنده باد شورای ملی مقاومت، زنده باد آزادی و زنده باد مبارزه ی مسلحانه ی انقلابی، صلح و آزادی خواسته ی زحمتکشان است نه جنگ و جنگ افروزی" و... پر کرده و در پایان همگی سالم منطقه را ترک می کنند.

روز بعد ناظم سرسپرده ی دبیرستان که از این کار که علی رغم وجود نگهبان در دبیرستان انجام گرفته بود، به شدت عصبانی و وحشت زده شده بود، کلاسها را تعطیل کرده و از ورود دانش آموزان و حتی

دبیران به دبیرستان جلوگیری می کند و مذبوحانه تلاش می نماید تا با بکار گرفتن مزدوران انجمن ضداسلامی دبیرستان با رنگ کردن مجدد دیوارها روی شعارها را بپوشاند. ولی با وجود اینکه تلاش های مذبوحانه، دو روز بعد که کلاسها باز می شود، هنوز آثار شعارها روی در و دیوار مشخص بوده است. دانش آموزان و معلمین ضمن استقبال از این عمل به مسخره کردن ناظم سرسپرده ی مدرسه و مزدوران انجمن ضداسلامی می پردازند. این عملیات به نام مجاهد شهید "مجید شریف" که از دانش آموزان همین دبیرستان بوده و به دست مزدوران خمینی به شهادت رسیده، نامگذاری می شود و اعلامیه ی آن نیز در سطح منطقه پخش و با استقبال مردم مواجه می گردد.

زبان بی زبانی می گوید که اگر هم خواستید آمار بدهید، آمار غیر واقعی بدهید نه آمار حقیقی چرا که مراکز اقتصادی دنیا روی ما حساب می کنند و اگر وضعیت ورشکسته ی ما را بفهمند با ما طرف معامله و بندوبست نخواهند شد. از سوی دیگر همین رفسنجانی خائن که شرکایش را متهم به بی انصافی، انتقام جوئی، کوبیدن بر سر دوست، دادن آمار غیر واقعی، هم آوائی با رادیو بغداد، بیرون کشیدن نقاط ضعف رژیم و... می کند با دهان کف کرده و در کمال وقاحت در نماز جمعه ها اعلام می دارد که ایران آزادترین کشور جهانست!!

کسر بودجه ی آمریکا از ما کم رنگ تر است ولی آنها عیان نمی کنند در حالی که به گفته های ما دشمنان ما بیشتر گوش می دهند تا دوستانمان که نقاط ضعف را بیرون بیاورند... "اطلاعات ۲۱ / اسفند ۶۱" علاحظه می کنید که رئیس حزبی مجلس چگونه در مقابل کوچکترین اشکال و انتقاد خودی ها! سینه سپر کرده و دهان همه ی آنها را می بندد. جالب اینجاست که رفسنجانی بر سر نمایندگانی که از روی نادانی یا حماقت و ساده لوحی برخی آمارهای واقعی وحشتناک و مفتضح از وضعیت آشفته و بحرانی رژیم خمینی را ارائه می دهند، فریاد می زند و به

جهادیه ها که الان در روستاها خدمت می کنند از این تریبون این حرفها را می شنوند چگونه برخورد خواهند کرد... اگر رادیو عراق می خواست اینها را بگوید اینقدر موفق نمی شد چون مردم به آن گوش نمی دهند... گفته شد درآمدها کاذب است و بودجه وابستگی به نفت دارد آیا دوستان ما حرکت را در این مدت بسوی قطع وابستگی از نفت نمی دانند؟ باید به واقعیتها توجه کرد مخارج جنگ اگر بر کشورهای پیشرفته تحمیل می شد خرد می شدند.

# لخته نفتی : اهرم فشار رژیم خمینی

## بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس؟!

بقیه از صفحه اول

لخته نفتی که روزانه به میزان هزاران بشکه نفت بر حجمش افزوده می‌شود، باعث آلودگی آبهای خلیج فارس شده و محیط زیست و حیات جانوران دریائی و صنعت ماهیگیری کشورهای حوزه خلیج فارس را مورد تهدید جدی قرار داده است، به نحوی که طبق گزارش خبرگزاریها، لاشه حیوانات دریائی و ماهیها در سواحل برخی از این کشورها مشاهده شده است. از سوی دیگر کلیه کشورهای عربی منطقه که تاسیسات شیرین سازی آب خود را در معرض تهدید جدی می‌بینند، دست به اقدامات عاجل و پرخرجی زده و برخی از آنها از هم‌اکنون سدهای شنی در مقابل سواحل خود ایجاد کرده و یا بناچار تعدادی از این قبیل تاسیسات خود را تعطیل نموده‌اند. جالب توجه است که بر اساس گزارش خبرگزاریها، هم اکنون "قیمت آب معدنی در کشورهای جنوبی خلیج، به بشکه‌ای ۳۸/۵ دلار و نوع مرغوب‌تر آن به بشکه‌ای ۵۱/۵ دلار افزایش پیدا کرده است" و این در حالیست که یک بشکه نفت همین کشورها ۲۹ دلار بیشتر خریدار ندارد! از سوی دیگر بموازات پیشروی این لکه نفتی و خطرات ناشی از گسترش آن، کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج، برای چاره‌جویی و یافتن راههای عملی جهت مقابله با فاجعه‌ی فوق، اقدام به تشکیل کنفرانس محیط زیست نموده‌اند. در این بین رژیم جنگ طلب خمینی نیز که نمی‌توانست به لحاظ واکنش بین‌المللی، به سکوت و بی‌تفاوتی حساب شده‌ی خود در این زمینه ادامه دهد، ظاهراً آمادگی خود را برای شرکت در این کنفرانس اعلام نمود. حال بد نیست با توجه به ادعاها و هوجب‌گری‌های سردمداران رژیم خمینی مبنی بر برخورد فعال در کنفرانس محیط زیست و همکاری با کشورهای منطقه جهت پاکسازی آبهای آلوده‌ی خلیج فارس، ببینیم رژیم با سیاست‌های جنگ طلبانه‌ی

خود کار این کنفرانس را به کجا کشانده است؟!

### کنفرانس محیط زیست کشورهای حوزه خلیج فارس!

جنگی " محسوب می‌شود، اعلام نمود که طرف مقابل باید در طول عملیات بازسازی و تعمیر چاههای آسیب دیده بطور یکجانبه حفظ جان کارشناسان مربوطه را تضمین نماید! اینکه رژیم خمینی این چنین در راه پیشرفت مذاکرات کنفرانس مانع



ایجاد کرد و از تمامی خواسته‌های منطقی کشورهای شرکت کننده سر باز زد، غیرمنتظره نبود چراکه اساساً رژیم به همین منظور در

کنفرانس فوق با شرکت ۸ کشور ذینفع منطقه - منجمله ایران و عراق - در اواسط فروردین امسال در کویت تشکیل شد. در نخستین گردهمایی، کشورهای شرکت کننده بالاتفاق بر روی ضرورت آتش‌بس موقت در منطقه‌ی نفتی نوروز جهت اقدامات فنی کارشناسان و تعمیر و بازسازی نقاط آسیب دیده‌ی سکوها نفتی نوروز تاکید نمودند. اما از آنجا که رژیم خمینی، خواسته‌ی فوق را مغایر با مقاصد جنگ طلبانه‌ی خود می‌دید میرزا طاهری نماینده‌ی رژیم با قبول هرگونه آتش‌بس موضعی در این زمینه مخالفت ورزیده و عملاً راه را بر پیشرفت کار کنفرانس بست. جالب اینجاست که رژیم ضمن پافشاری روی این نکته که منطقه‌ی نفتی فوق‌الذکر کماکان "منطقه‌ی

ملتهای منطقه‌شان باشند. سعی بر اینستکه در این اجلاس این اعتراض به هر ترتیبی نسبت به دولت عراق صورت گیرد. تا آنجائیکه برایشان مقدور است دولت را تحت فشار قرار دهند. زیرا که این ضرر، ارزش‌هایی را در رابطه با ملت‌های منطقه گاملاً از بین برده..."

ناگفته پیداست که نماینده‌ی رژیم خمینی با چنین عزم جزمی در کنفرانس شرکت نموده تا از مسئله‌ی لخته‌ی نفتی بعنوان چماق بر علیه کشورهای دیگر استفاده نموده و از آنها باج بگیرد. همچنین مشخص است که تا کجا رژیم خمینی بر نارضایتی مردم منطقه نسبت به مسئله‌ی آلودگی آبها وقوف داشته و بر روی بازتابهای مختلف آن تا گرفتن نتیجه‌ی نهائی سرمایه‌گذاری نموده است.

ابعاد این سیاست خائنانه‌ی رژیم از آنجا روشن‌تر می‌شود که غرضی وزیر نفت خائن رژیم خمینی اعتراف می‌کند که رژیم از ۴ ماه قبل در جریان نشت روزانه ۲۰۰۰ بشکه نفت از چاههای آسیب دیده‌ی نوروز قرار داشته، اما صدایش را در نیاورده است.

(کیهان - ۱۱ / فروردین / ۶۱) این بدان معنی است که رژیم خمینی تمعداً بازسازی چاههای فوق را (حتی با پذیرش زیان مادی آن) تا آنجا به تعویق انداخته که نفت به میزان ۲۶۰/۰۰۰ بشکه در سطح آبهای خلیج فارس گسترش پیدا کند و به صورت مسئله‌ی مبرم عموم کشورهای عربی منطقه درآید. بدیهی است که بدین ترتیب، رژیم می‌توانست برگ برنده‌ای را داشته باشد و دست به شانناژ و باجگیری از این کشورها بزند. از همین روست که علیرغم تبلیغات میان‌تهی رژیم خمینی

"... چاههای نفتی نوروز از نظر مادی در مقایسه با تعداد بی‌شمار چاههای نفت دیگر هیچ ارزشی ندارد...". به عبارت دیگر این خائن سرسپرده می‌خواهد بگوید برای ما مهم نیست، بگذار آنقدر نفت به دریا بریزد تا اینکه همه‌ی کشورهای منطقه احساس خطر کرده و به دست و پا بیفتند. غرضی خائن نیز در مصاحبه‌اش گفت:

"... برای ما که روزانه حدود ۲-۲/۵ میلیون بشکه نفت تولید می‌کنیم از بین رفتن مقدار ۲۰۰۰ بشکه نفت مشکل عمده‌ای نیست...".

(کیهان / ۱۱ / فروردین) در واقع هم برای این چپاولگران حاکم که حاضرند منابع و سرمایه‌های مادی ملت ما را تا آخرین ذره در جهت جنگ‌افروزی‌ها و منافع ضد مردمی خویش به تاراج دهند چنین اظهار نظرهای خائنانه‌ی تعجب‌آور نیست.

کوتاه سخن اینکه اساساً رژیم با چنین مقاصدی پا به درون کنفرانس گذاشت و به همین دلیل نیز در قبال هر پیشنهاد اساسی در این گردهمایی، قدم به قدم سنگ اندازی و مسئله‌سازی نمود تا جائیکه شمس اردکانی سفیر خائن خمینی در کویت که ریاست کنفرانس فوق‌الذکر را نیز برعهده داشت، "معذرت خواهی" عراق را نیز بر شروط و باجهای مورد درخواست رژیم خمینی افزود!

حال هرچند تا این تاریخ (آخر فروردین) کنفرانس فوق به هیچگونه توافق اصولی نرسیده و هر روز نیز کماکان معادل هزاران بشکه نفت "بی‌ارزش"؟! بر حجم هیولای نفتی در آبهای خلیج فارس افزوده می‌شود، اما بد نیست

**رژیم خمینی تمعداً بازسازی چاههای فوق را (حتی با پذیرش زیان مادی آن) تا آنجا به تعویق انداخته که نفت به میزان ۲۶۰/۰۰۰ بشکه در سطح آب‌های خلیج فارس گسترش پیدا کند و بصورت مسئله‌ی مبرم عموم کشورهای عربی منطقه درآید. بدیهی است که بدین ترتیب، رژیم می‌توانست برگ برنده‌ای را داشته باشد و دست به شانناژ و باجگیری از این کشورها بزند.**

در کیرودار این مسأله‌ی غامض برای کشورهای منطقه و خطرات بی‌آبی مردم آن، مضافاً بر سنگ اندازیها و مسئله‌سازیهای رژیم خمینی، به عوام‌فریبی و دجال‌گری و شیادی حیرت‌آور این رژیم در جهت بهره‌برداری تبلیغاتی از ماجرای لخته‌ی نفتی اشاره‌ای داشته باشیم که این بار بقیه در صفحه‌ی ۲۲

مبنی بر احترام به کشورهای منطقه و اظهار تمایل برای حل مسئله‌ی آلودگی آبهای خلیج، بی‌تفاوتی تمام عیار و حساب شده در خلال موضعگیریها و صحبت‌های سردمداران رژیم موج می‌زند. از جمله موسوی نخست وزیر خائن رژیم طی مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۴ فروردین اعلام نمود:

کنفرانس شرکت کرده بود. در این زمینه میرزا طاهری نماینده‌ی خائن رژیم هدف خود از مسافرت به کویت را بخوبی بیان می‌کند. او در آستانه‌ی شرکت در کنفرانس حفظ محیط زیست در پاسخ به سوال خبرنگاری می‌گوید: "... من فکر می‌کنم که کشورهای منطقه بایستی به فکر

# گوشه‌ای از انعکاس طرح شورای ملی مقاومت در مطبوعات جهان

طرح صلح شورای ملی مقاومت که در آستانه‌ی سال نوا اعلام گردید و متن آن همراه با پیام مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی در مجاهد شماره‌ی ۱۴۴ درج گردید، در رادیو تلویزیون‌ها و مطبوعات جهان بازتاب گسترده‌ای داشت، که ذیلاً به چند نمونه از این انعکاس در مطبوعات جهان توجه نمایند.

## Nord/Sud

### مقاله‌ای درباره‌ی جنگ ایران و عراق از مجله‌ی نورد-سود

#### بقلم ژوزه گارسن

شورای ملی مقاومت و یا دقیق‌تر بگوئیم مجاهدین (چپ اسلامی) به رهبری مسعود رجوی - تحقق صلح بین ایران و عراق را محور سیاست خود قرار داده‌اند. دو ماه بعد از ملاقات با طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق و پس از شش ماه بحث و مذاکره در داخل شورای ملی مقاومت، مسعود رجوی "طرح کلی صلح" را که اساساً مبتنی بر احترام به حاکمیت و استقلال ملی و تمامیت ارضی ایران است، اعلام کرد و انتشار داد. طرحی که کم‌وبیش ترکیبی از پیشنهادات سازمان ملل، جنبش کشورهای غیرمتعهد و کنفرانس اسلامی می‌باشد.

در این طرح اعلام آتش‌بس فوری، تشکیل یک کمیسیون نظارت بر آتش‌بس تحت نظارت سازمان ملل متحد و یا یک مرجع مرضی‌الطرفین دیگر و تبادل تمام اسرای جنگی حداکثر سه ماه پس از آتش‌بس پیش‌بینی شده است. این پیشنهاد بخصوص الجزیره را به عنوان "مبنای صلحی عادلانه و پایدار" تلقی کرده و در عین حال بر اصل غیر قابل نقض بودن مرزها و عدم مداخله‌ی متقابل در امور داخلی یکدیگر تأکید می‌کند.

همان‌طور که احمد سلامتیان معاون سابق وزارت امور خارجه (در زمان بنی‌صدر) توضیح می‌دهد، در هر دو طرف مرز، کرد، عرب و شیعه زندگی می‌کنند، لذا بی‌طرفی کامل ایران در قبال عراق و بالعکس، جدا از هر نوع مقوله‌نامه‌ی سرکوبگرانه یا پروتکل مداخله‌جویانه (آنچنان که در زمان شاه معمول بود)

مساله‌ی اساسی این نیست. ملاقات با طارق عزیز که رجوی می‌خواست کاملاً آشکار و علنی باشد، به دنبال یک تحلیل دقیق از اوضاع ایران صورت گرفت. رجوی یقین حاصل کرد که جنگ فقط به نفع خمینی است و فقط خمینی مایل به ادامه‌ی آنست. او از وراء گزارشات متعددی که از ایران دریافت می‌کند، اطلاع یافت که رژیم با مشکلات زیادی در بسیج مردم روبرو بوده و ۸۰ درصد ایرانیان مایل به ختم این غائله هستند و در چنین شرائطی حاضر شد خطر ملاقات با مردم شماره‌ی ۲ عراق را در پاریس بپذیرد. آن هم بعد از آن که عراق تمام اراضی اشغالی در ایران را تخلیه کرده و آمادگی خود را برای صلحی بر مبنای تمامیت ارضی ایران اعلام نموده بود.

فقدان تقریباً کامل هرگونه واکنش از طرف ایران در پی این ملاقات (در حالی که پاریس منتظر تظاهرات ضد فرانسوی در تهران بود) موید صحت نظر مجاهدین است.

در واقع همه چیز حاکی از آن است که خمینی مایل است درباره‌ی این ابتکار صلح حداکثر سکوت مراعات شده و صحبتی از آن به میان نیاید.

رجوی تأکید می‌کند که روابط ما با عراق منحصر بر اساس تفاهم سیاسی مشترک بوده و شامل هیچگونه کمک نظامی نیست. چرا از ایجاد شرایط برقراری صلح بترسم؟ مجاهدین پیوسته در مواجهه با خطر و ریسک رشد کرده‌اند. اگر امروز رژیم مجبور به قبول صلح شود ما آن را به او تحمیل کرده‌ایم و اگر به جنگ ادامه دهد به سوی زوال و سرنوشت محتوم خود پیش می‌رود. همه‌ی مساله این نیست.

بدون شک مجاهدین بخصوص متحدین کردشان از این به بعد از تسهیلاتی در مرز عراق برخوردار خواهند بود بعلاوه رجوی به دنیای عرب به استثنای سوریه و لیبی، نشان داد که مایل است جنگ خلیج به هر قیمتی خاتمه یابد و او موتور اصلی صلح در ایران است.

البته او و شورای ملی مقاومت می‌دانند که آن‌ها نمی‌توانند به خمینی پایان دادن به جنگی را که وسیله‌ی حفظ قدرت اوست، تحمیل کنند ولی در موقع و مقطعی که مساعی تمام هیات‌های میانجیگری با شکست

از: روزنامه‌ی زود دوویچه  
تاریخ: ۱۸/مارس/۸۳

Süddeutschezeitung  
18 MÄRZ 1983

## Iranische Opposition fricdenswillig

### اپوزیسیون ایرانی خواستار صلح

#### طرح صلح "شورای ملی مقاومت ایران"

مقاومت قرار گرفته و به اتفاق آرا تصویب و توسط مجاهدین خلق ایران، رئیس جمهور اسبق ایران ابوالحسن بنی‌صدر، حزب دمکرات کردستان ایران و سایر اعضای این شورا امضاء شده است.

دولت تهران درخواست خسارات جنگی برای تعمیرات، خرابی‌ها، عقب‌نشینی قوای عراقی از خاک ایران و تنبیه رئیس جمهور عراق به عنوان تجاوزگر جنگ را، نیز می‌خواهد و ایران تاکنون هر نوع تقاضای آتش‌بس از جانب سازمان‌های بین‌المللی و هیئت‌های میانجی صلح و پیشنهادات آنان مبنی بر ایجاد صلح را رد کرده است. با طرح صلح قوی‌ترین گروه اپوزیسیون ایران، برای اولین بار از جانب ایران موضعی ارائه گردیده، که می‌تواند به توافق با عراق منجر شود. رهبر شورای ملی مقاومت، مسعود رجوی و معاون نخست‌وزیر عراق طارق عزیز تاکنون در ملاقات ۳ ساعته‌ای که در پاریس صورت گرفته، خواستار برقراری آتش‌بس فوری شده‌اند.

\*\*\*

## l'Unità - DAL MONDO

VENERDI  
16 MARZO 1983

Iran-Iraq: piano di pace dei mujaheddin

### ایران - عراق: طرح صلح مجاهدین

میان ایران و عراق ارائه داد که سعی دارد آن را به دو کشور در حال جنگ، سازمان ملل و جنبش غیر متعهددها بدهد.

باتوجه به عدم امکان پیروزی نظامی در این جنگ، عراقی‌ها نیز به این نتیجه رسیده‌اند که صلح باید از درون ایران بوجود آید و وقت آن رسیده است که به تنها نیروئی که معرف واقعیتی در ایران است متکی شوند.

پاریس - "شورای ملی مقاومت ایران" تحت مسئولیت رهبر مجاهدین خلق، مسعود رجوی طرح صلحی را در رابطه با جنگ

مواجه شده به ملت ایران اعلام کرده و می‌فهماند که می‌توان بدون سرسوزنی کوتاه‌آمدن از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران، درباره‌ی شرایط خاتمه‌ی جنگی که مملکت را از پا درآورده است مذاکره نمود.



# مادران مجاهد خلق، قهرمانان عاطفه، آگاهی و ایمان

بمناسبت دومین سالگرد راهپیمایی عظیم مادران مجاهد در ۷ اردیبهشت

روز ۷ اردیبهشت ماه سال ۶۰، تهران، شاهد راهپیمایی عظیمی بود که به دعوت انجمن مادران مسلمان و در اعتراض به موج کشتار فرزندان مجاهدشان توسط پاسداران مزدور و بویژه آخرین کشتارهای ارتجاع در صفحات شمالی کشور که منجر به شهادت ۲ خواهر میلیشیای قهرمان، "سمیه نقره خواجا" و "فاطمه رحیمی" شده بود، صورت گرفت.

این تظاهرات با استقبال وسیع مردم مواجه شد. چنانکه ظرف مدت کوتاهی، جمعیت شرکت کننده به بیش از ۱۵۰ هزار نفر و در پایان راهپیمایی نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر رسید. آن روز مادران مجاهد در حالی که بسیاری شان فرزندان خردسال خود را در آغوش داشتند، شعار می دادند: "ما زندان و گیلان، خونین سرای ایران"، "... از خون ما دوباره، رنگین هر کران شد". با شروع راهپیمایی، تهران حالت دگرگونه‌ای یافت و خبر آن به سرعت در میان مردم پیچید. پاسداران ارتجاع نیز وحشت زده از این حرکت عظیم، و ناتوان و درمانده در مقابل موج خروشان تظاهرات، اقدام به تیراندازی مستقیم به سوی جمعیت کردند که در اثر آن ۲ میلیشیای قهرمان "خلیل اجاقی قلی زاده" و "ودود پیراهنی" به شهادت رسیدند. پس از پایان موفقیت آمیز تظاهرات و قرائت قطعه نامه راهپیمایی توسط مادر قهرمان، مجاهد شهید "مادر کبیری" در جلو منزل پدر طالقانی، تظاهرات به پایان رسید، اما پاسداران و فالانژها تا پاسی از شب در گوشه و کنار شهر به حملات وحشیانه خود ادامه می دادند. و از آن جمله در آن روز، درمانگاه مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی مورد هجوم مزدوران خمینی قرار گرفت و غارت شد.

از مهم ترین نکات و ویژگی های برجسته راهپیمایی ۷ اردیبهشت مادران، شرکت اقشار و طبقات مختلف مردم در آن بود. یعنی پس از تشکیل هسته اولیه این راهپیمایی (که متشکل از صفوف مادران و خواهران میلیشیای مجاهد بود) مردم دسته دسته از کارگر و

کارمند و کسبه و دانشجو و دانش آموز به آن می پیوستند. از جمله حضور تعداد زیادی از همافران و سربازان و درجه داران آزاده در آن چشمگیر بود. قدرت بسیج و سازماندهی مجاهدین - آن هم با ارتباطات نیمه مخفی و بدون اعلام قبلی - و استقبال گسترده

البته این برای اولین بار نبود که مادران مجاهد حضور فعال خود را در صحنه مبارزات انقلابی میهن مان نشان می دادند، بلکه از سالها پیش و همزمان با شروع نبرد انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم شاه خائن و آغاز حرکت علنی و اجتماعی سازمان، مادران

رژیم دیکتاتوری شاه، از افشاکری بر علیه اعدام زندانیان مجاهد و مبارز توسط رژیم شاه و تظاهرات و تجمع در مقابل ادارات مختلفی همچون دادرسی کل ارتش و ... در جهت احقاق حقوق پایمال شده فرزندان اسیرشان، تا برقراری ارتباط بین مجاهدین



گوشه ای از تظاهرات عظیمی که به دعوت انجمن مادران مسلمان و با شرکت گسترده ای مادران در اعتراض به کشتار مجاهدین در ۷ اردیبهشت ۶۰ برگزار گردید.

و وسیع مردم، شدیداً ارتجاع و شخص خمینی جلاد را وحشت زده ساخت و او را به دست و پا انداخت تا به خیال خودش هر چه زودتر "تکلیف نهائی" مجاهدین را روشن کند. ... در واقع آن روز مادران با راهپیمایی پرشکوه خود، یکی از سرفصل های حرکت سازمان را

مجاهد به مثابه ی زنانی آگاه، پرشور، فداکار و از جان گذشته، در ارتباط تنگاتنگ با حرکت انقلابی فرزندان مجاهدشان قدم به میدان مبارزه گذاشتند و از آن زمان تاکنون حضور چشمگیر خود را در تمامی صحنه های حرکت انقلابی سازمان نشان داده اند.

داخل و بیرون زندان، تهیه ای امکانات مالی و پایگاه و ... برای رزمندگان مجاهد، توزیع و تکثیر اعلامیه ها و جزوات سازمان و حتی حمل و نقل و نگهداری اسلحه و مدارک سازمانی و ... ابعاد بسیار گسترده ای داشت. از آنجا که انجام چنین فعالیت های

از سال ها پیش و همزمان با شروع نبرد انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم شاه خائن و آغاز حرکت علنی و اجتماعی سازمان، مادران مجاهد به مثابه ی زنانی آگاه، پرشور، فداکار و از جان گذشته، در ارتباط تنگاتنگ با حرکت انقلابی فرزندان مجاهدشان قدم به میدان مبارزه گذاشتند و از آن زمان تاکنون حضور چشمگیر خود را در تمامی صحنه های حرکت انقلابی سازمان نشان داده اند.

خلق کردند. تاثیرات عظیم این راهپیمایی را سردار شهید آزادی مجاهد کبیر موسی خیابانی در آخرین پیام خود، این چنین بیان کرده است: "راهپیمایی ۷ اردیبهشت آثار شگرفی در مسیر تحولات اوضاع سیاسی به جا نهاد و به آن سرعت بخشید ..."

همچنانکه در سالگرد شهادت مادر قهرمان شهید "مادر کبیری" و در مقاله ی "گذری کوتاه بر مبارزات انقلابی و قهرمانانه ی مادران مجاهد خلق" در نشریه ی مجاهد شماره ی ۱۳۲ اشاره کرده ایم، دامنه ی فعالیت های مادران مجاهد طی دوران مبارزات ۷ ساله بر علیه

گسترده ای در شرایط حاکمیت دیکتاتوری پلیسی رژیم شاه، بدون برخورداری از سازماندهی مخفی و وجود ارتباطات منظم و منضبط امکان پذیر نبود، لذا از همان سالها، مادران مجاهد به خوبی توانستند تحت رهنمودهای سازمان و بویژه تلاش های بی دریغ شهید مجاهد

قهرمان "فاطمه امینی" و به اتکاء آگاهی، انضباط و شجاعت خود، از عهده ی برقراری چنین ارتباطاتی برآمده و مسئولیت خطیر خود را به درستی به انجام رسانند.

در سال ۵۳ سمبل مادران مجاهد، مادر رضائی های شهید و مادر کبیری توسط مزدوران ساواک دستگیر شده و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند. هدف عمده ی جلادان ساواک از این شکنجه ها، کسب اطلاعات از چگونگی فعالیت های گسترده ی "مادران مجاهد"، و درهم شکستن روحیه ی مقاوم و سازشناپذیر آنان بود. اما شکنجه گران ساواک پس از آنکه نتوانسته بودند بعد از ماهها شکنجه کوچکترین رد و اطلاعی را از مادر رضائی های شهید بدست آورند، تنها شرط پایان شکنجه و بازجویی را ابراز انزجار او از فرزندان مجاهدش اعلام کردند. اما این دو مادر قهرمان با مقاومت سرسختانه ی خود در برابر مزدوران شاه به خوبی نشان دادند که پیوند و ارتباطشان با "مجاهدین خلق" دیگر نه پیوندی تنگاتنگ و برخاسته از عمق آگاهی و ایمان است. پیوندی که هرگز شکنجه های ساواک نخواهد توانست کوچکترین خلل و تزلزلی در آن ایجاد نماید.

و چنین بود که مادران مجاهد با کارنامه ی درخشان و پرافتخار، دوران ۷ ساله ی مبارزه با رژیم شاه را پشت سر گذاشتند و مرحله ی جدید فعالیت انقلابی خود را پس از پیروزی انقلاب با کیفیت و کمیتی بسیار بالاتر و گسترده تر آغاز کردند. در این مرحله آنها دوشادوش فرزندان مجاهدشان، رسالت سنگین افشای گام به گام چهره ی کریه خمینی و آشکار ساختن ماهیت ارتجاعی و واپس گرای او را که در پس پرده ی فریب و ریا پنهان بود، به عهده داشتند. مادران مجاهد که به درستی عظمت کار خود و نقش حساس شان را درک می کردند، با مقاومت، صبر، پشتکار و فداکاری شگفت انگیز و با اتحاد تاکتیکی ها و شیوه های نوین، مرحله به مرحله ی این مبارزه ی تاریخی را پشت سر گذاشتند.

بقیه در صفحه ۲۵

## آموزش و پرده‌های مقاومت مسلحانه (۶)

## رهنمودهائی

## پیرامون چگونگی اجرای "قرار"

حداقل اطلاعات را داشته باشند، با استفاده از "قرار" و از طریق اجرای درست آن، می‌توان با یکدیگر رابطه برقرار کرد و در نتیجه تماسهای ضروری بدینوسیله امکان پذیر شده و صورت عملی بخود می‌گیرد. زیرا افراد می‌توانند بدون اینکه اطلاعاتشان نسبت به پایگاههای محل استقرار سایر رزمندگان افزایش پیدا کند، در صورت لزوم با سایرین ارتباط برقرار کرده و در راه اجرای مسئولیت‌هایی که بعهده دارند با دیگران هماهنگی‌های لازم را بوجود آورند.

بنابر توضیحات فوق، "قرار" و نحوه‌ی درست اجرای آن بدلیل کارآیی‌های ویژه‌ای که در جهت تنظیم و برقراری ارتباطات رزمندگان واحدها و هسته‌های مقاومت مسلحانه دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که رزمندگان بایستی دانش و اطلاعات لازم پیرامون آنها را داشته باشند تا بتوانند علاوه بر ایجاد حداکثر حفاظت و ایمنی برای واحدها و هسته‌های مقاومت، ارتباطات لازم و ضروری را برقرار کرده و از قطع ناخواسته آنها - که در شرایط حساس خودش می‌تواند عامل ضربه باشد - جلوگیری بعمل آورند.

بنابراین "قرار" و نحوه‌ی اجرای آن از اهمیت و حساسیت قابل توجهی برخوردار است و باید به آن بعنوان یک عامل مهم در پیشبرد کار هسته‌ها نگریست و با صرف وقت و انرژی لازم، مناسب‌ترین طرحها را برای اجرای "قرار" ریخت. طراحی صحیح و اجرای دقیق یک قرار که انجام آن مستلزم داشتن دقت و هوشیاری متناسب با شرایط امنیتی می‌باشد، به رزمندگان کمک می‌کند تا در مسیر مبارزه‌ی کنونی، در ارتباطاتشان خللی وارد نشود. مواردی پیش آمده است که بر اثر عدم رعایت یک یا چند نکته

در هنگام تنظیم "قرار"، ارتباط بطور کامل قطع شده و در نتیجه برای وصل مجدد آن انرژی‌های فراوانی صرف شده است، و حتی در مواردی نیز علیرغم صرف انرژی‌های بسیار زیاد رابطه مجدداً برقرار نشده است. از سوی دیگر بعضی مواقع نیز هنگام اجرای "قرارهایی که زمان و مکانش دقیقاً مشخص نیست و یا قرارهایی که زمان و مکانش متناسب با شرایط امنیتی تنظیم نشده - همچنانکه در مورد "قرارهای مشکوک نیز پیش آمده - ضرباتی به رزمندگان وارد شده است.

در این گفتار بدنبال سلسله آموزشهای ویژه‌ی هسته‌های مقاومت مسلحانه، به سوالات رزمندگان هسته‌ها در باره‌ی مسائل اجرایی مربوط به قرار و نحوه‌ی برقراری و حفظ رابطه از طریق آن و تهدیداتی که در این زمینه وجود دارد پاسخ خواهیم گفت.

مطالبی که در این سری سوال و جوابها پیرامون "قرار" گفته می‌شود، شاید در وهله‌ی اول اینطور بنظر برسد، که بدلیل زیاد و گسترده بودن نکات آن، اجرا و رعایت تمامی آنها در عمل ممکن نمی‌باشد و یا انرژی بسیار زیادی طلب می‌کند. ولی تجربه نشان داده است که رزمندگان می‌توانند بعد از برخورد عملی با مسئله و کسب تجربه‌های لازم نه تنها تمام این مسائل را بخوبی رعایت کنند، بلکه حتی می‌توانند بدلیل اجرای درست و صحیح "قرار" و تامین ارتباطات لازم و ضروری، انرژی‌هایی را نیز آزاد کرده و در جهت انجام هرچه دقیقتر سایر مسئولیتها از آن بهره گیرند. از این رو بر رزمندگان هسته‌های مقاومت است که با مطالعه‌ی دقیق مطالبی که در این رابطه گفته خواهد شد، حتی المقدور آنها را در جریان عمل رعایت کرده و بکار ببندند.

می‌کنند (در شهر).

برقراری تماس بین دو رزمنده که یکی از آنها از شهر دیگری آمده است.

تماس بین رزمندگان جنگل یا کوهستان که بایستی در همان محیط برقرار شود.

قرار دو رزمنده که یکی پیاده و دیگری دارای خودرو (ماشین یا موتور) می‌باشد.

محل قرار در خارج شهر انتخاب شده است و یا انواع دیگر قرار که متناسب با نیاز رزمندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آنچه که در این گفتار بیشتر مورد نظر ماست، مسائل اجرایی "قرار" در شهر است که بین دو رزمنده‌ی پیاده انجام می‌گیرد.

همانطور که گفته شد دو رزمنده بایستی در یک مکان و زمان از قبل تعیین شده و مشخص یکدیگر را ملاقات کنند و قبل از ملاقات نیز بایستی از

قرار بطور کلی بایستی مسائل زیر را در نظر داشت:

- انتخاب محل قرار

- تعیین زمان قرار

- چگونگی کسب اطلاع افراد

از سلامتی یکدیگر در طول مدتی

که با هم ارتباط مستقیم ندارند و

همچنین قبل از اجرای قرار

- اتخاذ تدابیری که در

صورت اجرا نشدن قرار، موجب

قطع ارتباط رزمندگان با یکدیگر

نشود و از وضعیت همدیگر مطلع

باشند.

\* سوال ۶۴ - مقصود از

انتخاب محل "قرار" چیست و در

تعیین آن چه نکاتی را باید در

نظر داشت؟

ج - قرار معمولاً در خیابانها

و کوچه‌های شهر و یا بعضی نقاط

دیگر اجرا می‌شود. اولین

نکته‌ای که در تعیین محل قرار

باید در نظر داشت این است که

طرفین قرار بایستی نسبت به

محل قرار کاملاً آشنائی داشته

باشند. یعنی وقتی می‌گویند

فلان خیابان یا فلان کوچه

اجرای قرار باشد، باید قبلاً

آنجا را حتی المقدور دیده

باشند. موارد متعددی بوده

است که ابهام طرفین قرار یا

یکی از آنها نسبت به محل

اجرای قرار، باعث شده است که

در ساعت و روز موعود، بجای

رفتن به محل واقعی قرار، هرکدام

به محل‌های دیگری بروند و نتیجتاً

ملاقات انجام نگیرد. بسیاری از

کوچه‌ها و خیابانها مشابه یکدیگر

می‌باشند و ممکن است که با یکدیگر

اشتباه شوند. بنابراین، این

شکل قرار گذاشتن غلط است که مثلاً

گفته شود: وارد فلان خیابان که

می‌شوی دست راست، اولین خیابان

یکطرفه و... آن هم در شرایطی

که هیچکدام از آنها قبلاً آنجا

را ندیده‌اند. حتی در بعضی

مواقع لازم است که افراد برای

تعیین دقیق محل قرار، همراه

یکدیگر به محل قرار بروند و از

نزدیک محل را مشخص کرده و به

بررسی آن بپردازند. چه بسا در

بررسی محل مشخص شود که

وقتی وارد فلان خیابان می‌شوید

اساساً خیابان یکطرفه در سمت

راست خیابان مورد نظر وجود

ندارد. بنابراین تعیین

دقیق و روشن محل قرار را

همیشه باید مدنظر داشته

باشید.

مسئله‌ی دیگری که در تعیین

محل قرار بایستی در نظر داشت

حساس نبودن محیط اجرای قرار

از نظر امنیتی می‌باشد. یعنی

محل قرار نباید در نزدیکی

مراکز انتظامی و حفاظت شده‌ی

رژیم قرار داشته باشد. یا

اینکه در مناطق فالانژی و در

مسیر تردد گشتیهای دشمن واقع

شده باشد. زیرا در چنین محیط‌هایی برقراری تماس بین دو نفر در صورتیکه جلب توجه کند، ممکن است به درگیریهای ناخواسته منجر شود. این مساله نیز ایجاب می‌کند که طرفین قرار نسبت به محیط، اشراف کامل داشته و حداقل یک بار از نزدیک آنجا را چک کرده باشند.

از نزدیک بررسی کردن محیط اجرای قرار کمک می‌کند که پس از برقراری تماس و هنگامیکه طرفین با هم در حال حرکت هستند ندانسته به طرف مراکز حساس انتظامی و حفاظت شده حرکت نکنند و برای مدت زمانی که با یکدیگر هستند در مسیر از هر نظر چک شده و مطمئن حرکت نمایند.

افرادی که در یک محیط شناخته شده هستند و به اصطلاح چهره‌ی آشنای آنجا می‌باشند، نباید در همان محیط قرار بگذارند. لذا در هنگام تعیین محل قرار، این مساله را نیز در نظر داشته باشید که آیا در آن محیط کسی هست که شما را بشناسد؟ مثلاً آیا از افراد فالانژی که شما را می‌شناسند کسی در آنجا مغازه دارد و یا منزلش در آن حول و حوش قرار دارد؟ رعایت این مساله کمک می‌کند که در هنگام اجرای قرار، برخوردهای پیش‌بینی نشده و ناخواسته تقلیل پیدا کند. چرا که طبعاً تردد در محیط پیرامون مغازه یا منزل یک نفر که شما نمی‌خواهید با وی روبرو شوید، زمین‌های برخورد و روبرو شدن‌های ناخواسته را زیاد می‌کند.

نکته‌ی دیگری که در هنگام تعیین محل قرار باید در نظر داشته‌باشید این است که محل مورد نظر شما بعنوان محل عمومی قرار برای دشمن لو نرفته باشد. مثلاً بعضی از بیمارستانها یا میدانها یا چهارراهها که از علامت و مشخصه‌ی ویژه‌ای برخوردار هستند، بدلیل اینکه افراد، در پیدا کردن محل آنها دچار سردرگمی نمی‌شوند، همیشه بعنوان محل قرار تعیین می‌شوند. طبعاً اینگونه مکانها برای رژیم لو رفته می‌باشد و برقراری تماس بین دو نفر در آن محل شک‌برانگیز است، بخصوص در شهرستانهای کوچک که اساساً کوچه و خیابانهای زیادی ندارند و یا اگر دارند بسیار خلوت هستند و وجود افراد ناشناس در آنجا جلب توجه می‌کند، این مساله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرار گذاشتن در مقابل ساختمانهای بزرگ دولتی، هتلها، ادارات،

**آموزش و برد‌دهنده‌های مقاومت مسلحانه (۶)**

## رهنمودهائی

### پیرامون چگونگی اجرای "قرار"

راه آهن و ... را بایستی بحساب قرار گذاشتن در مکانهای لورفته محسوب کرد. توجه به این مساله و رعایت آن ایجاب می‌کند که طرفین قرار برای شهرشناسی و آشنائی با خیابانها و کوچه‌های مناسب برای اجرای قرار، انرژی لازم را بگذارند. در غیر اینصورت ناچار خواهند بود که از مکانها و محللهائی استفاده کنند که کاملا مشخص بوده و به‌سادگی قابل پیدا کردن باشند، که این خود طبعا امکان ضربه‌پذیری را در موقع اجرای قرار بالا می‌برد.

بنابراین کسانی که اساس ارتباطاتشان از طریق قرار می‌باشد، باید همیشه درصدد پیدا کردن محللهای مناسب‌تر برای اجرای قرار باشند و در صورت لزوم برای شناسائی محل‌های مربوطه، وقت ویژه‌ای اختصاص بدهند.

از دیگر ویژگیهای محل قرار این است که محل قرار بایستی "بسته و محدود" نبوده و راههای ورودی و خروجی متعددی داشته باشد. این مساله به‌آن خاطر است که اگر در یک محل بنابه ضرورتهائی قرارهای متعددی اجرا شد، هر بار افراد بتوانند از یک مسیر وارد شده و از مسیر دیگری خارج شوند، تا تردد مستمر آنها باعث جلب توجه اهالی محل نشود. همچنین داشتن راههای ورودی و خروجی متعدد باعث می‌شود که در هنگام درگیریهای اتفاقی قدرت مانور رزمندگان زیاد باشد و بتوانند به‌سرعت از محل عقب‌نشینی کنند.

بعضی از خیابانها بدلیل موقعیت ویژه‌ای که دارند مثلا کاملا مستقیم هستند و یا در شیب یکنواختی واقع شده‌اند از فاصله‌ی زیادی قابل کنترل می‌باشند. یعنی اگر یک نفر در ابتدای آن خیابان بایستد می‌تواند کلیه‌ی ترددها و تماسها را در سرتاسر آن تحت نظر بگیرد. این مکانها برای اجرای قرار مناسب نیستند، زیرا کنترل آنها ساده است و متقابلا برای رزمندگان کنترل آنها مشکل می‌باشد.

مطالبی که فوقا گفته شد بایستی در هنگام تعیین محل

قرار در نظر گرفته شود، ولی ممکن است در عمل مکانهایی که جامع شرایط فوق باشند خیلی کم یافت شوند. اما همیشه باید با در نظر گرفتن مشخصات ذکر شده سعی نمائیم، محلی را انتخاب کنیم که بیشترین شرایط ذکر شده را داشته باشد. این مساله را نیز باید ذکر کرد که شرایط و غلظت نظامی شهر دقیقا در اجرای ضوابط فوق‌الذکر موثر است و کم‌وکیف رعایت آنها متناسب با غلظت نظامی شهر تغییر می‌کند.

\* سوال ۶۵ - در رابطه با مکان و محل اجرای "قرار" به چه نکات دیگری باید توجه کرد؟

جواب: شیوه‌ی اجرای قرار بر دو گونه است. یکی اینکه محل اجرای قرار در یک نقطه‌ی مشخص قرار دارد (مثلا جلوی یک بیمارستان) و افراد در آنجا می‌ایستند تا یکدیگر را ملاقات کرده و با هم از آنجا دور شوند. این شیوه از اجرای قرار که افراد در حالیکه متوقف هستند، یکدیگر را ملاقات می‌کنند اساسا شیوه‌ی مناسبی نیست و جز در شرایط خاص نباید از آن استفاده کرد. چرا که هرکس ناظر چنین تماسی باشد سریعا متوجه خواهد شد که این تماس بر مبنای یک قرار ملاقات از قبل تعیین شده صورت می‌گیرد. شیوه‌ی دوم

مانند این می‌باشد که دو نفر آشنا بطور اتفاقی در خیابان با یکدیگر برخورد نموده‌اند. بخصوص اگر هنگام تماس ظاهر برخورد نیز رعایت شود و مانند افراد عادی سلام و علیک و تعارفات معمول نیز صورت بگیرد، تماس خیلی عادی‌تر جلوه خواهد کرد. حال با توجه به این مساله، محل قرار را نباید در یک نقطه‌ی ثابت انتخاب کرد و بهتر است "مسیر" برای آن در نظر گرفت. آنچه که در انتخاب

مسیر قابل توجه است، طول آن می‌باشد. طول مسیر نباید خیلی کم و یا خیلی زیاد باشد. بخصوص لازم است که رزمندگان زمانی را که برای طی مسیر قرار بایستی صرف کنند بدانند. گاهی اتفاق افتاده که مسیری که افراد فکر می‌کنند مثلا ۷ دقیقه طول می‌کشد در کمتر از ۳ دقیقه تمام شده است. کافی است یک نفر ۲ دقیقه زود به سر قرار برسد و نفر دیگر یک دقیقه دیر بیاید، در اینصورت موفق به ملاقات یکدیگر نخواهند شد.

رسیدن به‌سر قرار را امری بدون اشکال جلوه دهیم، بلکه فقط هدف در نظر گرفتن نکته‌ای می‌باشد که بارها موجب قطع ارتباط میان دونفر شده است والا رزمندگان موظف هستند با تهیه‌ی ساعتی که دقیق کار بکند و با میزان کردن مستمر آن، راس ساعت مقرر در محل قرار حاضر شوند. از اینرو رزمندگان بایستی نسبت به زمانی که طی کردن مسیر پایگاه تا محل اجرای قرار نیاز دارد تسلط کافی داشته باشند و در ضمن برای تعیین زمان دقیق اجرای قرار، موارد قابل پیش‌بینی، نظیر پیدا کردن یا پیدا نکردن وسیله‌ی نقلیه و همچنین موارد غیر قابل پیش‌بینی را در نظر داشته باشند.

در صورتیکه مسیر اجرای قرار را به‌شکل رفت و برگشت تعیین

محل قرار مناسب هستند. بخصوص که گشتی‌های رژیم نیز نمی‌توانند براحتی در کوچه‌ها تردد کنند، چرا که سریعا مشخص می‌شوند. نکته‌ی آخری که در رابطه با محل قرار بایستی به آن توجه داشته باشید این است که محیطهای بسته مثل رستورانها، سینماها، و ... به‌طور معمول برای قرار مناسب نیستند چرا که براحتی می‌توانند بوسیله‌ی مزدوران دشمن تحت محاصره درآیند. بنابراین بجز موارد استثنائی که الزامات مشخصی ایجاب کند، همیشه محیطهای باز را بعنوان محل اجرای قرار انتخاب کنید. یک بار دیگر یادآوری می‌کنیم که تعیین محل مناسب برای قرار نیاز به شهرشناسی و آشنائی با خیابانهای شهر دارد و در این رابطه باید انرژی و وقت لازم را

**محیط‌های بسته مثل رستوران‌ها، سینماها، و ... به‌طور معمول برای قرار مناسب نیستند، چرا که به‌راحتی می‌توانند بوسیله‌ی مزدوران دشمن تحت محاصره درآیند. بنابراین بجز موارد استثنائی که الزامات مشخصی ایجاب کند، همیشه محیط‌های باز را بعنوان محل اجرای قرار انتخاب کنید. یک بار دیگر یادآوری می‌کنیم که تعیین محل مناسب برای قرار نیاز به شهرشناسی و آشنائی با خیابان‌های شهر دارد و در این رابطه باید انرژی و وقت لازم را اختصاص داد.**

اختصاص داد.

\* سوال ۶۶ - در تعیین زمان "قرار" چه نکاتی را باید در نظر داشت؟

جواب: همانطور که گفتیم محل قرار باید کاملا مشخص بوده و از قبل بوسیله‌ی طرفین قرار چک شده باشد، زمان قرار نیز باید بوضوح مشخص شده باشد و طرفین هیچگونه ابهامی نسبت به آن نداشته باشند. اگر در هنگام تعیین زمان قرار، ساعتهای متعددی را مطرح کرده و روی آن صحبت می‌کنید و در آخر یک ساعت مشخص را انتخاب می‌نمائید، برای اینکه آنرا فراموش نکنید و در روز اجرای قرار، دچار اشکال نشوید چندین بار زمان و مکان قرار را برای یکدیگر تکرار کنید. تاکید ما در این مورد، بدین جهت است که کوچکترین اشتباه و یا فراموشکاری در این زمینه، بمفهوم قطع تماس می‌باشد و خودتان می‌دانید که وصل مجدد تماس تاچه اندازه انرژی‌گیر است و برای برقراری آن، چه ریسکهائی را باید پذیرفت. بخصوص در شرایط کنونی که تردد در خیابانها محدودیت‌های زیادیتری دارد و بایستی ضوابطی را بطور جدی در این رابطه رعایت کرد، باید سعی نمود که به‌خاطر اینگونه فراموشکاریها

می‌کنید، بایستی در نظر داشته باشید که مسیر رفت با مسیر برگشت یکی نباشد. مثلا دو خیابان موازی که فاصله‌ی کمی از یکدیگر دارند را انتخاب کنید که یکی برای رفت و دیگری برای برگشت مورد استفاده قرار گیرد. همچنین خیابانهای را که برای محل قرار انتخاب می‌کنید باید نه خیلی شلوغ باشند و نه خیلی خلوت. چرا که از یکسو تردد در خیابان خلوت، کاملا مشخص است و سریعا توجه دیگران را جلب می‌کند و از سوی دیگر شلوغ

**محل قرار باید کاملا مشخص بوده و از قبل بوسیله‌ی طرفین قرار چک شده باشد، زمان قرار نیز باید بوضوح مشخص شده باشد و طرفین هیچگونه ابهامی نسبت به آن نداشته باشند. اگر در هنگام تعیین زمان قرار، ساعت‌های متعددی را مطرح کرده و روی آن صحبت می‌کنید و در آخر یک ساعت مشخص را انتخاب می‌نمائید، برای اینکه آنرا فراموش نکنید و در روز اجرای قرار، دچار اشکال نشوید چندین بار زمان و مکان قرار را برای یکدیگر تکرار کنید.**

نبودن زیاد خیابان نیز به این خاطر است که تسلط رزمندگان به محل قرار و تشخیص موارد مشکوک مشکل می‌شود. اگر چنین مساله‌ای مطرح نباشد خیابان هر چه شلوغ‌تر باشد بهتر است زیرا تردد در آن عادی‌تر می‌باشد. اغلب خیابانهای یک‌طرفه از شرایط فوق برخوردار هستند. کوچه‌هایی که دو طرف آن‌ها باز است و محل عبور و مرور افراد می‌باشند نیز برای

چرا که نفر دوم هنگامی می‌رسد که نفر اول مسیر را کاملا طی کرده و از آنجا دور شده است. بنابراین اگر احتمال می‌دهید که ممکن است حدود یکی دو دقیقه دیر و یا زود به محل قرار برسید مسیری را انتخاب کنید که طی کردن آن بین ۵ تا ۱۰ دقیقه وقت لازم داشته باشد. توجه داشته باشید که با طرح این مساله نمی‌خواهیم دیر و یا زود

اجرای قرار به این شکل است که طرفین قرار، یک خیابان یا کوچه و یا قسمتی از آن را از قبل مشخص می‌کنند. آنگاه یک نفر از یک طرف خیابان وارد شده و در طول خیابان و در مسیر و سمت تعیین شده شروع بحرکت می‌کند و نفر دیگر از طرف مقابل می‌آید و در اواسط مسیر یکدیگر را می‌بینند. این شیوه از تماس دارای ظاهری عادی است و

آموزش ویژه‌هسته‌های مقاومت مسلحانه (۶)

رهنمودهائی

پیرامون چگونگی اجرای "قرار"

ناچار به انجام تردهای اضافی نسویم.

ساعت مشخصی که برای اجرای قرار انتخاب می‌شود. بایستی دقیقاً رعایت شود. رعایت دقیق ضوابط مربوط به اجرای قرار و بطور خاص در زمان معین حاضر شدن در محل قرار، نشانگر توجه رزمندگان به اهمیت نظم و دیسیپلین انقلابی و اجرای دقیق آن در عمل می‌باشد. منظم بودن و رعایت دقیق ضوابط مربوط به اجرای قرار باعث مداوم ارتباطات می‌شود. تجربه نشان

حرکت مشخص شده و بطور متحرک اجرا می‌شود، زمان انتظار همان مدتی است که برای طی مسیر قرار نیاز هست. هرچه مسیر قرار طولانی‌تر باشد، طبعاً زمان انتظار نیز طولانی‌تر است. \* سوال ۶۷- در رابطه با زمان اجرای "قرار" به چه نکات ایمنی باید توجه نمود؟  
جواب: مهمترین مساله در این مورد این است که چه موقعی از روز برای قرار، مناسب است. بطور کلی ساعاتی از روز که تردد مردم در آن ساعات بیشتر است مناسب‌تر می‌باشند. مثلاً ساعات ۹ تا ۱۱ صبح و یا

آنها یا انجام عملیات نظامی، که طبعاً به طراحی ویژه‌ی خود نیاز دارد و از حساب‌شدگی خاصی نیز باید برخوردار باشد. مثلاً روزهای جمعه در ساعات برگزاری مراسم نماز فرمایشی و بخصوص در اطراف محل آن، اجرای قرار اصلاً مناسب نیست، چرا که زمینه‌ی درگیری‌های ناخواسته بسیار زیاد است. مسئله‌ی دیگر استفاده از تاریکی و روشنایی شب و روز و نقاط مثبت و منفی هر کدام می‌باشد. روشنایی روز کمک می‌کند که کنترل و "چک" محل قرار با دقت بیشتری

ساعت مشخصی که برای اجرای قرار انتخاب می‌شود بایستی دقیقاً رعایت شود. رعایت دقیق ضوابط مربوط به اجرای قرار و بطور خاص در زمان معین حاضر شدن در محل قرار، نشانگر توجه رزمندگان به اهمیت نظم و دیسیپلین انقلابی و اجرای دقیق آن در عمل می‌باشد. منظم بودن و رعایت دقیق ضوابط مربوط به اجرای قرار باعث مداوم ارتباطات می‌شود.

داده است کسانی که در این رابطه حساسیت داشته و دقیقاً ضوابط مربوط به قرار را اجرا می‌کرده‌اند، ارتباطاتشان دچار اخلال و اشکال نشده است.

نکته‌ی دیگری که در رابطه با زمان قرار بایستی به آن اشاره کنیم این است که همیشه باید یک‌ربع یا نیم ساعت بعد از زمان قرار را بعنوان "زمان زاپاس" تعیین کرد. چرا که ممکن است افراد بخاطر موارد پیش‌بینی نشده و یا موارد موجه و قابل قبول نتوانند در راس ساعت مقرر به محل قرار برسند. بنابراین تکرار قرار در یک ربع یا نیم ساعت بعد از زمان تعیین شده بعنوان یک تضمین برای برقراری ارتباط حتماً باید تعیین شود. همچنین در هنگام تعیین زمان قرار حتماً لازم است مدت زمانی که افراد باید منتظر یکدیگر بایستند را نیز مشخص کرد. این مساله بخصوص در مورد قرارهائی که محل آن یک نقطه‌ی ثابت است اهمیت بیشتری دارد. زمان انتظار هرچه کمتر باشد بهتر است و تعیین زمان انتظار بیش از ۵ دقیقه صحیح نیست، مگر برای بعضی موارد و شرایط خاص. اما قرارهائی که برای آن مسیر

۳ تا ۵ بعد از ظهر که مردم اکثراً یا در محیط کار یا در منزل هستند، اساساً برای اجرای قرار و همچنین تردد مناسب نمی‌باشند، مگر اینکه ضرورت‌ها و الزامات مشخصی ایجاب کند که این ساعت‌ها برای اجرای قرار انتخاب شود. به این ترتیب زمان قرار هر چه با زمان تردد عمومی مردم هماهنگی بیشتری داشته باشد بهتر است. بخصوص در ساعت‌هائی که تردد مردم زیاد است و در خیابانها ماشین بیشتری وجود دارد، تحرک گشتی‌های رژیم کندتر و راندمان کار آنها پائین‌تر است و طبعاً تردد و اجرای قرار در این ساعات از امنیت بیشتری برخوردار می‌باشد. در طول هفته و ماه و سال نیز روزهائی هستند که رژیم بدلیل مراسمی که در این روزها دارد، نیروهای حفاظتی خود را بسیج کرده و کنترل بیشتری را در سطح شهر اعمال می‌نماید. این روزها اساساً برای اجرای قرار مناسب نیستند. بخصوص در اطراف محل مراسم و در ساعات اجرای آن بهیچ‌عنوان نباید تردد کرد و یا قرار گذاشت، مگر برای یک مأموریت مشخص مثل شناسائی مزدوران دشمن و یا محل‌های استقرار و تردد

انجام شود. از اینرو قرارهائی که به دلایل مختلف به چک قبلی نیاز دارد بهتر است در طول روز و زمانی که هوا روشن است اجرا شود. به بیان دیگر قرارهائی مشکوک را نباید در شب اجرا کرد. چرا که مزدوران دشمن می‌توانند با استفاده از تاریکی شب، کمین کنند و خود را کاملاً استتار

نمایند. همین مسئله به عنوان یک نقطه‌ی مثبت نیز قابل تکیه می‌باشد. به این مفهوم که در درگیری‌هائی که در تاریکی شب صورت می‌گیرد طبیعتاً دید دشمن نیز محدود است و شرایط از این نظر برای عقب‌نشینی مناسب‌تر می‌باشد. نقطه‌ی مثبت دیگر اجرای قرار در تاریکی این است که تماس گرفتن کمتر مورد دید واقع می‌شود و کلاً از امنیت بیشتری برخوردار است. حال با در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت تاریکی

و روشنایی و نوع قرارهائی که دارید، می‌توانید زمان قرار را با در هنگامی که هوا روشن است انتخاب کنید و یا در هنگامی که هوا تاریک می‌باشد.

\* سوال ۶۸- علامت سلامتی چیست و کسب خبر سلامتی طرفین "قرار" از یکدیگر یا یکی از آنها از طرف دیگر چه ضرورتی دارد؟

جواب: قبل از اجرای قرار، طرفین باید از سلامتی یکدیگر مطلع باشند و یا حداقل فرد مسئولتر باید خبر سلامتی طرف دیگر را داشته باشد. این مسئله به خاطر رعایت نکات ایمنی و حفاظتی می‌باشد. وسیله یا علامتی که بوسیله‌ی آن افراد از سلامت یکدیگر مطلع می‌شوند، "علامت سلامتی" نام دارد. مثلاً یک علامت بر روی دیوار، یا یک کلام مشخص هنگام صحبت کردن با تلفن می‌تواند نشان‌دهنده‌ی خبر سلامتی باشد. همچنین ممکن است دو نفر از قبل، علامتی را تعیین کنند که نشان‌دهنده‌ی سالم نبودن فرد و در حقیقت علامت خطر باشد. دو نفر که با یکدیگر هر چند روز یکبار قرار دارند، در مدتی که با یکدیگر ملاقات ندارند باید حداقل هر ۲۴ ساعت یکبار از سلامت یکدیگر مطلع شوند. در شرایط اضطراری و حادثه و متناسب با تحلیلی که از وضعیت و شرایط وجود دارد فاصله‌ی زمانی مطلع شدن از سلامتی طرف مقابل می‌تواند هر ۲۴ ساعت یکبار - ۱۲ ساعت یکبار تقلیل پیدا کند. کسب خبر سلامتی از طریق علامت‌هائی که در محل‌های مشخصی زده می‌شود، شیوه‌ای

است که با رعایت دقیق ضوابط مربوط به آن، اطلاعات افراد نیز زیاد نمی‌شود. سرپل‌های تلفنی که در مبحث "ارتباطات" در مورد آنها توضیح داده‌ایم می‌توانند به‌عنوان وسیله‌ی کسب خبر سلامتی مورد استفاده قرار گیرند. علامت سلامتی و شیوه‌های کسب خبر سلامتی افراد به آنچه که در اینجا گفتیم محدود نمی‌شود. هر رزمنده‌ای می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط و امکانات خودش و همچنین با تکیه بر خلاقیت و

ابتکاری که دارد شیوه‌های پیچیده و نوینی برای دریافت و یا ارسال خبر سلامتی اتخاذ نماید. توصیه می‌شود که در این زمینه با افراد هم‌تیم خود بحث کنید و با انتخاب شیوه‌های پیچیده و متناسب با شرایط از ساده‌گزینی پرهیز نمایید.

نکته‌ی دیگری که در رابطه با علامت سلامتی باید به آن اشاره کنیم این است که محل علامت سلامتی بر روی دیوارها و ... با محل اجرای قرار نباید در یک منطقه باشد و حداقل بایستی بین آن دو یک خیابان اصلی فاصله باشد.

\* سوال ۶۹- قرارهائی زاپاس و تدابیر مختلف برای عدم قطع ارتباطات چگونه است؟

جواب: به دلایل متعدد ممکن است ارتباط دو نفر در یک قرار ملاقات انجام نشود. این دلایل را می‌توان بر دو دسته تقسیم کرد:

دسته‌ی اول، دلایل مربوط به ضعف‌ها و اشکالاتی است که به تعیین زمان و مکان مناسب برای قرار مربوط می‌شود. این اشکالات با رعایت ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به تعیین زمان و مکان قرار قابل پیش‌بینی و پیشگیری است. نمونه‌هائی از این اشکالات عبارتند از: عدم تصریح در مورد زمان قرار، آشنا نبودن با محل قرار، دیر رسیدن به سر قرار و غیره. دسته‌ی دوم، دلایلی هستند که قابل پیش‌بینی و پیشگیری نمی‌باشند. مثلاً ناگهان در منطقه‌ی اجرای قرار، عملیات نظامی انجام می‌شود و منطقه شدیداً نظامی می‌گردد و حضور در آنجا احتمال درگیری-

روشنائی روز کمک می‌کند که کنترل و "چک" محل قرار با دقت بیشتری انجام شود. از اینرو قرارهائی که به دلایل مختلف به چک قبلی نیاز دارد بهتر است در طول روز و زمانی که هوا روشن است اجرا شود. به بیان دیگر قرارهائی مشکوک را نباید در شب اجرا کرد، چرا که مزدوران دشمن می‌توانند با استفاده از تاریکی شب، کمین کنند و خود را کاملاً استتار نمایند.

های ناخواسته و اتفاقی را افزایش می‌دهد. یا یکی از طرفین قرار، احساس می‌کند که تحت تعقیب است و نباید تا اطمینان از عدم تعقیب به ملاقات فرد دیگر برود؛ چرا که آلودگی به نفر دیگر نیز منتقل می‌شود. همچنین ممکن است یک نفر به منطقه‌ی قرار برود و با تعداد زیادی از مزدوران و گشتی‌های رژیم روبرو شود. در این شرایط باید سریعاً از منطقه دور شود، زیرا وضع بقیه در صفحه‌ی ۱۷

## حماسه‌های مجاهد خلق،

## لحظه‌های انقلاب

# حقانیت مجاهدین!

”چشم‌هایم را ببندید، می‌خواهم با چشمان باز تیرباران شوم

تا حقانیت سازمان را ببینم“

(مادر هفتادساله ذاکری خطاب به پاسداران جلاد خمینی)

مقدمه:

و با فداکاری‌های اعجاب‌انگیز خویش صفحاتی درخشان از تاریخ شرف و افتخار زن مجاهد و انقلابی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. ما پیش از این نیز صفحاتی چند از این پرونده‌ی خونین را با نام تنی چند از این رزمندگان آگاه و قهرمان به آگاهی هم‌میهنان خویش رسانده‌ایم و اینک توجه شما را به گزارشات دیگری در این زمینه جلب می‌کنیم. قابل تذکر است که این گزارشات براساس مشاهدات عینی و گزارشاتی که از داخل زندانهای رژیم ضدبشری خمینی و یا بوسیله‌ی واحدهای رزمنده‌ی مجاهد خلق در اختیار ما گذاشته شده تنظیم گردیده است.

در عرصه‌ی نبرد بی‌امان مجاهدین برعلیه خمینی ضدبشر و رژیم پلید وی زنان آگاه و قهرمان مجاهد خلق همدوش مردان مجاهد نقشی بس ارزنده و ویژه را به عهده دارند. نقشی عظیم که اینک دیگر بر کسی پوشیده نیست و تاریخ کنونی و آینده‌ی انقلاب پرتوان خلق قهرمان ایران بر آن گواه است و گواه خواهد بود و در صفوف زنان رزمنده‌ی مجاهد خلق مبارزات مادران مجاهد درخششی ویژه دارد. مادرانی که علیرغم وحشیگریهای خمینی و سرسپردگانش، همگام با فرزندان جان بر گف و مجاهدشان پای به میدانهای خونین و دشوار نبردی انقلابی نهاده‌اند

تاریخ: اسفند ۶۰  
مکان: زندان اوین

... من با پیروان معاویه حرفی ندارم. آخوندی که جلوی در سلول ایستاده بود با شنیدن این پاسخ از زبان زن سالخورده‌ی زندانی، بشدت ناراحت شد و غرور احمقانه‌ی که بر چهره‌اش سایه انداخته بود از بین رفت و با خشمی حیوانی به طرف زن سالخورده هجوم برد و او را زیر ضربات مشت و لگد گرفت و با صدائی که از شدت عصبانیت به زوزه‌ی حیوانی درنده شبیه بود فریاد زد که: "شماها را باید از پیر و جوان کشت ... از صبح تا حالا ... چند مرتبه با زبان آدم! بتو گفته‌ام حرف بزن پیرزن! بچه‌هایت را معرفی کن و خلاص شو. ولی تو جز توهین به امام و ... چیزی نگفتی". اما زن سالخورده در زیر ضربات وحشیانه‌ی که بر بیکر ضعیفش فرود می‌آمد لحظاتی قبل از حال رفته و بیهوش شده بود و دیگر چیزی نمی‌شنید. آخوند بازجو که این مسئله را فهمید از کتک زدن دست

برداشت و نفس زنان و عصبانی از سلول خارج شد و پاسداری که او را همراهی می‌کرد در سلول را بست و با عجله از محوطه‌ی سلولها خارج شدند و دوباره سکوت، بند انفرادی را فرا گرفت.

در گوشه‌ی سرد و تاریک سلول بیکر بیهوش و مجروح زن سالخورده بزمین افتاده بود.

\*\*\*

... مادر کم‌کم به هوش می‌آمد. در آغاز که چشمهایش را باز کرد احساس کرد که در اعماق چاهی عمیق قرار گرفته و از اعماق آن روشنائی دهانه‌ی چاه را می‌بیند. کم‌کم توانست اطرافش را مشخص‌تر ببیند. لکه‌ی نور مشخص‌تر شد و شکل گرفت و به صورت دریچه‌ی کوچک روی در سلول بیرون آمد. دریچه‌ای که نور راهروی مقابل سلولها از آنجا به داخل سلول می‌تابید.

سعی کرد از جایش بلند شود ولی دردی شدید را در کمر و پشت خود احساس کرد، به سختی به دیوار تکیه داد و بیاد آورد که بر او چه گذشته است و با بیادآوردن قیافه‌ی آخوندی که ساعتی قبل او را زیر مشت و

لگد گرفته بود، لبخندی بر چهره‌ی مجروح و سالخورده‌اش پیدا شد و زیر لب زمزمه کرد: "بیچاره‌ها ... گارتان به گجاها کشیده شده ... سردردش دوباره شروع شد، پیشانی‌اش را با دست فشرد و

داشت سالهای پنجاه به بعد بود. یعنی سالهایی که با پیوستن پسرش "ابراهیم" به مجاهدین رنجها و دریدری‌های او نیز آغاز شده بود و سرانجام بعد از یکی دو سال و پس از آنکه "ابراهیم" دستگیر شد و پس از شکنجه‌های بسیار زندانی گردید، خود وی نیز شروع به فعالیت کرد: شرکت در مراسم بزرگداشت شهدا، ساعت‌های طولانی انتظار در پشت درب زندانهای شاه برای ملاقات، جلسات سخنرانی در میان خانواده‌ها و سرانجام فعالیت در گرماگرم انقلاب.

خنده‌های بر لب‌های مادر پیدا شد گوئی خودش را می‌دید که در لابلای اتوموبیل‌ها در خیابان‌ها و در ازدحام مردم در حال پخش اعلامیه و افشاکاری برعکس جنایات رژیم شاه است، خودش را می‌دید در حالیکه همه او را با تعجب می‌نگرند. پیرزن شصت هفتاد ساله‌ی را که در روزهای اوج حکومت نظامی اعلامیه پخش می‌کند و فریاد می‌زند: "مرگ بر شاه" و سرانجام درهای زندانها گشوده شد. انقلابیون آزاد شدند و انقلاب اوج گرفت و رژیم شاه را درهم کوبید و بعد ...

قیافه‌ی "ظاهرالصلاح" خمینی در آغاز انقلاب، ادعاهایش در نظرش مجسم شد که می‌گفت: "من یک طلبه‌ی ساده هستم ... این‌ها گورستان‌ها را آباد کردند ... جوانهای ما را کشتند!" کم‌کم خمینی در نظرش تغییر شکل یافت گوئی هر لحظه به صورت حیوانی درنده درمی‌آمد که می‌درد و خون می‌خورد و دوباره به شکل همیشگی‌اش بیرون می‌آمد. و سرانجام هنگام نبرد با

می‌دید و فریادهای "بکشید ... بکشید" مزدوران رژیم، همه جا را پر کرده بود.

و بعد از آن روزی فرا رسید که "ابراهیم" همچون سایر مجاهدین دوباره سلاحش را برداشت و نارنجک‌هایش را به کمر بست، وصیت‌نامه‌اش را نوشت و مادرش او را در آغوش گرفت و پیشانی‌اش را بوسید. و آنروز بود که او فهمیده بود جنگی رو در رو و چنگ در چنگ با فریبکار بزرگ فرا رسیده و وقتی که از پسرش پرسیده بود که: "یعنی مثل زمان شاه ... باید با گلوله جواب داد؟" ابراهیم گفته بود "بدتر از زمان شاه. مادر! خمینی دست همی جانیان را از پشت بسته و جنگ ما با او بسی سهمگین‌تر خواهد بود" و وقتی پیرزن پرسیده بود: زن و بچه‌هایت چی؟ با لبخندی گفته بود: "... صحبت زن و بچه‌ی من نیست مادر! ... خانواده‌های تمامی مجاهدین، پیر و جوان، همه و همه با هم به میدان نبرد با خمینی خواهیم رفت. این پیام انقلاب و پیام مرکزیت سازمان است، پیامی که امام حسین(ع) در مقابل یزید محقق ساخت و ما هم بدینال او و پیام او در برابر خمینی تکرار می‌کنیم." و بعد ابراهیم خداحافظی کرده و رفته بود. اما به کجا؟ در خمینان نیز همین را می‌خواستند اما معلوم نبود. و اکنون در دوران بازجویی وقتی آخوند بازجو پس از شکنجه از او پرسیده بود "پسرت کجاست؟" جواب داده بود: "خودتان بهتر از من جایش را می‌دانید ... مگر صدایش را نمی‌شنوید ... همه جا هست ... در همه‌ی شهرها

اکنون در دوران بازجویی وقتی آخوند بازجو پس از شکنجه از او پرسیده بود "پسرت کجاست؟" جواب داده بود: "خودتان بهتر از من جایش را می‌دانید ... مگر صدایش را نمی‌شنوید ... همه جا هست ... در همه‌ی شهرها ... توی همه‌ی قبرستانها ... در همه‌ی سلولها ... پسر من همان کسی بود که در سلول بغلی زندانی بود و یک هفته پیش تیربارانش گردید ... او همان کسی بود که چند روز قبل رگبار مسلسلش چند تا از شماها را به مجازات رساند" و بعد از آن سخت شکنجه شده بود ... صدائی از سلول کناری شنیده شد، کسی آهسته سرود می‌خواند مادر گوشه‌هایش را تیز کرد و سعی کرد بشنود و بقیه در صفحه‌ی ۱۶

خمینی فرا رسید، نبرد با شیبادی که گام به گام ماهیت خود را برملا می‌ساخت و متقابلاً از سوی پیشانان خلق و بخصوص مجاهدین، فعالیت‌ها و نمایشگاه‌های خیابانی و افشاکاری، نشریات، سخنرانی‌ها، علیرغم ضرب و شتم‌ها و حمله و هجومهای وحشیانه‌ی مزدوران خمینی اوج می‌گرفت، تا اینکه سرانجام روز ۳۰ خرداد فرا رسید روزی که رگبارهای پاسداران جانی خمینی قلب پیر و جوان را در برابر چشمان حیرت‌زده‌ی "مادر"

خودش را کمی جابجا کرد و راحت‌تر به دیوار سرد سلول تکیه داد و کم‌کم به فکر فرو رفت. ... هفتاد سال بر او گذشته بود. هفتاد سال عمر کوتاهی نبود سالهای کودکی و نوجوانی و حتی سالهای اول ازدواج و تشکیل خانواده و سختی‌های زندگی آن روزگاران مدتها بود که در مه غلیظ گذشت زمان پنهان شده بود. آنچه که در خاطرش مانده و حتی بسیاری از لحظات آنرا بروشنی بیاد

## حماسه‌های مجاهد خلق،

### لحظه‌های انقلاب

## معنائی از مبارزه

با ارزش‌تر است. نبرد شما دوشادوش تمامی مجاهدین ادامه خواهد یافت و باید ادامه یابد، دیروز هنگام افشاگری، پخش اعلامیه، سخنرانی و به ناچار کتک خوردن و زندانی شدن مورد هزارگونه تهمت و توهین و آزار قرار گرفتن بود و امروز نیز باید با تمامی امکانات ریز و درشت و با هر توانی، پرچم انقلاب را برافراشته نگهداشت و به پیش رفت و..."

تا خانه، صدای "احمد" را همچنان می‌شنید. صدائی که

چند دقیقه بعد از رفتن پاسدار به داخل خانه مادر کارش را شروع کرد و پس از چک اطراف، موتور پاسدار مزدور را صادره کرده و علیرغم وزن نسبتا سنگین موتور، آنرا با حداکثر توانی که در خود سراغ داشت به خانه‌ی خود منتقل کرد و پس از قرار دادن آن داخل انباری و ریختن مقداری گونی و قوطی به روی آن در انبار را قفل کرد و دوباره از خانه بیرون آمد. هیچکس در کوچه نبود، دوباره به خانه بازگشت و پس از آنکه لباس

و مزدورانش قرار می‌گرفت و معمولا با ضرب و شتم پاسداران و فالانژها مواجه می‌گردید. "مادر" لحظه‌ای به شرایطی که در آن قرار داشت فکر کرد و بی‌اختیار زیر لب زمزمه کرد: "حالا چی؟" او تا به حال اگر چه از لحاظ ذهنی خود را برای هر کاری در راه انقلاب آماده کرده بود ولی بطور عقلی نمی‌دانست که از این به بعد چه کاری را می‌تواند انجام دهد، آنهم در این شرایط که اساسا نبرد انقلابی مسلحانه می‌توانست انقلاب را به پیش ببرد. او بی‌اختیار بیاد روزی افتاد که پاسدارها جلوی چشمان حیرت‌زده‌ی او چند نفر را در وسط خیابان ناجوانمردانه

تاریخ - مرداد ۶۰  
مکان - رشت

"نشست" هنوز شروع نشده بود و بچه‌ها در انتظار آمدن مسئول، با یکدیگر مشغول صحبت بودند. "مادر" ... گوشه‌ی اتاق نشسته بود و بچه‌ها را می‌نگریست. با به یاد آوردن اینکه ممکن است دیگر هیچکدام از آنها را نبیند اسک در چشمانش حلقه زد و غم سنگینی را در خود احساس کرد. مدت‌ها بود که به آنها انس گرفته بود و همه‌شان را مثل بچه‌های خودش دوست داشت و هر هفته روزشماری می‌کرد تا دوشنبه‌ها

در جلسه از وظایف هر کس در این مقطع از مبارزه حرف زده بود. گوئی هنوز صدای احمد را می‌شنید که می‌گفت: "... نباید دچار ذهنیت شد و تنها به این مسئله فکر کرد که حالا که مبارزه‌ی مسلحانه با رژیم پلید و خون‌آشام خمینی شروع شد، دیگر نمی‌توانید به وظایف خود عمل کنید نباید فکر کنید

او را سرشار از انرژی می‌کرد. دیگر می‌دانست که می‌توان کارهای زیادی انجام داد، ولی دقیقا نمی‌دانست که چگونه، باید درباره‌ی آن بیشتر فکر می‌کرد.

مدتی بعد از آخرین نشست صادره‌ی موتور پاسداری که در کوچه‌شان زندگی می‌کرد فکرش را مشغول کرد. پاسدار مزبور هر روز با موتورش به خانه می‌آمد و معمولا آنرا جلوی درب ورودی خانه پارک می‌کرد و معمولا توقف او در خانه یکی دو ساعتی طول می‌کشید. فکر صادره‌ی موتور این مزدور وقتی تقویت شد که قرار شد خانه‌شان را عوض کنند و از آن محله بروند. بنابراین فرصت زیادی برای عملی کردن این طرح نداشت. پس از مدتی فکر و برنامه‌ریزی بالاخره فرصت مناسب بدست آمد. نزدیک ظهر پاسدار مزبور سوار بر موتور هوندا ۱۲۵ خود به خانه آمد و پس از آنکه آنرا پارک کرد وارد خانه شد و

حسین گفت: "مادر می‌دونی که این موتور در اختیار کی ها قرار می‌گیرد؟ در اختیار بچه‌هایی که سلسله‌های اونا هم چند روز پیش از یکی از کمیته‌های خمینی صادره شده، وسیله نقلیه شونو هم تو تهیه کردی و غذای مورد احتیاج اونها رو یکی دیگه از مادرها تهیه می‌کنه، شاید نه تنها در این شهر بلکه خیلی جاها اینطوری باشه."

که مبارزه با دشمن تنها در اسلحه بدست گرفتن و هجوم به قلب دشمن است. بلکه کوچکترین گامی که در راه پیشبرد انقلاب برداشته شود دقیقا به معنای تقویت قدرت آتش واحدهای نظامی سازمان در صحنه‌ی خونین نبرد برعلیه خمینی دژخیم است. رساندن یک پیام، چک کردن سلامتی خانه، امکان یابی و جمع‌آوری امکانات مالی، پخش اخبار جنبش، افشاگری و برانگیختن خشم مردم برعلیه جنایات خمینی دقیقا بمعنای شرکت کردن در مبارزه‌ی قهرآمیز با این رژیم پلید است... در فاز سیاسی با کمک و یاری بی‌دریغ تمامی شما ضربات گاری و کوبنده‌ای بر بنیان رژیم خمینی دجال فرود آوردیم و الان که پنجه‌های خونین این خائن به خدا و خلق و انقلاب آشکارا از آستین بدر آمده، وظیفه‌ی شما بسیار سنگین‌تر و درنتیجه

به رگبار بسته و کشته بودند. "چی مادر؟ دوباره که تو فکری!" صدای فاطمه بود که او را از فکر بیرون آورد و متوجه دیگران کرد. خواست جواب فاطمه را بدهد که در اتاق باز شد و "احمد" که قرار بود آروز خطوط جدید را به جمع آنها انتقال دهد وارد شد و چند لحظه بعد، پس از احوالپرسی و مقداری صحبت‌های مقدماتی، "نشست" شروع شد و "احمد" شروع به صحبت کرد.

سومین گروه، متشکل از "مادر" و "فرزانه" و "فاطمه" بود که پس از پایان نشست از خانه خارج شدند و چند کوچه آنطرف‌تر، مادر از آنها جدا شد و با یک تاکسی به طرف خانه‌ی خودش راه افتاد. احساس غم و غصه‌ای که قبل از نشست در خودش احساس می‌کرد پس از شنیدن حرف‌های "احمد" از بین رفته بود. احمد

برسد و نشست هفتگی برگزار شود و بچه‌ها را ببیند. هر هفته بچه‌ها سرشار از شور و نشاط و گاه با سرودست شکسته و مجروح (در اثر حملات پاسداران و فالانژها) دورهم جمع می‌شدند بعد از بحث در مورد خطوط کار، دوباره به میدان نبرد سیاسی - افشاگرانه با خمینی (که آنروزها هنوز دست‌های جنایتکارش را در آستین ریاکاری پنهان کرده بود) باز می‌گشتند... و مادر نیز همگام با آنها آمده بود، از سال ۵۸ تا مرداد ۶۰ یعنی تا دو ماه پس از آغاز نبرد انقلابی مسلحانه با خمینی جلاد.

تا آنروز از عهده‌ی تمام کارهایی که به عهده‌اش گذاشته شده بود برآمده بود، از پخش اعلامیه‌های سازمان تا برپائی نمایشگاه و افشاگری و دیگر فعالیت‌های انقلابی‌ای که مورد خشم ضدانقلابی خمینی

نبرد شما دوشادوش تمامی مجاهدین ادامه خواهد یافت و باید ادامه یابد، دیروز هنگام افشاگری، پخش اعلامیه، سخنرانی و بناچار کتک خوردن و زندانی شدن مورد هزارگونه تهمت و توهین و آزار قرار گرفتن بود و امروز نیز باید با تمامی امکانات ریز و درشت و با هر توانی، پرچم انقلاب را برافراشته نگهداشت و به پیش رفت و..."

مناسی پوشید برای تلفن زدن از خانه خارج شد!

چند روز بعد حسین آمد و موقعی که موتور را دید بشوخی به مادر گفت: "مادر نترسیدی که یکمترتیه پاسداره از خونه بیرون بیاد؟" مادر جواب داد: "شماها مگه می‌ترسید؟!"

حسین در آخرین لحظاتی که از مادر خداحافظی می‌کرد برای بیان ارزش واقعی کار مادر به او گفت: "مادر می‌دونی که این موتور در اختیار کی‌ها قرار می‌گیره؟ در اختیار بچه‌هایی که سلسله‌های اونا هم چند روز پیش از یکی از کمیته‌های خمینی صادره شده، وسیله‌ی نقلیه شونو هم تو تهیه کردی و غذای مورد احتیاج اونها رو یکی دیگه از مادرها تهیه می‌کنه، شاید نه تنها در این شهر بلکه خیلی جاها اینطوری باشه."

لبخندی بر چهره‌ی مادر پیدا شد. گوئی که معنای مبارزه با رژیم خمینی برایش روشن‌تر شده بود، معنای یاری رساندن به انقلاب.\*

بقیه از صفحه‌ی ۲۶

### گزارش سه‌رشته‌ عملیات کمین و...

می‌رسد. طی عملیات فوق هیچگونه آسیبی به پیشمرگان نرسیده و گلیه‌ی پیشمرگان سالم به پایگاه‌های خویش بازگشتند.

مرگ بر خمینی جلاد نابود باد پاسداران ظلمت و جنایت زنده باد آزادی برقرار باد دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران مجاهدین خلق ایران مرکزگردستان ۲۷/فروردین ۶۲

که تا حوالی صبح ادامه داشت، دشمن زبون با دادن حداقل ۶ گشته و تعداد زیادی زخمی مجبور به عقب‌نشینی شده، به پایگاه‌های خویش می‌گریزد.

۳ - همچنین در اولین ساعات روز ۲۷ فروردین در اثر انفجار یک مین ضدنفر که توسط پیشمرگه‌های مجاهد خلق در سنگر دیده‌بانی پایگاه حمران کار گذاشته شده بود، یک پاسدار ضد خلقی به سزای جنایات خویش رسیده و بهلاکت

## حماسه‌های مجاهد خلق،

### لحظه‌های انقلاب

## مبارزه‌ای بی‌امان

### در سایه حمایت‌های بیدریغ خلق

تاریخ: نیمه‌ی مردادماه سال ۶۰  
مکان - تهران - میدان  
توحید - خیابان ستارخان

احساس کردم که آنها مرا تعقیب می‌کنند، مخصوصا وقتی که از خیابان "جمالزاده" به بعد برای ضدتعقیب زدن، سعی کردم از چند کوچه‌ی پرپیچ‌وخم عبور کنم ولی آنها را همچنان با فاصله‌ای حدود ده پانزده متر پشت سر خود یافتم. دیگر هیچ شکی برایم باقی نماند که تحت تعقیب مزدوران رژیم خمینی قرار گرفته‌ام. به میدان توحید که رسیدم، عرض خیابان را طی کردم و در نبش خیابان ستارخان در پشت ویترین مغازه‌ی کفش‌فروشی بزرگی که در آنجا بود ایستادم و از زیر چشم به آنها نگاه کردم. تبیب و قیافه‌ی ظاهری دو نفری که مرا تعقیب می‌کردند بیشتر شبیه مزدورانی بود که ریش خود را زده باشند و با پوشیدن لباسی مناسب شکل ظاهری خود را تغییر داده باشند. وقتی دوباره براه افتادم باز هم آنها را بدنال خود دیدم. لحظه‌ای به سلاح کمری

خود که در زیر پیراهنم و در شکم‌بند قرار داشت فکر کردم و بیاد حرف مسئول خود افتادم که همیشه می‌گفت: "عنصر مبارزی که در هر حال هوشیارانه با مسائل برخورد کند و در هنگام درگیری‌های اجتناب‌ناپذیر، در تهاجم پیشقدم شود و اولین گلوله را پیش از دشمن شلیک کند اکثرا در نابودی دشمن و نجات خود موفق خواهد بود". ... بالاخره لحظه‌ای که انتظار آنها داشتم فرا رسید. تعقیب‌کنندگان من بر سرعت قدمهای خود افزودند و در همین حال یکی از آنها مرا صدا زد و چون توجه نکردم با حالتی تحکم‌آمیز دستور ایست داد. ... دیگر درنگ جایز نبود، تجارب قبلی در درگیری‌ها نشان داده بود که با دشمن بیرحم و خونریزی که چه در هنگام درگیری‌ها و چه در زندانها و شکنجه‌گاهها هیچ حد و مرزی در وحشیگری و خونریزی نمی‌شناسد، باید در اولین فرصت قاطعانه و با آتش بی‌امان سلاح برخورد کرد. با حالتی که گوئی می‌خواهم بایستم به طرف آنها برگشتم و

در همین حال سلاح خود را بسرعت کشیدم و از ضامن بیرون آورده و شلیک کردم. یکی از آنها با اولین شلیک بزمین افتاد و دیگری که از قبل سلاح خود را کشیده بود بطرف من شلیک کرد و من نیز دومین و سومین گلوله‌های سلاح خود را در سینه‌ی او نشاندم و در حالیکه از بازوی

می‌رسید با توضیحات من و دانستن اینکه من یک مجاهدم سریعاً بحرکت درآمد. هنگامیکه تاکسی راه افتاد، به جایی که جنازه‌ی دو مزدور افتاده بود نگاه کردم. مردم با خوشحالی مرا که با تاکسی از محل دور می‌شدم می‌نگریستند. لحظاتی بعد میدان توحید را پشت سر گذاشته بودیم.

\* \* \*

راننده‌ی تاکسی نگاهی به بازوی خونین من انداخت و گفت: "هنوز که داره از دست خون میره... می‌خوای برسونت خون‌های خودم اونجا روبراهش کنیم؟... با خودم فکر کردم که وضع دستم خیلی بد نیست و اگر دیرتر از موعد مقرر به پایگاه برسم (با این توجه که امکان خبر دادن به آنجا را نیز نداشتم) سایر افراد پایگاه با توجه به دیر آمدن من بناچار پایگاه را تخلیه خواهند کرد و این یک اصل بود که باید در هر حال رعایت می‌شد.

بیاد حرف مسئول خود افتادم که همیشه می‌گفت "عنصر مبارزی که در هر حال هوشیارانه با مسائل برخورد کند و در هنگام درگیری‌های اجتناب‌ناپذیر، در تهاجم پیشقدم شود و اولین گلوله را پیش از دشمن شلیک کند اکثرا در نابودی دشمن و نجات خود موفق خواهد بود."

بنابراین جواب دادم: "خیلی ممنون داش وضع دستم زیاد ناچور نیست... اگه اشکالی نداره منو تا... برسون" راننده تاکسی گفت: "خیالت راحت باشه. تا هر جا که بخوای میرسونمت، از راهی می‌برمت که اصلا خطر نداره، از ما که بیش از این کاری بر نیامد، بازم بی‌تعارف بهت می‌گم اگه جایی رو نداری می‌برمت خون‌های خودم، دکترم

چپم خون می‌ریخت در زیر نگاههای متعجب مردمی که از اطراف من و دو مزدوری که به زمین افتاده بودند را، می‌نگریستند. به میان خیابان رفتم و در حالیکه هنوز سلاحم را در دست داشتم جلوی اولین ماشینی را که از آنجا می‌گذشت گرفتم و سوار شدم. ماشین مزبور یک تاکسی بود و راننده‌ی که در ابتدا کمی هراسان بنظر

## در جریان درگیری کارگران کارخانه قند و رامین با مزدوران

### دادستانی ضد انقلاب تهران، ۱۸ تن از آنان دستگیر شدند

از اقدامات خود نتیجه‌ای نگرفته بودند بار دیگر دست به دامان سپاه ضد خلقی شده و در تاریخ ۱۷ فروردین مجدداً عوامل دادستانی با نیروی بیشتری به کارخانه هجوم می‌آورند. درگیری مجددی بین کارگران و مزدوران سپاه بوجود می‌آید. در جریان این حمله ۱۸ تن از کارگران کارخانه بوسیله‌ی سپاه مزدور دستگیر شده و روانه‌ی شکنجه‌گاه اوین می‌شوند. همچنین در اثر حمله‌ی مزدوران یکی

شدیدی بین پاسداران مزدور و کارگران کارخانه رخ می‌دهد که در اثر مقاومت کارگران مزدوران سپاه مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند. بعد از ظهر همان روز امام جمعه‌ی خائن ورامین نیز به همراه محافظانش به کارخانه می‌آید تا بنحوی کارگران را آرام کند اما کارگران هیچ وقعی به گفته‌ها و وعده‌های سراپا دروغ او نمی‌گذارند. مدیریت خائن و انجمن ضد اسلامی مزدور کارخانه‌ی

زحمتکش این کارخانه منجمله ۱۲ روز حقوق بهمن ماه ۶۱ طفره رفته‌اند، این بار از اعتراض و تجمع کارگران در جلو کارخانه به وحشت افتاده و بلافاصله با سپاه ضد خلقی و لاجوردی جلاد در دادستانی ضد انقلاب تهران تماس گرفته و درخواست نیرو جهت مقابله و سرکوب کارگران را می‌نمایند. در پاسخ به این درخواست، مزدوران سپاه و دادستانی به کارخانه حمله می‌کنند، که در نتیجه درگیری

در هفته‌ی دوم اسفندماه ۶۱ کارگران کارخانه‌ی قند ورامین، در اعتراض به اقدامات ضد کارگری رژیم و اختناق حاکم بر کارخانه و همچنین نبرداختن ۱۲ روز حقوق بهمن ماه خود، در جلو دفتر کارخانه تجمع کرده و خواستار وصول حقوق پرداخت نشده می‌شوند. مدیریت خائن و جاسوسان انجمن ضد اسلامی کارخانه که تاکنون به عناوین مختلف از پرداختن حقوق کارگران

برات می‌آرم" و سپس شروع به صحبت و درد دل کرد و از خمینی گفت و از مردم و مجاهدین که دیگر در همه جا با دژخیم پلید قرن می‌جنگیدند و... در بین راه من با کمک راننده جلوی خونریزی بازویم را گرفتم و وضعیت ظاهری خود را تا حد مناسبی درست کردم و پس از رسیدن به مقصد، هنگامیکه خواستم کرایه را به او بدهم با دلخوری دوستانه‌ای دست مرا عقب زد و داشبرد را بیرون کشید و گفت: "هر چه می‌خوای بردار... از صب تا حالا گاسبی ما اینه که می‌بینی اینم برای مجاهدین تا تبدیل به گلوله شه و حق این آدمکشائی رو که مملکتو داغون کردن گف دستشون بذارن."

واقعا نمی‌دانستم در برابر او چه بگویم. در برابر یک هموطن قهرمان که با ساده‌ترین زبان و با هدیه‌ی حاصل زحمت و تلاش خود به انقلاب و انقلابیون خواست قلبی خود را ابراز می‌کرد و گوئی با همین زبان ساده با رساترین عبارات، شکوفائی انقلاب خلق و زوال و سرنگونی خمینی ضد بشر را اعلام می‌نمود.

دقایقی بعد، پس از چک امنیتی منطقه و سلامتی پایگاه به پایگاه وارد شدم و پس از مداوای اولیه ساعتی بعد یک پزشک فداکار به پایگاه آورده شد و او پس از معالجات لازم و بیرون آوردن گلوله با دادن دستورات لازم پایگاه را ترک کرد و چند روز بعد پس از آنکه احساس کردم توان آنها دارم دیگر بار به میدان نبرد با دژخیمان خمینی ضد بشر حاضر شدم. نبردی که تا سرنگونی خمینی و پیروزی خلق، هرگز از آن گامی به عقب نخواهیم نهاد. \*

\* \* \*

## حماسه‌های مجاهد خلق،

### لحظه‌های انقلاب

# حقانیت مجاهدین!

بقیه از صفحه ۱۳

با او همصدا شود. بی‌اختیار تکانی به خود داد و از جا بلند شد تا از دریچه‌ی سلول صدای سرود خواندن زندانی بغلی را بهتر بشنود که از درد شدید کمر و پشت بی‌اختیار فریادش بلند شد و بزمین افتاد و دوباره به دیوار تکیه داد و زیر لب با خود مشغول زمزمه شد.

\* \* \*

در سلول باز شد و روشنائی راهرو به داخل سلول تابید. مادر زیر پتو خوابیده بود، کمی تب داشت.

در که باز شد با خودش فکر کرد: "هنوز سه روز بیشتر از آخرین شکنجه نگذشته که باز

همه مجاهدند و ..."  
... لاجوردی حرفش را قطع کرد و گفت: "خیلی خوب، مجاهد باش، اینقدر مجاهد می‌کشیم تا تموم بشن. "امام" گفته؛ بزنی، بکشید، نسل اینارو وربندازید، فتوا داده." و بعد با تمسخر گفت: "مگه تو مسلمون نیستی. ماشاءالله قرآن و نهج-البلاغه که از ما بیشتر بلدی خوب چرا حرف امامتو گوش نمی‌کنی؟!"

"من مقلد یزید و معاویه نیستم" صدای خشمناکش مانند سیلی به‌گوش لاجوردی فرود آمد و او را بشدت عصبانی کرد.

— "وقتی که دوباره به اتاق تعزیر رفتی معلوم میشه مقلد

پاسدارها همه‌ی آنها را در حیاط به صف کرده بودند و با مسلسل‌های آماده‌ی شلیک آنها را زیر نظر داشتند.

وارد محل تیرباران که شدند، با دیدن اجساد غرقه در خونی که قبلا اعدام شده بودند قلبش بخاطر فرزندانش فرو ریخت ولی بزودی به خود

وبعد از آن روزی فرارسید که "ابراهیم" همچون سایر مجاهدین دوباره سلاحش را برداشت و نارنجک‌هایش را به کمر بست، وصیت‌نامه‌اش را نوشت و مادرش او را در آغوش گرفت و پیشانی‌اش را بوسید. و آن روز بود که او فهمیده بود جنگی رودررو و چنگ‌در چنگ با فریبکار بزرگ فرارسیده

سرانجام آخوند ناظر بر جوخه‌های اعدام با حکم‌های اعدام آمد و اولین گروه ده‌نفری را بردند و لحظاتی بعد صدای رگبارها بلند شد و پس از آن

پاسداران مأمور اعدام ده‌نفر بودند همه‌شکل هم. یک لحظه به آن‌ها نگاه کرد و احساس کرد همه‌ی آن‌ها شکل خمینی هستند. چشم‌هایش را به هم فشرد و باز کرد، نه، اشتباه نمی‌کرده‌به‌شکل خمینی بودند. به آخوندی که احکام اعدام در دستش بودند نگاه کرد. او هم به‌شکل خمینی در آمده بود! ...

شلیک تیرهای خلاص. "مادر" به آسمان نگاه کرد. غروب نزدیک بود و ابرها اندک‌اندک رنگ تیرگی بخود می‌گرفتند و چند کبوتر که در

کی هستی "هرکار دلتان می‌خواهد بکنید منگه از حضرت زینب عزیزتر نیستم هر چند شماها و اون خمینی جلاد بی‌شرف دست شمر و یزید را هم از پشت بسته‌اید." لحظاتی پس از رفتن لاجوردی، دوباره در سلول باز شد و دو پاسدار او را کشان-کشان و بر روی پاهای متورم و خونینش به طرف اتاق شکنجه بردند. به اتاق نرسیده بود که صدای شلاق و فریادها بلند شد. فریادهائی که تا اعماق وجود اثر می‌کرد و شلاق‌ها همچنان فرود می‌آمد و ...

\* \* \*

شصت و چهار نفر بودند. کوچکترین‌شان، دختر جوان پانزده ساله‌ای بود که تمامی دندانهای جلوش بر اثر ضربات مشت شکسته و ریخته بود و انتهای روسری مندرس و خاکی رنگش در اثر ورزش باد سردی که از کوه به‌طرف اوین می‌وزید در اهتزاز بود و مسن‌ترین‌شان مادر (ذاکری) بود که در میان آنها با پاهای تقریبا متلاشی‌اش به‌سختی ایستاده بود.

این بشرف‌ها سر و کله‌شان پیدا شد.

— "بلند شو ببینم مفسر قرآن". صدای لاجوردی جنایتکار بود. مادر به سختی بلند شد و به دیوار تکیه داد. لاجوردی با خنده‌ی کریه‌ی مقابل در سلول ایستاده بود و پشت سرش "اکبر جلاد" محافظش با نگاهی دریده و ابلهانه به او خیره شده بود.

"خوب تو زندون مشهد سر همه‌ی بازجوا رو شیره مالیدی و پونزده روزه در رفتی ولی اینجا از اون خیرا نیست باید تا آخرین حرفاتو بزنی، آخه پیرزن این آخر عمری به فکر دعا و مناجات باش مگه خودت نگفته بودی به خاطر اسلام و انقلاب و آزادی در زمان شاه دریدری کشیدی و نمی‌دونم مبارزه کردی، خوب حالا دیگه تو رو چه به این کارا، حرفاتو بزن، ما که بالاخره اون پسر منافقتو می‌گیریم و می‌بندیمش به تیر اعدام، خیالت راحت باشه ..."

— "پسر من منافق نیست منافق شماها هستید که تا گردن در خون مردم فرورفتین، اینها

آمد و به پاسدارها که منتظر ایستاده بودند نگاه کرد و دوباره به اجساد، فکر کرد خواب می‌بیند، ولی وقتی "خمینی" را بیاد آورد فهمید همه‌ی اینها واقعیت دارد.

پاسداری با عجله او را به کنار دیوار هل داد و به دیوار چسباند و خواست با تکه پارچه‌ای چشم‌هایش را ببندد ولی مادر نگذاشت و به سختی مقاومت کرد و فریاد زد: "چشم‌هایم را نبندید می‌خواهم با چشمان باز تیرباران شوم تا حقانیت سازمان را ببینم". و به سرعت پارچه را از روی چشم‌هایش

## یک نمونه از شگردهای خائنانه

### رژیم خمینی ...

بقیه از صفحه ۲۴

محاسبه قرار دهیم، نتایج عملی و عینی این معامله‌ی شیادانه چنین خواهد بود: در واقع رژیم خمینی ۶ میلیون تن نفت را به قیمت ۵ میلیون تن فروخته که بدین‌ترتیب در هر واحد فروش بمیزان یک ششم (حدود ۱۷٪) ارزانفروشی کرده و فقط پنج‌ششم قیمت واقعی را از سوریه دریافت داشته است که اگر همین کسر را در محاسبات خود وارد کنیم رژیم شاید خمینی در حقیقت هر بشکه نفت را در حدود بشکه‌ای ۲۴ دلار به سوریه فروخته است. این تنها یک شیوه‌ی

می‌کند. در ظاهر هم برای سرپوش گذاشتن بر روی این ارزانفروشی خائنانه، یک میلیون تن آن را برای عوام‌فریبی و بمنابه‌ی خمس درآمد! برای باصلاح مبارزه با صهیونیسم! حاتم‌بخشی می‌نماید! اگر چه رژیم خمینی تاکنون نفت را به مراتب ارزان‌تر از نرخ رسمی فروخته و باز هم به همین شیوه ادامه خواهد داد. با اینحال اگر ادعای وزیر نفت سوریه مبنی بر پرداخت بهای ۵ میلیون تن به قیمت رسمی را صرفاً برای ارائه‌ی مثال مورد

کنسید. پاسدار که عجله داشت با عصبانیت گفت: "به‌درک" و به سراغ نفر بعدی رفت.

پاسدارهای مأمور اعدام جلوی مجاهدین صف کشیده بودند. خون از پای دیوارتا جائی که آنها ایستاده بودند همه جا را سرخ کرده بود. پاسداران ده نفر بودند همه شکل هم. یک لحظه به آنها نگاه کرد و احساس کرد همه‌ی آنها شکل خمینی هستند. چشم - هایش را به هم فشرد و باز کرد. نه، اشتباه نمی‌کرد، همه‌به‌شکل خمینی بودند. به آخوندی که حکم‌های اعدام در دستش بود نگاه کرد. او هم به شکل خمینی در آمده بود! ... لحظه‌ای به بیرون از زندان فکر کرد و به مبارزه‌ای که در جریان بود و با تمام قوا فریاد کشید: "مرگ بر خمینی جلاد... زنده باد آزادی" و ۹ صدای دیگر او را همراهی کردند و صدای مسلسل پاسداران خمینی بلند شد خون داغ فواره زد و بر روی خونهای قبلی لغزید و تا جلوی پای پاسداران کشیده شد. مادر هنوز نیمه جانی داشت و صدای خفیفی از گلویش شنیده می‌شد که یکی از پاسدارها تیر خلاص را در مغزش شلیک کرد.

\* \* \*

شب فرا رسیده بود. خمینی در گوشه‌ای از جماران به گزارش کشتار روزانه‌ی لاجوردی گوش می‌کرد و ... مجاهدین ... در قلب پایگاهها سلاح‌هایشان را از جرم باروت پاک می‌کردند و برای فردا روغن می‌زدند و ابراهیم نیز در خیل آنان بود ... نبرد ادامه داشت و تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داشت. ... \*

خیانتکارانه‌ی حراج نفت با قیمت ارزان توسط رژیم خمینی است که در جلسات اوپک با دجالگری تمام پایش را از روی نرخ ۳۴ دلار قیمت پایه به‌هیچ‌وجه پائین‌تر نمی‌گذاشت و باصلاح خودش را جزء جناح تندروی اوپک جا می‌زد! بد نیست بدانید سال گذشته نیز رژیم خمینی همین مقدار نفت جهت باصلاح مبارزه با صهیونیسم! (همان صهیونیستی که خمینی اسلحه‌های مورد نیازش در جبهه‌های جنگ با عراق را از آن خریداری می‌کند)، بطور رایگان در اختیار سوریه قرار داده بود. اینطور که پیش می‌رود، به احتمال قوی فصل جدید حراج‌های نفتی رژیم خمینی قیمت پایه‌ای ۲۹ دلار اوپک را نیز متزلزل کرده و باعث شکسته شدن مجدد آن خواهد شد. ■



آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۶)

رهنمودهائی

پیرامون چگونگی اجرای "قرار"

بقیه/صفحه ۱۲

منطقه آلوده و مشکوک می‌باشد. مواردی از این قبیل - که در بعضی شرایط پیش می‌آید - می‌تواند برقراری تماس بین دو نفر را دچار اشکال کرده و یا غیرممکن سازد. حال اگر تماس بین دو رزمنده محدود به یک قرار مشخص باشد طبعاً با پیش آمدن یکی از موارد قابل پیش‌بینی یا غیرقابل پیش‌بینی، ارتباط بین آنها قطع می‌شود.

برای اینکه ارتباط بین دو رزمنده به دلایل فوق‌الذکر قطع نشود، باید از شیوهی "قرارهای زاپاس" استفاده کرد. این قرارها می‌تواند در چند مرحله و هر کدام به یک شکل انجام شود، تا اگر در یک مرحله تماس برقرار نشد، در مراحل بعدی ارتباط وصل شود. در مورد اهمیت قرارهای زاپاس بار دیگر توجه رزمندگان را به اهمیت و ارزش "ارتباطات" - که بدون برقراری مستمر آنها انجام وظایف انقلابی معلق می‌ماند - جلب می‌کنیم و متذکر می‌شویم که تجربه نشان داده است "قرارهای زاپاس" ضامن حفظ و استمرار "ارتباطات" می‌باشند.

اولین قدم در اجرای قرارهای زاپاس - که قبلاً نیز به آن اشاره شد - این است که رزمندگان بین خود مشخص کنند که یک ربع یا نیم ساعت بعد از انقضای زمان تعیین شده برای قرار، مجدداً قرار را اجرا کنند. قرار "زاپاس" از قطع تماس بخاطر مواردی از قبیل دیررسیدن، پیدا نکردن محل قرار، خراب شدن وسیله نقلیه در بین راه و امثال آن جلوگیری می‌کند.

مرحله‌ی بعدی قرار زاپاس، اجرای یک قرار ملاقات دیگر، دو تا سه ساعت بعد از انقضای زمان قرار اصلی و اجرای قرار زاپاس اول، در یک منطقه‌ی دیگر می‌باشد. فاصله‌ی دو تا سه ساعت و یا اندکی کمتر و بیشتر، بخاطر آن است که رزمندگان بتوانند پس از زدن ضدتعقیب کامل، خود را از یک منطقه به منطقه‌ی دیگر، که فاصله‌ی آن هم باید نسبتاً زیاد باشد، برسانند. این قرار زاپاس که

به لحاظ زمان و مکان و علامت سلامتی باید از مشخصاتی شبیه قرار اصلی برخوردار باشد، از قطع ارتباط بخاطر مواردی از قبیل مشکوک بودن منطقه، انجام عملیات در منطقه‌ی قرار و بالا رفتن جو نظامی آن و مواردی از این قبیل، مانعت به عمل می‌آورد.

شکل دیگر حفظ رابطه این است که اگر از سلامتی طرف مقابلتان مطلع هستید می‌توانید در محل علامت سلامتی، برای اجرای یک قرار دیگر، زمان مشخصی را بنویسید. مکان قرار نیز از قبل می‌تواند با توافق یکدیگر مشخص گردد. شکل کار به این ترتیب است که وقتی برای زدن علامت سلامتی و یا دیدن علامت سلامتی طرف مقابل می‌روید، می‌توانید در کنار

قبل از اجرای قرار برای زدن علامت سلامتی یا دیدن علامت سلامتی شما به محل علامت می‌رود، متوجه موضوع می‌شود و خودش پس از زدن علامت سلامتی، نوشته‌ی شما را پاک می‌کند و به پایگاه بازمی‌گردد، تا در روز و ساعت مقرر مجدداً به سر قرار بیاید. به این ترتیب از اجرای چند قرار و تردد دیگر توسط وی جلوگیری می‌شود. علاوه بر قرارهای زاپاس فوق که باعث افزایش اطلاعات افراد نسبت به یکدیگر نمی‌شود و اصل "حداقل اطلاعات" در آنها تا حد ممکن رعایت شده است، شیوه‌های دیگری نیز هستند که رزمندگان می‌توانند با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند و همچنین با در نظر گرفتن الزامات و وظایفشان، از آنها استفاده کنند. مثلاً

شده است و طرف دیگر هم چنان با مسئولین تشکیلاتی خود در تماس می‌باشد. اما اگر آن رزمنده، افراد دیگری را تحت مسئولیت خودش داشته باشد، با دستگیری و یا شهادتش ارتباط تمامی آنها قطع می‌شود. همچنین اگر فردی که سر قرار نیامده است رابط طرف مقابل با سازمان باشد، ارتباط فرد تحت مسئولیتش و افراد زیر دست وی با بالاتر قطع می‌شود. در این شرایط برای حل مسئله قطع رابطه و برقراری مجدد آن چه باید کرد؟ در چنین مواردی باید از "قرار ثابت" استفاده نمود.

"قرار ثابت" قرار است که افراد پائین‌تر آن را می‌نویسند و از طریق مسئول تشکیلاتی‌شان در اختیار مسئولین بالاتر قرار می‌دهند - بدون اینکه مسئول تشکیلاتی‌شان از محل و چگونگی اجرای آن اطلاع داشته باشد - آنگاه در صورتی که مسئول تشکیلاتی آنها دستگیر و یا شهید شد آنها "قرار ثابت" را اجرا می‌نمایند. مسئولین نیز پس از دستگیری و یا شهادت یک نفر، قرارهای ثابت افراد تحت

در هنگامی که با یکدیگر تماس برقرار کرده‌اید و مشغول صحبت می‌باشید، می‌بایستی با دسته‌بندی کردن مطالب از قبل و با انتقال سریع و دقیق آنها مدت زمانی را که با یکدیگر هستید به حداقل ممکن برسانید. این مسئله یک "ضابطه‌ی امنیتی" است. مسیری را که با هم حرکت می‌کنید بنحوی انتخاب کنید که در معرض تردد گشتی‌های دشمن کمتر قرار بگیرید. در این رابطه کوجه‌های جنوب شهر تهران چده لحاظ محل اجرای قرار و جها ز نظر موقعیت برای قدم زدن و صحبت کردن بسیار مناسب می‌باشد.

علامت مثلاً بنویسید "۳۱۷" یعنی روز سه‌شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر بیا سر قرار. این رمز می‌تواند بین رزمندگان به تناسب وضعیت و شرایط تغییر پیدا کند و هر کس به‌گونه‌ای بین خود و طرف مقابلش رمز خاصی برقرار نماید. استفاده از این روش بخصوص برای مواقعی که از قبل می‌دانید به دلیل وظایف فوق‌العاده و اضطراری نمی‌توانید بر سر قرار حاضر شوید، بسیار مفید و مسئله حل‌کن است و از ترندهای طرف مقابل شما به مقدار قابل ملاحظه‌ای می‌کاهد. به این ترتیب که می‌توانید چند ساعت قبل از رسیدن زمان قرار به محل علامت سلامتی بروید و ضمن زدن علامت سلامتی، در آنجا یک قرار دیگر را برای همان روز یا روزهای بعد مشخص کرده و به طرف مقابلتان ابلاغ نمایید. طرف مقابل نیز که علی‌القاعده

یک سرپل تلفنی انتخاب نمایند و از طریق آن با یکدیگر تماس برقرار کنند. در این رابطه خودتان می‌توانید با فکر و بحث شیوه‌های خاصی ابداع کنید.

\* سوال ۷۰ - قرار "ثابت" چیست و در شرایطی که هیچک از "قرارهای زاپاس" جواب مثبت نداد، برای حفظ ارتباط چه باید کرد؟

جواب: قرارهای زاپاس حافظ ارتباطات بوده و استمرار آن را تضمین می‌کنند. با اجرای کامل و دقیق آنها فقط در صورتی ارتباط قطع می‌شود که یکی از طرفین قرار دستگیر و یا شهید شده باشد. طبیعتاً این مسئله بعد از عدم اجرای قرار زاپاس و هم‌چنین زدن علامت سلامتی مشخص می‌گردد. حال اگر رزمنده‌ای که سر قرار نیامده است فرد تحت مسئولیت طرف مقابل قرار باشد، تنها ارتباط خودش قطع

مسئولیتش را باز کرده، مطالعه می‌کنند و به اجرا درمی‌آورند و به این ترتیب رابطه‌ی افراد تحت مسئولیت رزمنده‌ی شهید یا اسیر را مجدداً برقرار می‌نمایند.

\* سوال ۷۱ - مشخصات "قرار ثابت" چیست و در اجرای آن به چه نکاتی باید توجه داشت؟

جواب: از آنجا که مسئولین نسبت به سلامت رزمنده‌ای که باید قرار ثابتش را اجرا نمایند هیچ اطلاعی ندارند و ممکن است اجرای "قرار ثابت" با چندین روز فاصله - به دلیل مشغله‌های فراوان - میسر گردد، قرار ثابت باید از این مشخصات برخوردار باشد.

- محل اجرای قرار در یک خیابان اصلی و پررفت‌وآمد باشد تا بتوان سلامتی فردی را که سرقرار می‌آید چک نمود. زیرا در خیابان اصلی که تردد زیاد است مسئولین می‌توانند پیاده و یا با وسائل نقلیه عبور

نمایند، بدون اینکه کسی آنها را بشناسد و یا از دیگر افراد قابل تشخیص باشند.

- قرار ثابت باید چند روز متمادی در هفته و چند هفته‌ی متوالی اجرا شود. روزهای اجرای قرار و ساعت آن باید در نوشته‌ی قرار ثابت دقیقاً منعکس شده باشد. مثلاً رزمنده باید بنویسد که یک ماه، هر هفته ۴ روز از شنبه تا سه‌شنبه، ساعت ۱۲ هر روز، قرار را اجرا می‌کند. این مسئله کمک می‌کند تا چند مرتبه سلامت رزمنده چک شود و سپس با وی تماس برقرار گردد.

- مسیر قرار ثابت، علاوه بر اینکه باید در خیابان اصلی باشد، می‌بایستی طولانی نیز باشد، بنحوی که طی کردن آن به شکل پیاده به یک ربع تا نیم ساعت زمان احتیاج داشته باشد. این مسئله به این خاطر است که بتوان سلامتی فرد اجرا کننده‌ی قرار را دقیقاً چک نمود.

- از آنجا که مسئولین ممکن است چهره‌ی فرد اجرا کننده‌ی قرار را نشناسند، وی باید یک علامت مشخصه در دست بگیرد تا از دیگر افراد قابل تشخیص باشد، این مسئله باید در نوشته‌ی مربوط به قرار منعکس شده باشد.

مثلاً گفته شده باشد که من یک نان سنگک در دست چپ خود می‌گیرم یا یک عینک بدست راست دارم و علامت‌هایی از این قبیل. در هنگام تعیین علامت باید توجه داشت که علامت کاملاً عادی بوده و جلب توجه نکند و همچنین افراد دیگر علی‌العموم آن شیئی را در دست نداشته باشند. همچنین چیزی باشد که بتوان آن را در هر فصل از سال تهیه کرد.

- علاوه بر علامت فوق برای اینکه فرد رزمنده نیز از هویت فردی که برای وصل رابطه به وی مراجعه می‌کند کاملاً مطمئن شود، یک علامت دیگر نیز باید انتخاب نمود. این علامت بهتر است به صورت صحبتی باشد که بین طرفین ردوبدل می‌شود. مثلاً عنصر رابط به فردی که علامت تعیین شده در نوشته‌ی مربوط به قرار را در دست دارد مراجعه می‌کند و مثلاً می‌پرسد که: "این نان سنگک را چند خریدهای" و او پاسخ می‌دهد که: "۵۰ تومان". به این ترتیب طرفین از هویت یکدیگر کاملاً مطمئن می‌شوند. سوال و جواب را به‌گونه‌ای باید انتخاب نمود،

## آموزش ویژه‌های مقاومت مسلحانه (۶)

## رهنمودهائی

## پیرامون چگونگی اجرای "قرار"

که بطور معمول بین مردم کوچه و بازار رد و بدل نمی‌شود.

آخرین نکته‌ای که در مورد قرار ثابت باید گفته شود این است که قرار باید به رمز نوشته شده باشد. متن قرار و کلید رمز آن نیز باید جداگانه و در دو نوبت به مسئول تحویل داده شود. مسئول نیز آن را به بالاتر از خود رد می‌کند. قرار ثابت با ملاحظات و اقدامات لازم حفاظتی و جزو مدارک درجه یک نگهداری می‌گردد. متن قرار و کلید رمز آن نیز در دو محل مختلف باید نگهداری شود. بهتر است قرارهای ثابت رزمندگان یک شاخه‌ی تشکیلاتی اساسا در شاخه‌ی دیگر نگهداری شود تا زمانی که یک شاخه ضربه می‌خورد قرارهای ثابتش نیز در این ضربه از بین نرود و افراد باقیمانده از طریق شاخه‌ی دیگر بتوانند ارتباطشان را برقرار کنند.

سیستم قرار ثابت عملی‌ترین و بهترین شیوه‌ی برقراری مجدد ارتباطات قطع شده می‌باشد. بنابراین با خواندن دستورات فوق و بحث پیرامون آن و پس از تفهیم دقیق و کامل مطالب، قرار ثابت خود را بنویسید و به مسئولین خود تحویل دهید.

\* سوال ۷۲ - علاوه بر قرارهای اصلی، زاپاس و ثابت انواع دیگر "قرار" چه می‌باشد؟  
جواب: علاوه بر قرارهایی که تاکنون ذکر شد، دو نوع قرار دیگر وجود دارد: اول قرار "یک‌طرفه" به این مفهوم که یک نفر حتما سرفرار می‌رود و طرف دیگر که از نظر تشکیلاتی بالاتر می‌باشد ملزم به اجرای آن نیست و فقط در صورتی که کار مشخص و واجبی داشت آن را اجرا می‌کند. این نوع قرارها معمولا کم پیش می‌آیند.

دوم قرار با کسی است که برای اولین بار و برای ایجاد رابطه به سر قرار می‌آید. یا از یک شاخه به شاخه‌ی دیگر منتقل شده و می‌خواهد رابطه‌ی جدید برقرار نماید. این قرارها

از حساسیت بالائی برخوردار است، زیرا عدم اجرا و یا "چفت‌شدن" قرار به مفهوم قطع کامل ارتباط می‌باشد. بنابراین در اجرای اینگونه قرارها باید دقت و انرژی ویژه‌ای مصروف داشت. در ضمن اگر در این قرارها افرادی که می‌خواهند با یکدیگر تماس برقرار نمایند، چهره‌ی یکدیگر را نمی‌شناسند، حتما باید علامت مشخصه‌ای به همراه خود داشته باشند تا تماس با امنیت کافی و بنحو صحیح برقرار شود. بنابراین با پیش‌بینی این مسائل، قراری بگذارید و اجرا کنید که دارای نتیجه و راندمان باشد.

\* سوال ۷۳ - در اجرای قرار، بخصوص قرارهای مشکوک، به چه نکاتی باید توجه داشت؟

جواب: داشتن هوشیاری و اشراف به محیط پیرامون در هنگام اجرای قرار تضمین‌کننده‌ی ایمنی رزمندگان می‌باشد. بارها اتفاق افتاده است که در رابطه با یک قرار که به دلایلی برای دشمن لو رفته است و از طرف رزمنده‌ای به اجرا گذاشته می‌شود، اگر محیط قرار از قبل چک شود و فرد با هوشیاری وارد منطقه گردد و به افراد و ماشین‌های پیرامون خود دقت داشته باشد، سریعاً متوجه مشکوک بودن وضعیت منطقه می‌شود. نباید بدون توجه به اطراف سر را به زیر انداخت و مستقیماً به سمت محل قرار حرکت کرد. در صورت روبرو شدن با کوچکترین مورد در هنگام اجرای قرار، از اجرای آن خودداری کنید و مثلاً با وسایل نقلیه از منطقه‌ی قرار عبور کنید و وضعیت را چک نمایید. یا اصلاً قرار را اجرا نکنید و به روزهای بعد موکول کنید. برای حفظ و باقی ماندن خود ارزش قائل شوید و بی‌گدار به آب نزنید تا برای ادامه‌ی مبارزه باقی بمانید. اینگونه برخورد کردن نه تنها نشانه‌ی ضعف نیست بلکه برخورد پیچیده و هوشیارانه با شرایط را نشان می‌دهد.

\* سوال ۷۴ - در هنگامی که تماس برقرار شده است، بعد از پایان اجرای قرار به چه نکاتی باید توجه کرد؟

جواب: در هنگامی که با یکدیگر تماس برقرار کرده‌اید و مشغول صحبت می‌باشید، می‌بایستی با دسته‌بندی کردن مطالب از قبل و با انتقال سریع و دقیق آنها مدت زمانی را که با یکدیگر هستید به حداقل ممکن برسانید. این مسئله یک "ضابطه‌ی امنیتی" است. مسیری را که با هم حرکت می‌کنید بنحوی انتخاب کنید که در معرض تردد گشتی‌های دشمن کمتر قرار بگیرید. در این رابطه کوجه‌های جنوب‌شهر تهران چه به لحاظ محل اجرای قرار و چه از نظر موقعیت برای قدم زدن و صحبت کردن بسیار مناسب می‌باشد.

پس از اینکه صحبت‌های

بدلیل اهمیت موضوع و لزوم توجه رزمندگان، آنها را بطور مشخص‌تر ذکر می‌کنیم:

- در رابطه با مکان قرار آنچه که مهم است نزدیک نبودن آن به مراکز انتظامی و حفاظت شده‌ی رژیم می‌باشد. همچنین حتی‌المقدور مسیر قرار نبایستی در مسیر تردد گشتی‌ها قرار داشته باشد. بخصوص پس از اینکه افراد در محل قرار به یکدیگر ملحق می‌شوند مسیر حرکت آنها و اساساً حرکت آنها به همراه یکدیگر بسیار مهم است. در این رابطه باید دقت کرد که زمان حرکت افراد به همراه یکدیگر کمترین مقدار ممکن باشد. علاوه بر این رزمندگان می‌توانند پس از ملحق شدن به یکدیگر متناسب با شرایط از مکان‌های نظیر بستنی‌فروشی رستوران، سینما، اتوبوس و امثال آن استفاده کنند و صحبت‌های خود را در آنجا انجام دهند. تهدید قرارهایی که محل آنها در یک نقطه‌ی ثابت انتخاب می‌شود زمان انتظار آنها می‌باشد.

در علامت سلامتی‌های تلفنی دقت کنید که صدای طرف مقابل، صدای همان کسی باشد که می‌خواهید با وی صحبت کنید. بعضی وقتها نیروهای انتظامی رژیم خودشان به تلفن‌ها پاسخ می‌دهند و باصطلاح افراد را به سرفرار می‌کشند. بنابراین اولاً سعی کنید که اساساً از طریق تلفن قرار نگذارید و ثانیاً حتماً علامت خطر تلفنی نیز انتخاب کنید تا طرف مقابل در صورت احساس کمترین خطری و با وجود مورد مشکوک علامت خطر بدهد و شما سرفرار نروید. کسانی که پشت تلفن می‌نشینند و به‌عنوان "سرپل" انجام وظیفه می‌کنند باید با دقت و هوشیاری عمل نمایند.

- اگر یک نفر در اولین قرار خود حاضر نشد و یا علامت سلامتی نرود بود، قرارهای بعدی وی اساساً مشکوک تلقی می‌شود. اجرای اینگونه قرارها باید بسیار دقیق باشد (در رابطه با قرارهای مشکوک قبلاً توضیح داده‌ایم) و طبیعی است که اگر اولین قرار به دومین قرار

پس از اینکه صحبت‌های خود را تمام کردید، فراموش نکنید که برای برقراری رابطه‌ی مجدد با یکدیگر، هماهنگی‌های لازم را ایجاد کنید. بعد از جدا شدن از یکدیگر این نکته را هیچگاه فراموش نکنید که موظف به "صدت تعقیب زدن" می‌باشید. بدون انجام صدت تعقیب به هیچ عنوان به پایگاه مراجعت نکنید و یا بدنبال تماس با افراد دیگر و انجام وظایف خود نروید. توجه داشته باشید که صدت تعقیب به وقت احتیاج دارد و باید در این زمینه وقت کافی صرف کنید.

زاپاس کشیده شد، اوضاع مشکوک‌تر است و دقت بیشتری را می‌طلبد. همینطور ارتباط هر قدر به قرارهای زاپاس بعد موکول می‌شود، اجرای قرار از حساسیت بیشتری برخوردار می‌گردد و نیاز به کنترل و چک کردن و همچنین هوشیاری و دقت بیشتری دارد. این مسئله تهدید قرارهای زاپاس می‌باشد.

- بطور کلی گشتی‌های نیروهای انتظامی دشمن و همچنین توره‌های بازرسی و کنترل که تهدید تردد در سطح شهر می‌باشند به سهم خود برای قرار نیز تهدید محسوب می‌شوند، از اینرو باید ترکیب گشتی‌ها و مشخصات ظاهری آنها را شناخت و اقدامات حفاظتی لازم را انجام داد.

در انتها "چک‌لیست" قرار را ذکر می‌کنیم تا در هنگام تنظیم قرار و یا قبل از اجرای آن با مراجعه به چک لیست بتوانید از صحت چگونگی قرار خود مطمئن شوید.

۱- آیا زمان و مکان قرار

یعنی زمان انتظار هر چه کوتاهتر باشد بهتر است و هر چه بلندتر باشد تهدید بیشتری دارد.

- زمان قرار همانطور که گفته شد بهتر است هماهنگ با تردد عمومی مردم باشد. صبح خیلی زود و همچنین آخر شب که خیابان‌ها کاملاً خلوت می‌باشند چندان برای زمان قرار مناسب نیست ولی می‌توانید متناسب با شرایط و با تحلیل مشخص از اوضاع و با آشنائی با تاکتیک‌هایی که نیروهای انتظامی دشمن بکار می‌گیرند زمان قرار را هر موقع که صحیح و مناسب تشخیص می‌دهید انتخاب کنید.

- علامت سلامتی تهدید مهمی است. بخصوص بانوجه به لو رفته بودن این شیوه از کار، هنگام زدن علامت سلامتی و یا چک کردن آن مراقب باشید که هیچکس شما را نبیند. از اینرو محل‌هایی را برای علامت سلامتی پیدا کنید که دیگران نسبت به آن کمترین اشراف را داشته باشند.

خود را تمام کردید، فراموش نکنید که برای برقراری رابطه‌ی مجدد با یکدیگر، هماهنگی‌های لازم را ایجاد کنید. بعد از جدا شدن از یکدیگر این نکته را هیچگاه فراموش نکنید که موظف به "صدت تعقیب" زدن می‌باشید. بدون انجام صدت تعقیب به هیچ عنوان به پایگاه مراجعت نکنید و یا به بدنبال تماس با افراد دیگر و انجام وظایف خود نروید. توجه داشته باشید که صدت تعقیب به وقت احتیاج دارد و باید در این زمینه وقت کافی صرف کنید و پس از اطمینان از "پاک" بودن خود وظایف و ماموریت‌های دیگر خود را پیگیری نمائید.

\* سوال ۷۵ - تهدیدات انواع قرار چه می‌باشد؟  
جواب: مقصود از تهدیدات قرار، اشکالات و مسائل و اشتباهاتی هستند که خطرات ایمنی و حفاظتی برای رزمندگان ایجاد می‌کنند. هر چند که در متن توضیحات به این مسائل کم‌وبیش اشاره شده است ولی

# حمایت از مستضعفین و کوخ نشینان

## در قاموس دجال قرن!

بقیه از صفحه اول

دورهی بزرگ مالکی در عصر فتودالیت، بهره‌ی مالکانه به رژیم جنایتکار خمینی بپردازند. همچنین به یاد داریم که دجال جماران که این چنین دم از کوخ‌نشینی می‌زند، وقتی "دایناسورهای" شورای نگهبان در بیست و هشتم دی‌ماه ۶۱ طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی - که تا آن موقع در پرتو انقلاب و تحت فشارهای اجتماعی بیش از ۲ سال هنوز حرفش در میان بود - را به علت ماهیت ارتجاعی‌شان رد کردند، چگونه در سخنرانی خود در چهارم بهمن‌ماه این حکم را بی‌چون و چرا تایید نمود و هرگونه اعتراضی را از درون خود رژیمش نیز ممنوع شمرد. در واقع او با این اقدام دشمنی و ضدیت قرون وسطائی خود را با دهقانان زحمتکش میهنمان نیز به خوبی نشان داد.

حال اگر این نمونه‌ها و دهها نمونهی دیگر را که هر روز بر مردم ستم‌دیده‌ی ایران و بخصوص اقشار و طبقات زحمتکش و محروم تحمیل می‌شود در کنار اراجیف این عنصر منفور و ضد دهیم، می‌بینیم که این مستضعف‌پناهی‌ها و حمایت از "کوخ‌نشینان" و "ازبین بردن تبعیض در جامعه" در قاموس دجال قرن مفهومی جز غارت هرچه بیشتر دسترنج محروم‌ترین طبقات و اقشار جامعه ندارد.

\*\*\*

زمین‌های موقوفه‌ای را که کشاورزان از سال ۵۳ به بعد از دولت خریداری کرده‌اند، رژیم پس خواهد گرفت. چرا که این معاملات غیر شرعی!! بوده است. او همچنین اضافه کرد که از زارعینی که در حال حاضر روی زمین مشغول کار هستند، اجاره دریافت خواهد کرد. دجالگری و مستضعف‌نمائی رژیم غارتگر خمینی را ملاحظه کنید! او حتی به زمین‌های

جبران این کاهش قدرت خرید باید افزایش پیدا کند. به طوری که این قانون تاکنون در مورد کارگران میهن ما اجرامی گردید. اما امسال با این اقدام چپاول - گرانهی رژیم خمینی، رشد بی‌رویهی تورم در اقتصاد ورشکستهی خمینی مستقیماً بر کارگران و زحمتکشان میهنمان فشار خواهد آورد و قدرت خرید آنها را هرچه بیشتر کاهش خواهد داد. کما اینکه نوریخس

### غارت دسترنج کارگران

هنوز بیش از ده روز از اظهارات خمینی جنایتکار نگذشته بود که "معتد رضائی" خائن از جانب شورای عالی کار رژیم خمینی اعلام کرد که به منظور جلوگیری از افزایش نرخ تورم، حداقل دستمزد کارگران در سال ۶۲ را افزایش نخواهد داد. چنانکه معتد رضائی قائم‌مقام

حال اگر این نمونه‌ها و دهها نمونهی دیگر را که هر روز بر مردم ستم‌دیده‌ی ایران و بخصوص اقشار و طبقات زحمتکش و محروم تحمیل می‌شود در کنار اراجیف این عنصر منفور و ضد بشر قرار دهیم، می‌بینیم که این مستضعف‌پناهی‌ها و حمایت از "کوخ - نشینان" و "ازبین بردن تبعیض در جامعه" در قاموس دجال قرن مفهومی جز غارت هرچه بیشتر دسترنج محروم‌ترین طبقات و اقشار جامعه ندارد.

مزروعی کشاورزان که با هزار خون دل پول جمع کرده و زمینی خریده و یا زمین‌هایی که از چنگ فتودال‌های غاصب خارج کرده و سال‌هاست روی آن کار کرده‌اند نیز چشم دوخته‌است. جوهر حرف سرپرست خائن اوقاف این است که کسانی که از این طریق صاحب زمین شده‌اند یا باید زمین‌ها را پس بدهند و یا مانند

خائن رئیس کل بانک مرکزی رژیم خمینی همین چند روز پیش (۲۶ فروردین) اعتراف کرد که در سال ۶۱ مهم‌ترین مشکل اقتصادی رژیم پس از رکود فعالیت‌های اقتصادی، تورم نسبی زیاد و افزایش قیمت‌ها بوده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌کنید که یکی از اساسی‌ترین مشکلات کارگران و سایر مزدبگیران نیز پائین آمدن قدرت خریدشان بوده است. دلایل مضحکی هم که قائم مقام خائن وزارت کار برای عدم افزایش حداقل دستمزد کارگران بهانه کرده‌است، اراجیفی بیش نیست. چرا که این افزایش ناچیز دستمزد کارگران نیست که موجب افزایش تورم می‌شود، بلکه خرج‌های بی‌حساب و کتابی همچون هزینه‌های سرسام‌آور جنگ تجاوزکارانهی خمینی و سرکوب داخلی و غارتگری‌های نجومی سرسپردگان خمینی است که عامل اصلی تورم می‌باشد و از این پس نیز خواهد بود.

### تصاحب

### زمین‌های کشاورزان

در همین زمینه عملکرد سال گذشتهی سازمان غارتگر اوقاف خمینی نیز قابل توجه است. سرپرست خائن سازمان اوقاف رژیم در تاریخ هشتم فروردین ماه امسال اعلام کرد که طبق ماده‌ی واحده‌ای که در کمیسیون نخست وزیری مجلس ضد خلقی خمینی به تصویب رسیده تمام

خائن وزارت کار و امور اجتماعی وقیحانه اظهار داشت: "بر این اساس قبل از شروع سال جدید شورای مزبور (شورای عالی کار) با توجه به وضعیت کشور در رابطه با جنگ تحمیلی عراق و محاصره‌ی غیرمستقیم اقتصادی و با توجه به اینکه هرگونه افزایش دستمزد، در افزایش نرخ تورم بدون اینکه کمک چندانی در افزایش

بلافاصله پس از اراجیف خمینی، طبق معمول سردمداران جنایتکار رژیم نیز به توضیح و تفسیر آن پرداختند و وعده و وعیدهای زیادی در رسیدگی به کوخ‌نشینان و حمایت از مستضعفین دادند.

قدرت خرید کارگران داشته باشد اثر خواهد گذاشت و سبب بالا رفتن قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید آن دسته از اقشار جامعه که افزایش حقوق ندارند خواهد شد، و با توجه به سیاست عمومی دولت در مورد تثبیت قیمت‌ها در سال جاری، قرار شد حداقل دستمزد همچنان ثابت بماند." (کیهان پنجشنبه ۱۱/فروردین/۶۲). در حالی که این مساله کاملاً روشن است که افزایش حداقل دستمزدها با رشد نرخ تورم سالانه رابطه‌ای مستقیم دارد و طبق قانون و حتی سنتی که در تمام جهان نیز پذیرفته شده است، در ازای افزایش تورم سالانه که موجب کاهش قدرت خرید کارگران و سایر حقوق‌بگیران ثابت می‌گردد، حداقل دستمزدها - بخصوص در مورد کارگران که بیش از همه تحت فشار تورم قرار می‌گیرند - نیز برای

هم‌اکنون نیز چشم‌انداز این بحران‌ها همچون کابوسی این دارودستهی جنایتکار را فراگرفته است، نغمه‌ی جدیدی ساز کرد. شیطان جماران در آغاز سال نو، با دعوت مردم به فقر و کوخ - نشینی می‌خواست به خیال خود، انتظارات آنها را در این سال بازهم پائین‌تر آورده تا زمینهی چپاول هرچه بیشترشان را فراهم سازد و افلاس و درماندگی رژیمش را از این طریق جبران نماید. او با دجالگری تمام به مستضعف - نمائی و مستضعف پناهی پرداخت و اظهارات مطمئنی در باب مزایای فقر و کوخ‌نشینی! ایراد کرد. خمینی حتی کارگزاران خیانت‌پیشه‌ی خود را نیز ظاهراً به خلق و خوی کوخ‌نشینی و پرهیز از کاخ‌نشینی دعوت نمود. البته روشن است که حنای دجالگری‌های امام فرومایگان دیگر برای زحمتکشان ما رنگی ندارد. آنها می‌دانند که خمینی از این مستضعف‌پناهی و دعوی کوخ‌نشینی هدفی جز غارت بیشتر همین مستضعفین و محروم‌تر کردن آنها ندارد. چرا که محرومان میهن‌مان فشار و سنگینی طاقت‌فرسای اقتصادی و اجتماعی روزافزونی که خمینی و

رژیم ضد بشری‌اش بر آنها تحمیل کرده‌است را هر روز با پوست و گوشت خود، بیشتر لمس می‌کنند. بلافاصله پس از اراجیف خمینی، طبق معمول سردمداران جنایتکار رژیم نیز به توضیح و تفسیر آن پرداختند و وعده و وعیدهای زیادی در رسیدگی به کوخ‌نشینان و حمایت از مستضعفین دادند. منجمله رفسنجانی جنایتکار سال جدید را "سال تلاش برای نجات جامعه از تبعیض" نامید و موسوی خائن هم امسال را "سال حمایت بیشتر از مستضعفین" خواند. اما چهره‌ی واقعی این مستضعف‌پناهی‌های خمینی و اعوان و انصارش را به بهترین شکل در عملکردهای ضد خلقی رژیم و اقدامات خائنانه‌ی کارگزارانش در جهت فشار روزافزون بر کارگران و زحمتکشان جامعه می‌توان مشاهده کرد، نه در شعر و شعارهای مستضعف‌پناهی!

### آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۶)

### رهنمودهائی

### پیرامون چگونگی اجرای "قرار"

شما منظم و برنامه‌ریزی شده است و اگر طرف مقابل سرقرار حاضر نشد، ارتباط شما حفظ می‌گردد؟

۷- ارتباط بعدی خود را مشخص کرده‌اید تا برای تداوم ارتباط به طرف مقابل بگوئید؟

۸- آیا ساعت، مکان و روزی را که قرار را اجرا می‌کنید یا در نظر دارید برای قرار آینده مطرح کنید طبق ضوابط تعیین شده و بخصوص به لحاظ امنیتی با دستورات گفته شده مطابقت دارد؟

۹- مدارکی که احیاناً به همراه دارید مشخص و دسته‌بندی شده می‌باشد و برای مسئولین روشن است که شما چه مدارکی به همراه دارید؟

بقیه از صفحه ۱۸

کاملاً مشخص است؟

۲ - آیا زمان خروج از پایگاه را متناسب با فاصله زمانی پایگاه تا قرار به اضافه‌ی زمان لازم برای ضدتعییب انتخاب کرده‌اید؟

۳- آیا هدف از اجرای قرار مشخص است و پیرامون مطالبی که می‌خواهید بگوئید فکر کرده و آنها را دسته‌بندی نموده‌اید؟

۴- در صورتی که غیرمسلح تردد می‌کنید، عادی‌سازی و محل مناسب دارید؟

۵- آیا برای چک علامت سلامتی برنامه‌ی خود را تنظیم نموده‌اید؟

۶- آیا قرارهای زاپاس

## سروده‌های مقاومت

به یاد "علی صبور" میلشیشیای  
قهرمانی که وقتی جسدش را تحویل گرفتند  
هنوز مشت‌گره کرده‌اش باز نشده بود

### بهار سبز از صبح سرخ

جنگل در حریق شبانه، صبوری می‌آموزد  
و درختان اسیر، هر یک با مشت‌هایی گره  
در امتداد سرخ سحر ایستاده می‌سوزند  
صدای آواز مردان عاشق را  
زنانی پاسخ می‌دهند که حتی  
گودگان در زهدانشان نیز  
از گزند تیر پلید شریان درامان نبودند  
روح شریر شب چه خواهد گفت؟  
در پاسخ سرخ خلقی که تلاطم ستاره‌هایش  
کهکشان ظلمات خوف را به آتش کشیده‌اند  
\* \* \*  
یک کهکشان لبریز از ستاره!  
یک دریا موج سرکش طوفان!  
یک سلسله صخره و آهن و پولاد!  
یک دشت لاله‌ی تبادار وحشی و گستاخ!  
این پاسخ سرخ ما به تیرک‌های سرد تیربارانست.  
در چارراه‌های سالی که چهار فصلش یک نام دارد  
و به انبوه مسحور زنان و مردانی  
که با چشمانی سرخ به تماشای جنازه‌های آویزان  
بر سیم‌های لخت جراثقال‌ها خیره شده‌اند.  
این پاسخ سرخ ستاره است  
به ابر سیاهی که هوس بلعیدن شبانه‌ی آسمان را کرده بود  
\* \* \*  
با خنجر بی‌تیزی کینه  
شب را به آتش کشیدند  
آن‌انکه سرافراز و شاداب و سپیدپوش  
از ضمیر پاک خاک روئیدند  
و در رویش آهسته‌ی صبح  
فواره‌های خون و فریاد رگبارشان پیشانی آسمان را سوزاند  
بی‌آنکه در تنگنای سرد و سنگین لحظات  
لبی به تردید بیالایند!

\* \* \*  
صبح می‌دمد در خرمنی از بلوغ "خوشه‌های خشم"  
و شگوه شعله‌ور مردان سپیدپوش  
جنگل را از اسارت می‌رهاند  
بهار سبز همیشه از صبح سرخ جوانه زده است.

۶۲/۱۱/۳ احمد راد

### بخوان بنام بهاران

بخوان بنام بهاران بخوان بنام امید  
بخوان بنام رهائی به یاد صبح سپید  
بخوان که گستر ایران ز لاله رنگین شد  
شفق ز خون شهیدان خلق خونین شد  
بخوان که آتش لاله گرفت دامن دشت  
سرود سرخ بهاران سکوت خانه شکست  
بخوان به بانگ مسلسل سرود رزم و نبرد  
در امتداد بهار و امید و نفرت و درد  
"بخوان بنام گل سرخ در صحاری شب"  
بدر نقاب ریا از تباهاگری شب  
چو دست پر شر ما به گار آزادیست  
بخوان که مقصد ما نوبهار آزادیست

۶۱/۱۲/۱۵ صدیقه‌ی شاهرخی

\* تضمین از م-سرشک

### همراه بهار آمدی

در ضربه‌های خنجر خورشید  
بر چادر سیاه شب  
در نعره‌های مستانه‌ی ستم  
هنگام که دژخیم بر همه جا فرمان می‌راند  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*  
در مرگ انجماد  
در زایش تحرک و پوشش  
در انعطاف سرخ یک انقلابی  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*  
و فاتح شدی روح عظیم توده‌ها را  
با پایداریت  
با صبر خونین و پردردت  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*  
بر مرکب خلوص و پاکبازی  
در طلایعی بیداری خلق  
تو در وضوح آمدی  
وقتی که سایه در احتضار بود  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*  
وقتی که سیلاب تملق  
افسار گسیخته در شهر جاری شد  
دستان تو نقاب از چهره دیو برافکند  
آنجا که خون یاران تو بر زمین ریخت و تو  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*

سروده‌ی مجاهد شهید مجید کیائی \*

در میعادگاه ستایش‌باران  
وقتی که چشمانم  
در انبوه مدعیان تنها ترا می‌جست  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*  
شاهد صداقت یک نسل گشتی  
شاهد غرش یک انقلاب زخم‌خورده  
در سرزمینی که بر آن دروغ جاری شد  
و فریب حاکمیت یافت، و تو  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*  
آمدی  
چون نفس نیاز و فقر در برابر خلق  
چون الگوی راستین صداقت در هجوم دروغ  
چون داغ شرف بر پیشانی بردگان  
و چون شکوفه‌هایی خونین، خونین‌ترین شکوفه‌ها  
بر جنگلی که پیام مرگ آنرا سر داده بودند  
و بدینسان  
همراه با بهار آمدی  
همراه با بهار آمدی  
\* \* \*  
مجاهد شهید میلشیشیای قهرمان مجید کیائی  
از جمله رزمندگان مجاهدی بود که در ماه‌های  
آغازین نبرد مسلحانه مجاهدین با دجال  
ضد بشر خمینی، به شهادت رسید و قبل از این  
زندگی‌نامه و برخی از سروده‌هایش را بچاپ  
رسانده‌ایم.

### میمن من، گشتزار بذرهای بهاران

بر خاک میمن پرافتخار من آهسته گام بردارید  
در هر وجب از خاک این خطه‌ی خونین  
از پاره‌های تن فرزندان دلاورش  
گنجینه‌ایست نهان  
- لحظه‌ای بایست، اندیشه کن!  
- آیا قلب پاک یک چریک در زیر گام‌های تونیست؟  
بر خاک میمن پرافتخار من آهسته گام بردارید.  
\* \* \*  
بر خاک میمن من در هر کرانه‌ای  
می‌دمد آن بهار،  
آن بهاران که شبانگاه در سنگرها برای ما سرود  
می‌خواند  
آن بهار که با تفنگی دردست دوشاودش ما  
می‌جنگد  
آن بهار که در پایگاه‌های انقلابیون  
برای کودکان یتیم ما لالائی می‌خواند.  
آه... ای گستر دشت‌های بیگران میمنم ایران  
ای جالیزها، گوهپایه‌ها  
می‌رسد بهارانی که سفره‌ی خالی دهقان را  
با حاصل هزار برابرتان رنگین کنید  
و بر فضای سرد گومه‌اش بوی خوش گندم افشانید  
می‌رسد بهارانی که آتش خفته در خاکستر صدها تنورده  
پس از سالیان سال  
دودکش خانه‌ی زن روستائی را پر دود کند  
می‌رسد بهارانی که

گودگان معصوم شهرها و روستاها  
شادی‌های کوچک خود را چون تکه‌های نان داغ  
با یکدیگر تقسیم کنند  
و آزادی را در بادهای بهاری ترانه بخوانند  
بر خاک میمن پرافتخار من  
گشتزار بذرهای بهاران، قلب‌های زنده‌ی شهیدان  
می‌رسد بهاران آبادی و آزادی  
فصلی که دستان پینه‌بسته‌ی کشاورزان  
لبریز خوشه‌های سبز و شاداب شوند  
و لب‌های آنان زمزمه‌گر شوند.  
آه... خمینی پلید رفت  
امسال سال رسیدن محصول، سال پرباری زمین  
سال مرگ مرگ و نابودی و فساد و قحطی است  
\* \* \*  
آه... ای دشت‌های حاصلخیز میمن پرافتخار من  
ایران قهرمان  
در سرتاسر خاک تو نبرد ادامه خواهد یافت  
در پرتو شعله‌های آتشین خورشید انقلاب  
تا کشت انقلاب بر خاک تو بدرخشد و بشکوفد و  
شعله‌زند  
تا آن فصل موعود بی‌تردید  
فصل عظیم درو  
فصل پیروزی برزیگران قهرمان انقلاب خلق  
بهار آزادی ایران  
مشهد - بهمن ۶۱

## گزارشی از مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ایران در یونان

## اعلام حمایت سه تن از شخصیت های مرفی یونانی از سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت در سال ۶۱ مراسمی به منظور بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ایران در کشورهای مختلف جهان برگزار نمود که در "مجاهد" شماره ۱۴۰ گزارش برخی از این مراسم درج گردید. در یونان نیز مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ایران توسط کمیته یونانی همبستگی با خلق ایران و نمایندگی شورای ملی مقاومت برگزار گردید که گزارش آن اخیراً به دست ما رسیده است. نظر به اهمیت این مراسم و بخصوص با توجه به حمایت سازمان ها، احزاب و شخصیت های مرفی و مبارز یونان از شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران و مقاومت عادلانه ی مردم ایران بر علیه رژیم ضد بشری خمینی، خلاصه ای از گزارش این مراسم را درج می کنیم:

مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ایران در یونان در تاریخ ۹ اسفند توسط کمیته ی همبستگی با خلق ایران و نمایندگی شورای ملی مقاومت برگزار شد. ایرانیان مقیم آتن و مردم یونان برگزار گردید. ابتدا مقدمه ای درباره ی برنامه ی بزرگداشت و اعلام برنامه توسط آقای استلیوس باباس، جامعه



مانولیس گلزوس دبیرکل حزب اتحاد دمکراتیک چپ، نماینده ی پارلمان و سردار ملی یونان پس از قرائت پیام همبستگی

شناس، حقوقدان و شخصیت سیاسی چپ مستقل یونان صورت گرفت و سپس یک دقیقه سکوت به خاطر گرامیداشت شهدای به خون خفته ی راه آزادی اعلام گردید و بعد از آن حضار بیخاستند و به سرود ایران زمین گوش فرا دادند. سپس آقای استریس استنگوس به عنوان نماینده ی کمیته ی همبستگی با خلق ایران سخن گفت و در رابطه با دلایل تشکیل کمیته و لزوم مبارزه برای احقاق حقوق مردم ایران، به عنوان بخشی از وظیفه ی مبرم همه ی مردم آزادیخواه جهان توضیحاتی داد. بعد از قرائت پیام ها و منجمله پیام حزب دمکرات کردستان ایران، آقای مانولیس گلزوس، دبیر کل حزب اتحاد دمکراتیک چپ و نماینده ی پارلمان یونان که سابقه ی

در این مراسم که به زبان های یونانی و انگلیسی برای مردم کشور یونان اجرا گردید، پیام های مسئول شورای ملی مقاومت و آقای رئیس جمهور بنی صدر توسط آقای "یانیس بهاراس" (اقتصاددان و شخصیت سیاسی چپ یونان) قرائت شد. این برنامه با حضور آقایان مانولیس گلزوس، دبیرکل حزب اتحاد دمکراتیک چپ، نماینده ی پارلمان یونان و قهرمان (سردار) ملی یونان، انگلوس دیاماندو-پولوس عضو کادر رهبری حزب کمونیست داخلی یونان، آقای پروتوپاپاس دبیرکل حزب سوسیال دمکرات، آتربی استانگوس روزنامه نگار معتبر و از شخصیت های برجسته ی چپ مستقل و دیگر شخصیت های ملی و مرفی یونان و همچنین نماینده ی شورای ملی مقاومت و با شرکت عمده ای از

در ادامه ی همین منطق و عملکرد به منافع اسرائیل و امپریالیسم آمریکا در منطقه خدمت می کند- جنگ نه تنها باعث تضعیف جبهه ی اعراب گشته است و به اسرائیل مجال تجاوز به لبنان و کشتار فلسطینی ها را داده بلکه باعث شده است که خمینی الزاما به خرید اسلحه از اسرائیل و رودروئی با نمایندگان مبارز خلق فلسطین، یعنی سازمان آزادیبخش فلسطین، کشانده شود.

ما مبارزین یونانی معتقدیم که نبرد خلق ایران بر علیه خمینی، در چارچوب مبارزات سیاسی و نظامی شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین نه تنها مبارزه ای است عادلانه، برحق و انقلابی، بلکه بخشی جدائی ناپذیر از مبارزات خلقها بر علیه خودکامگی، امپریالیسم، استبداد، تروریسم و استثمار خلقها می باشد. دیروز این مبارزه بر علیه شاه بود و امروز بر علیه خمینی و یا هر مهره ی دیگری که در راه مطلق طلبی و خودکامگی در این جهان قدم بردارد.

ما مطمئن هستیم که خلق ایران در نبرد خود بر علیه خمینی و امپریالیسم پیروز خواهد شد.

اطمینان داریم که خلق ایران در آغوش شورای ملی مقاومت و مجاهدین متحد گشته و در مقابل خودکامگی خمینی به مبارزه برخواد خاست.

اطمینان داریم که خلقهای تمام جهان در این مبارزه در کنار خلق ایران، در کنار مبارزین ایران، و در کنار شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خواهند بود.

مبارزان ایرانی! مبارزه برای آزادی، بر علیه خودکامگی، مطلق طلبی و امپریالیسم، مبارزه ای عام و مشترک است. خلق ایران پیروز خواهد شد.

آستریس استنگوس - یانیس بهاراس - استلیوس باباس \* ۷ فوریه ۱۹۸۳ آتن

\* آستریس استنگوس روزنامه نگار برجسته و شخصیت مستقل چپ، یانیس بهاراس اقتصاددان برجسته و شخصیت مستقل چپ، استیلوس باباس حقوقدان، جامعه شناس و شخصیت مستقل چپ

سه تن از شخصیت های مرفی و مستقل یونان در سالگرد انقلاب ۲۳ بهمن با ارسال پیامی ضمن محکوم نمودن سیاست های ارتجاعی جنگ طلبانه و جنایتکارانه ی رژیم خمینی، حمایت قاطع خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت اعلام داشتند. متن این پیام که اخیراً بدست ما رسیده بدین قرار است:

خلق کرد را با بمبهای ناپالم به آتش و خون کشیده است.

هزاران فرد و مبارز ایرانی را قتل عام کرده و حتی روحانیونی چون آیت الله آشوری را به قتل رسانده است.

دامنه ی این کشتارها شامل دهها مبارزی می شود که از زمان شاه زندانی بوده اند، مبارزینی چون مجاهد موسی خیابانی، مجاهد سعادت، مجاهد اشرف ربیعی (همسر رهبر مجاهدین، مسعود رجوی).

حتی دانش آموزان، وکلاء، نویسندگان و شعرا نیز از این اعدامها در امان نبوده اند. کودکان خردسالی چون فاطمه مصباح، ۱۳ ساله، نیز به جوخه ی اعدام سپرده شده اند.

ارتجاع نحت رهبری خمینی، منابع انسانی و مالی کشور را به تاراج داده است؛ پنج میلیون بیکار و چهار میلیون آواره ی جنگ، تماما از ثمرات سیاست رژیم خمینی است که در تلاش مذبحخانه برای بقا، خویش تلاش می کند.

ارتجاع تحت سیطره ی خمینی، از جنگ بعنوان حربه ای سیاسی استفاده می کند. جنگ با عراق، جدا از مسئولیت سنگین حکومت عراق، تابحال بیش از ۳۰۰/۰۰۰ کشته برای ایران و صدها هزار کشته برای عراق بجای گذاشته است. در این بین بیش از چهار میلیون ایرانی بدلائل سیاسی در خارج از کشور پناهنده ی اختیار کرده اند. جنگ باعث شده است که صدمات مادی بیشماری نصیب هردو خلق گردد.

با وجود این مصائب، هنگامی که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یکصد و نوزده کشور رای بر خاتمه ی جنگ دادند، تنها نماینده ی خمینی بود که خواهان ادامه ی جنگ شد. اما جنگی را که خمینی مصرانه خواهان تداوم آنست تا در پناه آن به سوء استفاده هایش ادامه دهد، تنها برای مردم ایران فاجعه انگیز نیست - خمینی

بمناسبت سالروز انقلاب ایران با درودهای انقلابی به خلق قهرمان ایران به رزم آوران آزادی و صلح به رهبر مجاهدین و انقلاب ایران، مسعود رجوی

مبارزین سراسر جهان و به همراه آنان مبارزین یونان، چهار سال پیش شاهد قیام خلق ایران بودند. قیامی بر علیه شاه و امپریالیسم، قیامی برای آزادی و استقلال، قیامی جهت برپائی جامعه ای که در آن خلق ایران می خواست با اتکا بر نیروی خود، صلح، همکاری و دموکراسی واقعی را برپای آورد. در آن زمان، همه ی ما شاهد بودیم که خمینی بر پایه ی خواسته های مردم، قولهای مساعد در مورد انتخابات آزاد، برقراری حقوق دمکراتیک تمامی خلق ایران، آزادی تمام اقشار جامعه و احقاق حقوق ملیت های ساکن ایران می داد. در آن هنگام ما همه امیدوار بودیم که شکنجه ها، زندانی شدن بدلائل سیاسی، سانسور و سرکوب، به همراه سرنگونی تاج و تخت شاه پایان پذیرد.

آری، ما همه امیدوار بودیم. اما امروز پس از چهار سال تصویری که از ملت رنج دیده ی ایران داریم حقیقتاً دردآلود است.

زیر سلطه ی خمینی، امروزه رژیم ارتجاعی در سرتاسر ایران روزنامه های مرفی و مخالف را بسته و سکوت وحشت آلود ناشی از خودکامگی را بر سراسر کشور گسترده است.

دانشگاهها را در احتراز از برخورد با دانشجویان مبارز به تعطیل کشاند.

با گسترش ترس و وحشت از تکفیر، محیطی ناامن را بطور مستمر بر جامعه ی ایران مستولی نموده است تا بتواند ملت ایران را مستقیماً به زیر یوغ خویش بکشد.

هزاران انسان مبارز را در شکنجه گاههایی که راهی جز به مرگ ندارند شکنجه کرده و می کند.

**لخته نفتی****: اهرم فشار رژیم خمینی****بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس؟!** 

بقیه از صفحه ۷

خمینی می خواهد حتی از لخته نفتی نیز ماهی بگیرد!!!

**سقا‌های رژیم خمینی****در کشورهای عربی****حوزه خلیج فارس****آب خیرات می کنند!!!**

در جریان باصلاح تلاشها و رفت و آمدهای ظاهر سازانهی کارگزاران رژیم جهت چاره جوئی برای مشکل لختهی نفتی، روز ۲۰ فروردین اسامال ولایتی وزیر امور خارجهی خائن رژیم طی دیداری با منتظری، گزارشی از کمبود آب آشامیدنی در امیر - نشینهای خلیج فارس ارائه نمود. طبق این برنامهی از پیش طرح شده، نایب سفیه خمینی باصلاح برای محبوبالقلوب

خمینی را ملاحظه می کنید که بفاصلهی یک شب! پس از صدور دستور شروع برنامه، ۲۰ تریلر بطری آب به سمت جنوب روانه می شود!!! اما جالب اینکه، سرپرست بنیاد در مصاحبهی در روز ۲۲ فروردین اعلام می کند: "...کشورهائی که باید آب ارسال شود را، وزارت امور خارجه تعیین خواهد کرد..." بدنبال آن سفرای سرسپردهی

باور نخواهد کرد که هدف رژیم از این تبلیغات سراسر سالوس و ریا و فریبکاری نفرت بار، دلسوزی برای تشنگی و کم آبی مردم عرب مناطق جنوبی خلیج فارس است. چرا که برای تمام کسانی که از ابتدا تا کنون در جریان لکهی نفتی خمینی باشند این سوال مطرح است که اگر رژیم ضدانسانی خمینی دلش به حال کم آبی مردم منطقه

**موسوی نخست وزیر خائن رژیم طی مصاحبهی در تاریخ ۱۴ فروردین اعلام نمود: "...چاههای نفتی نوروز از نظر مادی در مقایسه با تعداد بی شمار چاههای نفت دیگر هیچ ارزشی ندارد..."**

می سوزد، چرا بجای سقائی و خیرات آب، دست از کارشکنی و مسئله سازی در راه حل مسئلهی لختهی نفتی بر نمی دارد و تعدا با عدم قبول هرگونه چاره اندیشی در حوزهی چاههای آسیب دیده، کنفرانس حفظ محیط زیست را با شکست مواجه می کند؟

خمینی در کشورهای عربی حوزهی خلیج براه افتادند تا دولت های مربوطه را از محمولهی اهدائی خمینی و البته شرط و شروط آن آگاه سازند. بعنوان نمونه این خبر که در روز ۲۱ فروردین از رسانه های رژیم پخش شد، به تنهائی گویای این هدف تبلیغاتی نفرت آور رژیم

رژیم خمینی ثابت کرد که علیرغم لاف و گزافهائی تو خالی اش در زمینهی برخورد فعال در کنفرانس محیط زیست و علیرغم تبلیغات مسخره آمیزش در مورد خیرات آب در بین مردم منطقه، نه تنها کمترین احساس مسئولیتی در رابطه با حل مشکل مردم منطقه که در اولین گام مستلزم برقراری حداقل آتش بس محدود است، ندارد بلکه عملا اعلام نمود که تنها پاسخ نیش به مسئله، همانا جنگ است و بس!

شدن در منطقه، دستور تاهمین آب این امیرنشینها را صادر نمود. روز بعد در اجرای نقشهی تزویر آمیز فوق، نخست وزیر خمینی اعلام نمود که بنا بر دستور منتظری، وزارت خانه های بازرگانی، راه و ترابری، امور خارجه و بنیاد مستضعفان را مامور اجرای امر آبرسانی اهدائی رژیم به امیرنشینهای منطقه نموده است. جالب اینجاست که روز بعد از حکم نخست وزیر خمینی، بنیاد مستضعفان اعلام نمود که ۲۶۴ هزار بطری یک و نیم لیتری آب توسط بیش از ۲۰ تریلر به بندر عباس ارسال نموده تا از آنجا بوسیلهی کشتی در امیرنشینهای خلیج فارس پخش شود! نقشه و طرح برنامه ریزی شدهی رژیم

خمینی است: "...سفیر ایران در امارات متحده در ملاقاتی با وزیر بهداری این کشور ضمن افاش ماهیت رژیم صهیونیستی عراق اظهار داشت: چنانچه دولت امارات نیاز به آب آشامیدنی داشته باشد، جمهوری اسلامی آمادگی دارد که مجانا آنرا در اختیار ملت مسلمان امارات قرار بدهد...!!" مفهوم این دلالتی ننگ آور این است که ارسال بطریهای "خیراتی" آب آشامیدنی از سوی رژیم خمینی به کشورهای منطقه، دقیقا بستگی به نحوهی موضعگیری آنها در قبال مسئلهی لختهی نفتی دارد. بدیهی است که ماهیت ضدانسانی رژیم خمینی و سیاست دجال گونهی او آنقدر روشن است که هیچکس

جالبتر از همه اینکه، درست در شرایطی که کشورهای حوزهی خلیج در تب و تاب فعالیت برای یافتن راهی جهت موفقیت کنفرانس فوق الذکر بودند، رژیم جنگ طلب خمینی تهاجم جدید نظامی خود را از ناحیهی فکه آغاز نمود. بدین ترتیب رژیم خمینی ثابت کرد که علیرغم لاف و گزافهائی تو خالی اش در زمینهی برخورد فعال در کنفرانس محیط زیست و علیرغم تبلیغات مسخره آمیزش در مورد خیرات آب در بین مردم منطقه، نه تنها کمترین احساس مسئولیتی در رابطه با حل مشکل مردم منطقه ندارد بلکه عملا اعلام نمود که تنها پاسخ نیش به مسئله، همانا جنگ

**گزارشی از مراسم بزرگداشت****چهارمین سالگرد انقلاب ایران****در یونان**

بقیه از صفحه ۲۱

جانبازیها و خونفشانیهایی بسیاری که برای آزادی و دمکراسی کرده اند؛ شایستهی ایرانی آزاد، مستقل و دمکراتیک می باشند. لازم به تذکر است که متن حمایت حزب سوسیالیسم دمکراتیک در "مجاهد" شماره ۱۴۰ درج گردیده است. سپس نمایندهی شورای ملی مقاومت در یونان به مناسبت بزرگداشت چهارمین سال انقلاب ۲۲ بهمن سخنانی ایراد کرد و ضمن بر شمردن جنایات شاه و خمینی در سرکوب مردم ستمدیدهی ایران از همهی مردم آزادخواه یونان خواست تا شورای ملی مقاومت، متشکل از نیروهای دمکرات و مترقی ایرانی را مورد حمایت قرار دهند. بعد از سخنرانی نمایندهی شورا، اسلایدی به نام شورای ملی مقاومت به نمایش گذاشته شد که مورد توجه حضار قرار گرفت و سپس برنامه با سرود آزادی پایان یافت.

درخشانی در مبارزه علیه نازیها دارد آغاز به سخن کرد. وی که سالیان دراز در زندانهای دیکتاتورهای نظامی یونان بسر برده است خود شخصا طعم آزار و شکنجه را چشیده و به مناسبت مقاومت های دلیرانه اش بر علیه اشغالگران نازی، به عنوان قهرمان (سردار) ملی یونان شناخته می شود. (متن سخنرانی آقای مانولیس گلزوس در همین صفحه درج شده است).

بعد از گلزوس، آقای پروتو-پاپاس دبیر کل حزب سوسیالیسم دمکراتیک، حمایت حزب خود را از شورای ملی مقاومت و مقاومت خلق ایران اعلام نمود و اشاره کرد که حمایت از انقلاب و مقاومت مردم ایران بر علیه یکی از خشن ترین و دیکتاتورترین رژیم های کنونی وظیفهی همهی آزادخواهان و نیروهای دمکراتیک یونان و جهان است. وی اشاره کرد مردم ایران با

**متن سخنان مانولیس گلزوس****(قهرمان ملی، نماینده پارلمان و دبیر کل****حزب اتحاد دموکراتیک چپ یونان) در حمایت****از مقاومت مردم ایران و شورای ملی مقاومت**

سالگرد سرنوشتی رژیم شاه به ملت ایران درود می فرستد. ملت ایران از یکسو شادمان است و از سوی دیگر متأسف زیرا که موفق نشد تا دموکراسی را مستقر نماید. ما یونانی ها نسبت به مسائل آزادی و دمکراسی بسیار حساس هستیم، زیرا به اندازهی کافی در این مورد سختی کشیده و تجربه کسب کرده ایم. می توانیم بگوئیم که مسائل مربوط به استقلال ملی و آزادی دو مسأله ای هستند که یکی یاور دیگری است. ساده نیست که استقلال ملی وجود داشته باشد بدون این که در جامعه دمکراسی باشد و بدین دلیل ( E.D.A. ) از شورای ملی مقاومت در مبارزه اش برای برقراری دمکراسی حمایت می کند و آرزو دارد که هر چه زودتر در این هدف پیروز گردد.

دوستان! متأسفم که قدری دیر به جلسه رسیدم و مجبورم سریعاً بروم که در جلسه ای در پارلمان شرکت دارم. از پارلمان آمدم تا با حضور خود علاقه ای ( E.D.A. ) را به مردم ایران و مبارزه ای که برای برقراری دموکراسی انجام می دهند نشان دهم. ( E.D.A. ) در چهارمین

است و بس! با توجه به مراتب فوق روشن می شود که جز با سقوط رژیم جنایتکار و جنگ طلب خمینی، اساساً برای مسائلی از این قبیل نیز راه حل بنیادی و اساسی وجود ندارد و حتی در صورت حل مقطعی مشکل لختهی نفتی نیز باید منتظر مسئله سازی های مشابهی بود.

\*\*\*

## جلوگیری از سخنرانی

### نماینده خمینی در کنفرانس ۷۷

### نشانه دیگری از

### ایزولاسیون کامل بین المللی رژیم

توسل به تبلیغات دجالگونه و براه انداختن هو و جنجال در مجامع بین المللی - که از عقب ماندگی تاریخی و ماهیت مادون ارتجاعی خمینی سرچشمه می گیرد - یکی از شیوه‌ها، متداولی بوده است که همواره رژیم دجال خمینی به منظور خروج از ایزولاسیون بین المللی

وقتی نوبت به سخنرانی عزیزی خائن قائم مقام وزارت امور خارجه و نماینده رژیم خمینی در این کنفرانس شد، او بجای صحبت درباره‌ی موضوع کار کنفرانس، به تبلیغات بی ربطی به نفع دجال جماران پرداخت و شروع به تشریح سیاست‌های ارتجاعی رژیم خمینی نمود.

بکار بسته است. بطوری که نمایندگان رسمی رژیم در هر مجمع جهانی و پای هر تریبونی سعی کرده‌اند در جهت شیادی‌های امام فرومایه‌شان بهره‌برداری کنند. و هرگاه که رژیم هیئت اعم از سیاسی، اقتصادی، تجاری، صنعتی، ورزشی و ... به خارج از کشور و به مجامع بین المللی اعزام کرده است، پشت سر آن نیز کاروانی از عکس و اعلامیه و پوستر و مبلغ و ... نیز براه انداخته است.

البته رژیم دجال خمینی در مواردی - بخصوص در مورد کنفرانس‌های مربوط به حقوق بشر - این شیوه را به منظور دیگری نیز بکار گرفته است. بدین مفهوم که هرگاه خواسته است از پاسخ دادن به اتهاماتی که در زمینه‌ی سرکوب و شکنجه و کشتار و نقض حقوق بشر در ایران صورت می‌گیرد، فرار کند و به اصطلاح قافیه برایش تنگ آمده است، به چنین حیل‌های متوسل گردیده است. ولی از آنجا که رژیم ضد بشری خمینی در این زمینه به هیچ چارچوب و پرنسیپ بین‌المللی پایبند نبوده است، او را هر بار بیش از پیش در میان کشورهای جهان به انزوا کشانده است و کوس رسوایش در تمام جهان بصدادرآمده است.

مثلا هنگامی که توکلی خائن وزیر کار و امور اجتماعی وزارت امور خارجه و نماینده رژیم خمینی در این کنفرانس شد، او بجای صحبت درباره‌ی موضوع کار کنفرانس - یعنی مسائل اقتصادی مربوط به توسعه و تجارت - به تبلیغات بی ربطی به نفع دجال جماران پرداخت و شروع به تشریح سیاست‌های ارتجاعی رژیم خمینی نمود و کشورهایی را که نمایندگانشان در آنجا حاضر بودند وقیحانه مورد فحاشی قرار داد. به طوری که رئیس کنفرانس چندین بار صحبت‌های او را قطع نمود و به او اخطار کرد که خارج از موضوع کار کنفرانس سخنرانی نکند. اما او بازهم با زیر پا گذاشتن همه‌ی پرنسیپ‌های بین المللی به صحبت‌های خارج از محدوده‌اش ادامه داد. این شیوه‌ی وقیحانه‌ی برخورد موجب انزجار و تنفر

## اعتراف آشکار خمینی

### در مورد کشیدن خون زندانیان سیاسی

### برای پاسداران ضد خلقی

رسماً نیز به آن اعتراف می‌کند. این اقدام جنایتکارانه و ضد بشری سند گویای دیگری است بر اینکه خمینی خون‌آشام علاوه بر اینکه روزانه دهها نفر از زندانیان سیاسی را به جوخه‌های اعدام می‌سپارد و هزاران نفر را تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار می‌دهد، با ابداع و بکار گرفتن ضد خلقی‌ترین شیوه‌های شکنجه و کشتار، دهها هزار نفر دیگر از زندانیان سیاسی را که دوران محکومیت خود را می‌گذرانند نیز در بدترین شرایط ممکن قرار داده است.

جبهه‌ها زخمی شده‌اند مجاز شمرده بود. البته قبل از صدور رسمی این حکم ضدبشری، مسالهی خون گرفتن از محکومین به اعدام از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران افشاء شده بود، اما انتشار این حکم ضدبشری عمق رذالت و جنایت‌پیشگی خمینی خون-آشام را بیشتر روشن ساخت. اما این بار رژیم ددمنش خمینی دست به جنایتی فجیع‌تر زده و اقدام به گرفتن خون کلیه‌ی زندانیان سیاسی (چه آن‌ها که در آستانه‌ی اعدام قرار دارند و چه آن‌هایی که محکوم به زندان شده‌اند) نموده است و

بقیه از صفحه‌ی آخر  
زندان عادل آباد شیراز - که به دعوت مسئول جنایتکار "سیاسی - ایدئولوژیک" زندان و توسط یکی از واحدهای سازمان انتقال خون در اواسط اسفندماه گذشته صورت گرفته است - اشاره کرد. (روزنامه اطلاعات ۱۷/اسفند/۶۱) لازم به توضیح است که خمینی جنایتکار برای پرده‌پوشی این اقدام فجیع خود، مدعی شده است که گویا این خود زندانیان سیاسی (آن هم تحت عنوان توأبین!) بطور داوطلبانه!! و همراه با شعار دادن به نفع خمینی!! خون خود را اهداء کرده‌اند!! اما جالب اینکه بر اساس ضرب‌المثل معروف "دروغگو کم حافظه است" در پایان همان گزارش تبلیغاتی رژیم مندرج در اطلاعات ۱۷/اسفند/۶۱، صریحاً تأکید شده است که: "برنامه‌ی اهداء خون زندانیان بندهای مختلف زندان عادل آباد، به مدت یک هفته ادامه خواهد داشت.!!"

همانطور که می‌دانیم در اواسط پائیز سال ۶۰ دادستانی ضدانقلابی خمینی خطاب به کلیه‌ی دادستانی‌های کشور حکم مکتوبی که مستند به فتوای امام خون‌آشامشان بود، صادر کرد که بر اساس آن کشیدن خون زندانیان سیاسی محکوم به اعدام را - قبل از اعدام - برای تأمین خون پاسداران مزدوری که در درگیری با مجاهدین و یا در

وزارت امور خارجه و نماینده رژیم خمینی در این کنفرانس شد، او بجای صحبت درباره‌ی موضوع کار کنفرانس - یعنی مسائل اقتصادی مربوط به توسعه و تجارت - به تبلیغات بی ربطی به نفع دجال جماران پرداخت و شروع به تشریح سیاست‌های ارتجاعی رژیم خمینی نمود و کشورهایی را که نمایندگانشان در آنجا حاضر بودند وقیحانه مورد فحاشی قرار داد. به طوری که رئیس کنفرانس چندین بار صحبت‌های او را قطع نمود و به او اخطار کرد که خارج از موضوع کار کنفرانس سخنرانی نکند. اما او بازهم با زیر پا گذاشتن همه‌ی پرنسیپ‌های بین المللی به صحبت‌های خارج از محدوده‌اش ادامه داد. این شیوه‌ی وقیحانه‌ی برخورد موجب انزجار و تنفر

سه شنبه ۱۷ اسفندماه  
۱۳۶۱ - شماره ۱۶۹۲

### ۲۰۰ تن از توأبین زندان عادل آباد شیراز، خون خود را به رزمندگان جبهه‌ها، اهداء کردند

گروهی از توأبین زندان عادل آباد، شیراز خون خود را به رزمندگان جبهه‌ها به حق علیه باطل اهداء کردند. به دعوت مسئول بخش سیاسی - ایدئولوژیک زندان عادل آباد، یکی از واحدهای سازمان انتقال خون شیراز در محل زندان حاضر شد و ۲۰۰ تن از توأبین این زندان مقداری از خون خود را اهداء کردند.

به گزارش واحد مرکزی خبر از شیراز، این ۲۰۰ تن که نخستین گروه از توأبین زندان عادل آباد هستند در حالیکه شعار میدادند: «توأبین حزب الله - پیشمرگان روح الله»، خون خود را به رزمندگان اسلام اهداء کردند. برابر همین گزارش، برنامه‌ی اهداء خون زندانیان بند های مختلف زندان عادل آباد، به مدت یک هفته ادامه خواهد داشت.

حقیقتاً که رژیم خمینی و رجالگان پلید آن نه فقط در جنایات ضدبشری بلکه در وقاحت و رجاله‌گری نیز سرآمد همه‌ی اقربان تاریخی خود محسوب می‌شوند و هر روز رکوردهای جدیدی را در این زمینه برجای می‌گذارند. این اقدامات دجالگونه و رسوای نمایندگان رسمی رژیم خمینی - که از طرفی نشان‌دهنده‌ی ماهیت عقب‌مانده‌ی تاریخی‌اش نیز هست - در مجامع مختلف بین المللی بیش از پیش موجب منزوی شدن جهانی رژیم شده است. به طوری که در تمامی این مجامع اکثریت نمایندگان سایر کشورها یا رژیم را محکوم نموده‌اند و یا حداقل اینگونه اقداماتش را مورد تقبیح قرار داده‌اند.

سایر نمایندگان شد و بالاخره رئیس کنفرانس را مجبور کرد که از ادامه‌ی صحبت‌های عزیزی خائن جلوگیری بعمل آورد. نماینده‌ی خمینی دجال خود در این باره پس از پایان کنفرانس طی مصاحبه‌ی مطبوعاتی با وقاحت تمام اظهار داشت: "امروز وقتی که به عنوان رئیس هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران مشغول نطق در کنفرانس بودم سخنان من چند بار به بهانه‌ی این که حاوی مواضع سیاسی و خارج از موضوع کنفرانس است قطع شد... متأسفانه مجبورم تمام ماندن سخنان خودم را در این کنفرانس به عنوان یک نقطه‌ضعف برای کنفرانس درجهت - گیری آن برای برقراری یک نظام اقتصادی نودرجهان تلقی کنیم." (روزنامه‌ی کیهان ۲۰/فروردین/۶۲)

# شرکت نمایندگان شورای ملی مقاومت ایران بعنوان عضو ناظر در شانزدهمین کنگره بین الملل سوسیالیست و حمایت کنگره از طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران

بقیه از صفحه ۵

ویشنفسکی، هوت زیگر، زیگر مسئولین احزاب سوسیال دمکرات و سوسیالیست آلمان فدرال، فرانسه و سوئیس، روسای هیئت‌های نمایندگی احزاب سوسیالیست و مترقی کشورهای تونس، مراکش، قبرس، گینه اکاتویال، ترکیه که همگی آنها مخالف با رژیم مستقر در کشور خود می‌باشند و بالاخره دهها ملاقات دیگر با نمایندگان احزاب سوسیالیست اسپانیا، پرتغال، کشورهای اسکاندیناوی، اتریش، هلند و نمایندگان جبهه‌های آزادیبخش مختلف جهان از جمله نماینده نهضت آزادیبخش فلسطین و ...

در همگی این ملاقات‌ها نمایندگان شورا ضمن افساء رژیم خمینی توجه مخاطبین خود را بیش از پیش به موضوع جنگ جلب نمودند. در نتیجه عده‌ای از ناطقین کنگره بویژه آقایان ماریو سوارز، لیونل ژوسپن و چند نفر دیگر ضمن بیانات خود در مورد لزوم پایان دادن به جنگ ایران و عراق صحبت کردند. باین ترتیب مقدمات اضافه کردن اصلاحیه‌ای به قطعنامه کلی، با توجه به طرح صلح شورای ملی مقاومت بوجود آمد.

## حمایت بین الملل سوسیالیست از طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران

باین ترتیب در جلسه نهای کنگره (۱۰ آوریل) که برنامه‌ی آن تصویب قطعنامه‌ها بود، به پیشنهاد آقای لیونل ژوسپن دبیرکل حزب سوسیالیست فرانسه و معاون بین‌الملل سوسیالیست قطعنامه‌ی زیر باتفاق آرا بتصویب رسید:

### متن قطعنامه

"ادامه‌ی جنگ بین ایران و عراق که طی دهه‌ی اخیر بیشترین تعداد قربانی را بوجود

آورده است توان اقتصادی و انسانی دو کشور را بخطر انداخته و لذا تمامی صلح منطقه را تهدید می‌کند. بین‌الملل سوسیالیست باید تمامی مساعی خود را بکار برد تا طرفین محاصمه پیشنهادات صلح سازمان ملل متحد، جنبش کشورهای غیرمتعهد، کنفرانس اسلامی و شورای ملی مقاومت ایران را بپذیرند."

از سوی دیگر در نتیجه‌ی فعالیتهای خستگی‌ناپذیرخواهران عضو انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور و مراجعی آنها به مسئولین بین‌الملل سوسیالیست زنان در فرانسه و سایر کشورهای اروپا و جهان و ارائه‌ی انواع اسناد و مدارک به آنان در رابطه با جنایات خمینی دجال بطور کلی و بویژه نسبت به زنان و کودکان میهن‌ما، سازمان مذکور تصمیم به تصویب قطعنامه‌ی در این مورد گرفت. متن زیر ترجمه‌ی قطعنامه‌ی است که دوازدهمین کنگره‌ی بین‌الملل سوسیالیست زنان طی اجلاس روزهای ۳۰ و ۳۱ مارس ۱۹۸۳ خود در الگراو پرتغال بتصویب رسانیده است:

## قطعنامه صادره از طرف کنگره بین الملل سوسیالیست زنان در مورد همبستگی با زنان ایران

قطعنامه در مورد همبستگی با زنان ایران، بین‌الملل سوسیالیست زنان، رژیم مذهبی و مطلق‌گرای استبدادی را که آیت‌الله خمینی در ایران ایجاد نموده بشدت محکوم می‌نماید. روند اوضاع ایران نشان می‌دهد که در این کشور زنان مورد سرکوب ویژه‌ای می‌باشند. از مجرای قانونگذاری با استفاده از مجازات مرگ ... و حجاب اجباری سعی در اعاده‌ی شرایط قرون وسطائی گردیده و با سیستم جدید تمایز خانواده و مدرسه و جامعه زنان از زندگی

آزاد محروم می‌باشند. بین‌الملل سوسیالیست زنان همبستگی خود را با کلیه‌ی زنان ایرانی که علیه رژیم تئوکراتیک و سلطه‌طلب ملایان مبارزه می‌کنند اعلام می‌نماید.

بین‌الملل سوسیالیست زنان همچنین علیه شکنجه، دستگیری خودسرانه، محاکمات بدوی و مجازاتهای مرگ که مفهومی جز کشتار سیاسی ندارد اعتراض می‌نماید. زنانی که بدلائل گوناگون زندانی می‌شوند تحت ستم ویژه‌ای بوده و زندگی بینهایت مشقت‌باری دارند. در ایران زنان مورد شکنجه و تجاوز قرار می‌گیرند، قبل از اعدام مجبور به ازدواج با پاسدارها می‌گردند و زنان حامله زندانی می‌شوند.

ما علیه روش دولت ایران در رفتار با زندانیان قویا اعتراض نموده و خواستار توقف بی‌درنگ این رفتار غیرانسانی می‌باشیم. (متن قطعنامه‌ی بین‌الملل سوسیالیست زنان، کنگره ۱۲ صفحه ۳۱).

اکنون به دو گزارش از

روزنامه‌ی لیبراسیون و لوموند درباره‌ی انعکاس طرح صلح شورای ملی مقاومت در کنگره‌ی بین‌الملل سوسیالیست در پرتغال توجه نمایند:



MARDI 12 AVRIL 1983

... کنگره‌ی انترناسیونال سوسیالیست که در پرتغال گردهم‌آئی دارد، قطعنامه‌ی در مورد جنگ خلیج تصویب کرده است. در این قطعنامه خاطرنشان شده است که "ادامه‌ی این جنگ که بیشترین میزان قربانی را طی چهار سال اخیر بجا گذاشته است، قدرت اقتصادی دو کشور را شدیداً به زیر سوال برده و در نتیجه صلح را در تمام منطقه به مخاطره می‌اندازد." بنابراین قطعنامه‌ی انترناسیونال: "باید

کلیه‌ی تلاش‌ها بکار گرفته شود تا طرفین متخاصم پیشنهادات صلح سازمان ملل متحد، کنفرانس اسلامی و شورای ملی مقاومت ایران" (به رهبری مسعود رجوی و رئیس‌جمهور سابق بنی‌صدر) را بپذیرند...

## Le Monde

Mardi 12 avril 1983

... هیئتی از شورای ملی مقاومت ایران، به رهبری آقای مسعود رجوی پافشاری کرد که در قطعنامه‌ی نهائی به جنگ ایران و عراق نیز اشاره شود. اقدامات وی با موفقیت همراه بود چرا که برطبق پیشنهادات سوسیالیست‌های فرانسه، اعضای کنگره اصلاحیه‌ای تصویب کردند که بر طبق آن "انترناسیونال باید کلیه‌ی تلاش‌ها را بکار گیرد تا طرفین در جنگ پیشنهادات سازمان ملل، جنبش کشورهای غیرمتعهد، کنفرانس اسلامی و شورای ملی مقاومت ایران را بپذیرند..."

## يك نمونه از شگردهای خائنانه رژیم خمینی ...

بقیه از صفحه آخر

رژیم خمینی ۶ میلیون تن نفت به سوریه می‌فروشد و به جایش پول ۵ میلیون تن را دریافت می‌کند، در ظاهر هم برای سرپوش گذاشتن بر روی این ارزان‌فروشی خائنانه، یک میلیون تن آن را برای عوام فریبی و به مثابه‌ی خمس درآمد! برای با صلااح مبارزه‌با صهیونیسم! حاتم بخشی می‌نماید!

با معاملات اقتصادی اخیر رژیم خمینی با سوریه جلب می‌کنیم. در نیمه‌ی اول فروردین امسال، رژیم خمینی قرارداد نفتی جدیدی با سوریه منعقد نمود. هر چند مقامات رژیم منجمله غرضی خائن وزیر نفت خمینی سعی نمودند تا در لفافه‌ی تبلیغات عوام‌فریبانه، فروش ارزان نفت را مخفی نگاهدارند. اما وزیر نفت سوریه ماهیت این معامله را به صورت روشن‌تری تشریح نمود. او که همراه هیئت

کاهش قیمت پایه‌ی نفت اوپک (از ۳۴ دلار به ۲۹ دلار)، در پایان سال گذشته بود. گو اینکه سیاست وطن‌فروشان‌ی رژیم خمینی در این رابطه با توجه به ماهیتش چندان تعجب‌برانگیز نیست، اما نکته‌ی قابل توجه، شیوه‌ها و تاکتیک‌های رژیم برای پوشیده نگاهداشتن معاملات خائنانه‌اش در رابطه با فروش ارزان قیمت نفت می‌باشد. بعنوان نمونه نظر شما را به یک مورد از این شگردهای خائنانه در رابطه

اقتصادی سوریه برای انجام این قبیل قراردادهای اقتصادی میان وزارتخانه‌های مختلف رژیم در حال گشت‌وگذار بود، در مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۶ فروردین اعلام نمود که: "... امسال موافقت‌نامه‌ی جدیدی بین دو کشور به امضاء رسید که در آن ۶ میلیون تن نفت قید شده است. یک میلیون تن آن از جانب دولت ایران بعنوان کمک به سوریه برای مقابله با دشمن صهیونیستی و آمریکا و امپریالیزم جهانی اختصاص داده شده و ۵ میلیون بقیه به قیمت رسمی خریداری می‌شود...!!" کلاه شرعی رژیم جنایتکار خمینی را ملاحظه می‌کنید که در واقع ۶ میلیون تن نفت می‌فروشد بجایش پول ۵ میلیون تن را دریافت

بقیه در صفحه ۱۶



## مادران مجاهد خلق قهرمانان عاطفه، آگاهی و ایمان

بقیه از صفحه ۹

در آذرماه ۵۹ با تعدادی از مادران و خواهرانی که پس از دستگیری و شکنجه‌های فراوان توسط دژخیمان خمینی، از زندان آزاد شده بودند، دیدار کرد. طی این دیدار که گزارش آن در نشریه شماره ۱۰۲ مجاهد (مورخ ۲/دی/۱۳۵۹) چاپ گردید، مادران مجاهد در مورد شکنجه‌ها و وحشی‌گری‌های

اعتراض به دستگیری مجاهد قهرمان، شهید محمدرضا سعادت و تحصن در دادگستری، اولین حرکت اعتراضی مادران در این مرحله بود. این تحصن در فضای پرتنه‌ی آن روزها از اهمیت خاصی برخوردار بود و ناشی‌ات اجتماعی گسترده‌ای داشت. پس از این تحصن

مالی و نظامی برای زندگان مجاهد گرفته تا دفاع از فرزندان شهید و اسیر خود و رساندن پیام آنان به گوش مردم، حضور فعال خود را نشان دادند. به این ترتیب مادران مجاهد خلق با اتکاء به چنین حرکت آگاهانه و پرشوری این حقیقت را برای همیشه در دل تاریخ ثبت کردند که - برخلاف نظر آنانکه می‌گویند مجاهدین بعثت جوان بودن



راه‌پیمائی اعتراضی مادران در ۷ اردیبهشت ۶۰ سرانجام بوسیله‌ی مزدوران خمینی و بدستور مستقیم خود او به گلوله بسته شد و ۲ نفر شهید و تعدادی مجروح گردیدند.

بدرد حاکمیت نمی‌خورند و آنها باید مبارزه کنند و شهید شوند و دیگران به حاکمیت برسند - در سنگر مجاهد زن و مرد، پیر و جوان و مادر و فرزند دوشادوش هم به نبردی تاریخی و دوران‌ساز با دشمن بشریت -

زندان‌بانان جنایتکار خمینی مفعلا گزارش دادند. به این ترتیب مادران مجاهد با به‌جان خریدن همه‌ی توهین‌ها، افتراآت، ضرب و جرح‌ها، دربدری‌ها و ... و طی دو سال و نیم فعالیت گسترده‌ی سیاسی در کنار فرزندان مجاهدشان، نقاب فریب و ریا را از چهره‌ی خمینی برکشیدند و پس از آشکار ساختن ماهیت دجال و ضد بشری او، خود را برای نبرد تمام عیار با این دیو ضد بشر آماده ساختند.

مادران مجاهد خلق با شرکت فعال در تمامی صحنه‌های نبرد مسلحانه، درخشان‌ترین فصل تاریخ حرکت خود را رقم زدند. آنها هم قهرمانانه در صف مقدم و رویاروی نبرد در پایگاه‌های مقاومت مجاهدین و در شکنجه‌گاه‌های خمینی جلاد حماسه آفریدند، و هم با تلاش و فداکاری و صف‌ناپذیری در تمام فعالیت‌های پشت جبهه، از تهیه‌ی امکانات و تدارکات گوناگون

تا راه‌پیمائی ۷ اردیبهشت، مادران بارها و بارها با تحصن در مرکز امداد پزشکی اجتماع در جلو زندان و کمیته‌های ضد خلقی و ... در جهت احقاق حقوق غصب شده‌ی خلق و اعتراض به جنایات رژیم خمینی منجمله در رابطه با فرزندان مجاهدشان که یا در زندان‌ها مورد شکنجه و آزار قرار گرفته بودند و یا در مراکز فعالیت خود، مورد هجوم فالانژها و پاسداران مسلح ارنجاع واقع شده بودند، تلاش کردند. هم‌چنین فعالیت‌های مادران در زمینه‌ی تبلیغات انقلابی از جمله پخش نشریه و برپائی دکه و ... چشمگیر بود و در این رابطه بسیاری از آنان نیز حتی مدت‌ها قبل از ۳۰ خرداد ۶۰ توسط رژیم خمینی دستگیر و شدیداً مورد شکنجه قرار گرفتند. لازم به یادآوری است که سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی

## پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به شانزدهمین کنگره بین‌الملل سوسیالیست

بقیه از صفحه ۴

عقاید، افکار، آرمانها و مذهبش مضطرب و ناراحت نخواهد شد. لذا می‌توانم ابراز امیدواری کنم که زنگهای خطر برای رژیم متظاهر به اسلام گنونی بصدا در آیند. این رژیم دیگر هیچ آینده‌ای ندارد، طی چهارسال وضعیت در حال روشن شدن است. رژیم خمینی هراقدامی که بکند، رفتنی است. در این مبارزهی خونین بین دیکتاتور و مردم، بین تیرگی مهیب و روشنائی، هرکس آزاد است که با سکوتش اطاعت کند و با عملش موضع خود را نشان بدهد. و این عمل می‌تواند از جمله با اعتراض و محکوم کردن رژیم ایران و حمایت از آلترناتیو دموکراتیک شورا و مطرود نمودن و عدم پشتیبانی از رژیم خمینی تجلی کند. تنها دفاع و پشتیبانی از آزادی فردی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی ایران است که می‌تواند ثبات و امنیت منطقه و در ورا آن صلح جهانی را ضمانت نماید. با ایمان به پیروزی مقاومت و دموکراسی در ایران، ظهور صبح پیروزی صلح در کشورم دور نیست - متشکرم مسعود رجوی  
مسئول شورای ملی مقاومت ایران  
پاریس ۷/آوریل ۱۹۸۳  
۱۸/فروردین ۶۲

و بالکانیزه شدن منطقه و یا یک ایران دموکراتیک صلح‌طلب جلوه می‌نمود، انتخاب ما انجام شد. همانطور که برنامه‌ی شورا تصریح می‌کند در ایران دموکراتیک فردا آزادی و دموکراسی برای هرکس ضمانت می‌شود. ما با همسایگان خود در صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی خواهیم کرد.  
در ایران دموکراتیک فردا جایی برای انتقام‌گیری و تصفیه حساب‌های کورگورانه و جایی برای دادگاه‌هایی نظیر آنچه که امروز وجود دارند نخواهد بود. ما خود را مسئول‌تر از آن می‌دانیم که تسلیم ماجراجویی در سطح داخلی و بین‌المللی شویم. ما غیرمتعهد خواهیم بود و با تمام قوا از صلح جهانی دفاع خواهیم نمود. ما یک دولت مذهبی بمانند آنچه که امروز وجود دارد، یعنی ضد دموکراتیک تشکیل نخواهیم داد. بجای صدور انقلابی که رژیم گنونی آنرا تبلیغ می‌کند ما از همه‌ی مهاجرین (اعم از روشنفکران، نویسندگان و همهی متخصصین) دعوت خواهیم کرد که به ایران مراجعت کرده و بالاخره خود را در خانه‌ی خویش احساس نمایند.  
همچنین در ایران دمکراتیک آینده هیچکس بخاطر

بیانگر عمق حرکت انقلابی مجاهدین و اصالت و حقانیت ایدئولوژی ناب توحیدی آن

مادران مجاهد با به‌جان خریدن همه‌ی توهین‌ها، افتراآت، ضرب و جرح‌ها، دربدری‌ها و ... طی دو سال و نیم فعالیت گسترده‌ی سیاسی در کنار فرزندان مجاهدشان، نقاب فریب و ریا را از چهره‌ی خمینی برکشیدند و پس از آشکار ساختن ماهیت دجال و ضد بشری او، خود را برای نبرد تمام عیار با این دیو ضد بشر آماده ساختند.

عظیم و پرشکوه مادران مجاهد خلق در ۷ اردیبهشت، یاد تمامی مادران شهید و از جمله مجاهدین شهید مادران قهرمان مجاهد خلق کبیری، ذاکری، ایران بازگان، عالیه بازگان، کلتوم اسلامی، عفت خلیفه سلطانی، رقیه مصباح (مسیح)، آراسته قلی‌وند (بزرگان فر)، شایسته، هاشم‌زاده، فخری حاج-دائی، حییه ذوالفقاری و ... را گرامی می‌داریم و بر دل‌آوری‌های دهها و صدها مادر دیگری که هم‌اکنون یا در پایگاه‌های مقاومت انقلابی و یا در شکنجه‌گاه‌های خمینی جلاد، به نبردی رویاروی با این دشمن خدا و خلق مشغولند، درود می‌فرستیم.  
یاد مادران شهید مجاهد خلق گرامی باد.

خمینی جلاد - مشغولند و بر بستری از خون و رنج و فدا، پرچم شرف و افتخاریک خلق و یک مکتب را بردوش پرتوان خود حمل می‌کنند.  
کارنامه‌ی پرافتخار مادران مجاهد خلق که تاکنون با خون و رنج دهها مادر قهرمان سرخی و درخشش خاصی یافته است،

است که نواسه بدر آگاهی و ایمان را در چنین سطح گسترده و وسیعی بپروراند و در پرتو تعلیمات انقلابی خود چنین قهرمانان شرف، عاطفه، آگاهی و ایمان را تقدیم خلق و انقلاب نماید.  
در دومین سالگرد راه‌پیمائی

## اطلاعی‌های سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

## عملیات مین گذاری دشت تال (بانه - سردشت) و به هلاکت رساندن

## ۳۴ تن از پاسداران و مزدوران جنایتکار موسوم به گروه ضربت منطقه بانه

طی همین روزها بر اثر انفجار مین‌های ضد نفر حداقل ۴ پاسدار و مزدور دیگر کشته شدند، که یکی از آنها مسئول خنثی‌سازی مین بوده است. بدین ترتیب ظرف ۳ روز حداقل ۳۴ پاسدار و مزدور گروه باصطلاح ضربت منطقه‌ی بانه که بشدت مورد خشم و نفرت مردم مبارز منطقه بوده‌اند به هلاکت رسیدند. مرگ بر خمینی خون‌آشام نابودباد پاسداران ضد خلقی سلام بر خلق - سلام بر آزادی مستحکم باد پیوند نیروهای رزمنده خلق در مبارزه علیه رژیم خمینی برقرار باد دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان ۲۴/ فروردین/ ۱۳۶۲

دمکرات کردستان و پیشمرگه‌های مجاهد خلق، منطقه‌ی نظامی اعلام شده بود، در پی مین‌گذاری این منطقه، در روز سه شنبه ۲۳/ فروردین، یک دستگاه وانت توپوتا متعلق به سپاه پاسداران ضد خلقی که بیش از ۲۰ پاسدار و مزدور جنایتکار را با خود حمل می‌کرد با یک مین نیرومند ضد خود روبرو خورد کرده و بطور کامل منهدم می‌شود. همچنین در روز چهارشنبه ۲۴/ فروردین ماه یک گامیون زیل پاسداران ضد خلقی که حامل تعداد زیادی پاسدار بود با یک مین ضد خود روبرو دیگر برخورد کرده و منهدم می‌شود. در جریان این انفجارها، حدود ۳۰ تن از پاسداران ضد خلقی به هلاکت رسیده و تعدادی نیز زخمی می‌شوند، علاوه بر آن

\*\*\*

## گزارش سه رشته عملیات کمین و مین گذاری در منطقه ربط (سردشت)

## و به هلاکت رسیدن بیش از ده پاسدار ضد خلقی

## و انهدام کامل یک دستگاه خودروی دشمن

۲ - در ساعت ۲ با مداد همین روز رزمندگان واحد پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید حسن عزیزپور در یک عملیات مشترک با پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان ایران یک ستون صد نفری از پاسداران و مزدوران رژیم را که قصد تصرف روستای "والیو" را داشتند، به کمین خویش انداخته و آنها را مورد حمله قرار می‌دهند. در این درگیری بقیه در صفحی ۱۴

جنایتکار را به هلاکت برسانند. ۱ - در ساعت ۷ صبح روز شنبه ۲۷ فروردین تیم‌های عملیاتی واحد پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید حسن پور - محمد روحی یک گامیون بزرگ آیفای دشمن را در نزدیکی پایگاه‌های "ماولو" و حرمان به کمین خویش می‌اندازند. این خود رو که متعلق به سپاه پاسداران ضد خلقی بود، پس از به هلاکت رسیدن ۳ تن از سر نشینان آن در اثر آتش پیشمرگان مجاهد منهدم شده و بکلی می‌سوزد.

بنام خدا  
و  
بنام خلق قهرمان ایران  
هم میهنان آگاه و مبارز، مردم رزمنده و دلاور کردستان!  
۰۰۰ در تاریخ ۲۲/ فروردین ماه رزمندگان مجاهد واحد پارتیزانی عملیات ویژه‌ی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید حسین عرب خزائلی با همکاری صمیمانه پیشمرگان دلاور نیروی "شهیدان وردی" از حزب دمکرات کردستان ایران اقدام به مین‌گذاری گسترده‌ی بخش وسیعی از جاده و اراضی دشت تال در نقطه‌ی تحت تسلط دشمن می‌کنند. این اراضی که در منطقه‌ی بین جاده‌ی بانه - سردشت و بلندی‌های روستای بوالحسن واقع است قبلاً از سوی حزب

بنام خدا  
و  
بنام خلق قهرمان ایران،  
مردم دلاور کردستان!  
۰۰۰ در تاریخ ۲۷ فروردین ماه رزمندگان مجاهد از واحد پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید محمد شیرنژاد (کاک محمود) با انجام سه رشته عملیات در منطقه‌ی ربط (سردشت) موفق می‌شوند علاوه بر منهدم ساختن یک خودروی نفربر آیفای بیش از ده تن از پاسداران و مزدوران

## مقاومت و شهادت قهرمانانه

## ۲ پیشمرگه مجاهد در منطقه "انزل"

## واقع در کردستان شمالی

بنام خدا  
بنام خلق قهرمان ایران  
هم میهنان مبارز، مردم شجاع و مقاوم کردستان!  
۰۰۰ در ساعت ۵ صبح ۲۶ فروردین ماه، پاسداران و مزدوران جنایتکار رژیم به قصد تصرف روستاهای "گوره پائین و بالا" در منطقه‌ی انزل، این روستا را مورد تهاجم وحشیانه قرار می‌دهند که بلافاصله با مقاومت یکپارچه و تهاجم متقابل پیشمرگان حزب دمکرات کردستان و پیشمرگه‌های مجاهد خلق و نیروهای مقاومت مردمی روبرو می‌شوند. دشمن زبون که توان مقابله با نیروهای مقاومت را در خود نمی‌بیند، زبوانه اقدام به خمپاره باران و تخریب خانه‌های روستائیان می‌نماید. ولی علی‌رغم همه‌ی وحشیگری‌های پاسداران و مزدوران رژیم، پیشمرگان و نیروهای مقاومت مردمی پس از هشت ساعت و نیم نبرد و مقاومت حماسی، دشمن زبون را مجبور به عقب نشینی و فرار می‌کنند. مزدوران وحشت زده‌ی رژیم هنگام فرار و عقب نشینی زن و بچه‌ی روستائیان را همراه خود می‌برند تا از آتش تیر نیروهای مقاومت در حین فرار در امان بمانند. در این درگیری ۲۲ تن

\*\*\*

## روستای "پیرمند" در منطقه شپیران

## (کردستان شمالی)

## بوسیله پیشمرگان حزب دمکرات و پیشمرگه‌های مجاهد خلق

## از جنگ پاسداران ضد خلقی آزاد گردید

۴ تن از پاسداران ظلمت و تباهی طی عملیات مشترک پیشمرگان حزب دمکرات و پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه شپیران کردستان شمالی کشته و مجروح شدند

پیشمرگان دو روز بعد از آزاد سازی روستای "پیرمند"، در ادامه‌ی شناسائی و عملیات خود، در جاده‌ی "قصریک" به "حاجی جان"، بر سر راه پایگاه مزدوران جنایتکار خمینی در "حاجی جان" کمین می‌گذارند. متعاقب آن در ساعت ۱۲ ظهر لندروور حامل پاسداران آدمکش رژیم به دام پیشمرگان دلیر افتاده که در اثر

خمینی از روستا پیشمرگان حزب دمکرات و پیشمرگه‌های مجاهد خلق وارد روستای مزبور شده و شدیداً مورد استقبال پر شور روستائیان کرد قرار می‌گیرند و برای روستائیان درباره‌ی ماهیت ضد بشری رژیم خمینی جلاد و جنایات سرتاسری او، صحبت می‌نمایند.

واقع در منطقه شپیران کردستان - را که در اشغال مزدوران جنایت پیشه‌ی خمینی قرار داشت، به محاصره‌ی خود درمی‌آورند. مزدوران خمینی به محض آگاهی از ورود پیشمرگان زبوانه اقدام به فرار می‌نمایند. پس از فرار آدمکشان

در ساعت ۷ با مداد روز ۲۵ فروردین، عده‌ای از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران به همراه یک تیم از پیشمرگه‌های مجاهد خلق، با هماهنگی کامل، روستای "پیرمند" در حوالی پایگاه مزدوران رژیم در "خنارین" -

\*\*\*

# جنگ و بروز هر چه بیشتر تنگناهای رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۲

جوانان میهنان در جبهه‌های جنگ پایان داده شود، اگر می‌خواهیم که سرمایه‌های مملکت‌مان بیش از این - در ابعاد میلیارد، میلیارد - فدای امیال پست و جاه‌طلبانه‌ی خمینی نشود، اگر بایستی به آوارگی بیش از دو میلیون از مردم میهنان پایان داده شود، اگر ویرانی و تباهی بیش از این برای این میهن و این خلق ستمکشیده، روا نیست، اگر جنایات ضدبشری خمینی تحت پوشش جنگ، همه را بستوه آورده است، و اگر...

امروز باید بر علیه جنگ‌طلبی خمینی دجال جسورانه مخالفت نمود و همچنین بایستی جسورانه مخالفت‌ها و ضدیت‌ها را با جنگ جهت و سازمان داد. امروز مبارزه با جنگ‌طلبی خمینی و تلاش برای تحقق صلح، دقیقاً وجه دیگر و مکمل مبارزه برای آزادی و دمکراسی است.

مردم قهرمان ایران، سربازان و پرسنل انقلابی ارتش! درهم شکستن سیاست جنگ‌طلبانه و ضد میهنی خمینی و سازمان دادن مبارزات منفی و مثبت بر علیه جنگ‌طلبی او - چه در صحنه‌ی اجتماعی و چه در صحنه‌ی نظامی، چه در جبهه و چه در پشت جبهه - یک وظیفه‌ی مبرم انقلابی است که دقیقاً در مسیر ارتقاء و تکمیل مقاومت مسلحانه‌ی سراسری و در جهت قیام عمومی است.

بار دیگر تکرار می‌کنیم: زمان به زیان جنگ‌طلبی خمینی است، فعالان و جسورانه مخالفت‌ها را سازمان دهیم، تا به کمک آن نیز در پرتو مقاومت مسلحانه‌ی سراسری، راه را برای قیام عمومی خلق هموار سازیم."

و ملت‌مانه چنین می‌گوید: "جوانها نباید احساس خستگی کنند و در جبهه‌ها حضور یابند" (۶۲/۱/۲۷ صبح آزادگان)

اما آیا با توجه به تنگناها و موانع غیرقابل اجتنابی که در مسیر ادامه‌ی جنگ در برابر خمینی قرار دارد، بازهم رژیم خمینی به جنگ ادامه خواهد داد؟ جواب ما این است: تا زمانیکه خمینی هست جنگ و ویرانی هم خواهد بود. البته این مسئله را هیچکدام از سردمداران رژیم نیز پنهان نمی‌کند. خامنه‌ای خائن در نمایش جمعه ۲۶ فروردین ماه اعلام نمود که: "این عملیات تمام شدنی نیست و ادامه دارد" رفسنجانی نیز در روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین ماه در مجلس ضد اسلامی اعلام نمود که: "از مردم کشورمان نیز می‌خواهیم مثل سابق پشت جبهه بمانند، و از رزمندگان هم می‌خواهیم کار را ادامه دهند."

مهمتر از اینها، قابل توجه است که هنوز اجساد قربانیان تهاجم اخیر خمینی از قتلگاهها و میادین مین، جمع‌آوری نشده است که بازهم روابط عمومی سپاه پاسداران جنایت، طی اطلاعیه‌ای از کلیه‌ی کسانی که قبلاً در جبهه‌های نبرد حضور داشتند دعوت کرده که مجدداً جهت اعزام به جبهه‌ها به مناطق بیسج در تهران و به پایگاههای سپاه منطقه‌ی ۱۰ مراجعه کنند. این نمونه‌ها و نشانه‌ها حاکی از آن است که بازهم رژیم خمینی زمینه‌های تهاجم جدیدی را تدارک می‌بیند و ما در اینجا توجه هم میهنانمان را برای تحقق صلح و آزادی به رهنمود زیر که در سر مقاله "مجاهد" ۱۴۰ نیز اشاره کرده بودیم، مجدداً جلب می‌کنیم:

"اگر لازم و ضروری است که به کشتار هزارهزار

وی، مبنی بر "جنگ، جنگ، تا پیروزی" چیزی جز نفرت بر علیه رژیم خمینی در میان مردم ما بر نمی‌انگیزد. گزارشات رسیده از واحدها و هسته‌های مقاومت و نیز از هواداران و سمپاتهای سازمان از شهرها و روستاهای مختلف کشور حاکی از آن است که هر چه زمان می‌گذرد اهمیت این ملاقات و خصوصیت راهگشایانه‌ی آن به سمت صلح، در میان مردم ما بیشتر می‌گردد. مخصوصاً پس از طرح صلح از جانب شورای ملی مقاومت خواسته‌های صلح‌طلبانه‌ی مردم ما هر روز شتاب بیشتری بخود می‌گیرد. علیرغم این که رژیم از انتشار اعلامیه‌ی مشترک برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست‌وزیر عراق، در بین مردم وحشت بی‌حد و حصری از خود نشان داد، این ملاقات در اغلب محافل و خانواده‌ها، مورد بحث قرار گرفت و اغلب مردم رضایت خود را از آن به طریقی اظهار نمودند. البته این گفتگوها و اعتراضات، دجال خون‌آشام را ناگزیر از موضع‌گیری کرد و علیرغم اینکه بشدت از موضع‌گیری آشکار، مدتها پرهیز نمود ولی بالاخره فشارهای اجتماعی اثرات خود را گذاشتند و او را ناگزیر ساختند که با اشاره به ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست‌وزیر عراق از آن بعنوان "عقد اخوت" یادآوری نماید! اقدام شجاعانه و راهگشایانه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت در سمت‌یابی خواست مبرم مردم ما، مبنی بر خاتمه‌ی جنگ و برقراری صلح، آنچنان اثرات گسترده‌ی اجتماعی داشته است که سردمداران رژیم و منجمله رفسنجانی خائن برای مقابله با آن به دست و پا افتاده

## اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

بقیه از صفحه‌ی آخر

### آخرین اخبار جنگ طلبی خارجی ...

به نام‌های: ۱ - غلامحسین مرادی ۲ - منوچهر مرزبان ۳ - حسن قربانی ۴ - سیروس بهرام‌سری ۵ - محمدحسین مظاهری ۶ - محمد رضا صحرایی ۷ - احمد ساووطه تیرباران شده‌اند. نام صدیقه صدیقی در میان اعدام شدگان تهران و نام رضوانی در میان تیرباران شدگان آمل دیده می‌شود. در نیمه‌ی اول فروردین ماه دو نفر از زندانیان سیاسی بنامهای احمد جزء مطلبی و غلامرضاعین فر در شهر زنجان تیرباران شده‌اند. و در جریان یک جنایت فجیع و بیشرمانه، پاسداران خمینی یک خانم بهیار بیگانه بنام بهناز شرقی را کشتند. وی که بهیار بیمارستان حمایت مادران تهران بود در تاریخ ۲۷ اسفند برای ملاقات برادرش به زندان قزل‌حصار (در نزدیکی تهران) رفته بود. پاسداران با خشونت از دادن اجازه‌ی ملاقات به وی خودداری ورزیده و ناگهان سویچ مخصوص بستن درب را (که مکانیسم الکتریکی دارد) می‌زنند و نتیجتاً خانم شرقی که در آستانه‌ی درب در حال تلاش برای نجات خود بود، بدلیل باقی ماندن سرش در لای درب کشته شد. پاسداران خمینی از برگزاری هرگونه مراسم ترحیم برای این خانم ممانعت نموده‌اند.

دفتر مجاهدین خلق - پاریس

۲۵ / فروردین / ۱۳۶۲

## پیام تسلیت

### دفتر مجاهدین خلق در پاریس

به دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین

در مورد ترور ناجوانمردانه

### آقای عصام سرطاوی

پاریس - دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین  
برادر محترم آقای ابراهیم شوش،

از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران، ترور جنایتکارانه‌ی آقای عصام سرطاوی نماینده‌ی سازمان آزادیبخش فلسطین در اجلاس بین‌المللی سوسیالیست در پرتغال را به ملت فلسطین، سازمان آزادیبخش و شخص برادر ابوعمار تسلیت می‌گوئیم و برای مبارزه‌ی عادلانه‌ی ملت قهرمان فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش آرزوی پیروزی می‌نمائیم.

انقلاب تا پیروزی

دفتر مجاهدین خلق - پاریس

۲۱ / فروردین / ۶۲

۱۰ / آوریل / ۱۹۸۳

## جوابیه سازمان ملل متحد

به نامه‌ی مسئول شورای ملی مقاومت

برادر مجاهد مسعود رجوی

در رابطه با جنایات و حشیانه

### رژیم خمینی در کردستان

آقای مسعود رجوی عزیز:

علاقتمندم دریافت نامه‌ی مورخ ۲/ آوریل / ۱۹۸۳ شما را که خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته شده و توسط نماینده‌ی سازمان شما به این دفتر تحویل شده به اطلاع‌تان برسانم.

نامه به مرکز حقوق بشر سازمان ملل در زنون ارسال شد تا مطابق قطعنامه‌های مربوط به حقوق بشر در سازمان ملل با آن رفتار شود.

امضاء

با احترام لورادآندا

دفتر سازمان ملل - مرکز حقوق بشر

۷ / آوریل / ۱۹۸۳

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

### اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

## آخرین اخبار جنگ طلبی خارجی و تروریسم داخلی خمینی

بر اساس گزارشات کاملا موثق از داخل ایران :

۱- در جریان حملهی اخیر ایران که در ادامهی سیاست جنگ طلبانهی خمینی، در روز ۲۱ فروردین آغاز شد، هزاران نفر کشته و مجروح شده اند. بر اساس همین گزارشات بیش از ۵۰۰۰ مجروح جنگی (که بیشتر آنها در حال عبور از میادین مین از ناحیهی کمرو یا مجروح شده اند) بوسیلهی چندین فروند هواپیمای ۱۳۰- C و چند قطار به شهرهای تهران، اصفهان (مرکز ایران)، مشهد (شمال شرق ایران) و اهواز انتقال یافته اند. نزدیک به هزار نفر از مجروحین در بیمارستانهای قائم، شریعتی، نگاهتگاه جهاد، امام رضا و هفده شهریور مشهد (شمال شرق ایران) بستری شده اند. عدهی زیادی از مجروحین نیز در بیمارستانهای جندی شاپور و گلستان اهواز بستری گردیده اند. آمار دقیق هزاران کشتهی این حمله که در آن همچون حملات گذشته از فرستادن امواج انسانی بر روی میدانهای مین و خطوط مقدم استفاده شده، متعاقبا گزارش خواهد شد.

۲- اعدام زندانیان سیاسی در نقاط مختلف ایران منجمله شهرهای تهران، مسجد سلیمان، آمل، زنجان و استان لرستان همچنان ادامه دارد. اخیرا سه نفر از زندانیان سیاسی بنامهای ۱- حسین علی شانهچی ۲- علی محمود ۳- ابراهیم گیانی زاده در شهر مسجد سلیمان اعدام شده اند، پیش از آنها محمدرضا منجزی و رمضان گله، در این شهر تیرباران شده اند. همچنین در نیمهی دوم ماه مارس ۷ نفر از زندانیان سیاسی در لرستان بقیه در صفحه ۲۷

## اعتراف آشکار رژیم خمینی در مورد کشیدن خون زندانیان سیاسی برای پاسداران ضد خلقی

رژیم خون آشام خمینی، کرده است. اما اخیرا در این مورد به مدت هاست که اقدام به گرفتن رکورد جنایتکارانهی جدیدی خون زندانیان سیاسی برای دست یافته است. به عنوان پاسداران مزدوری که در نمونه می توان به برنامهی یک درگیری های داخلی و یا در هفتهای گرفتن خون زندانیان جبهه های جنگ مجروح شده اند، بقیه در صفحه ۲۳

۴ اردیبهشت  
(۱۰ رجب)  
سالروز ولادت  
امام محمد تقی (ع)  
را به پیروان راستین  
آن حضرت  
تبریک می گوئیم

## در جریان درگیری کارگران کارخانه قند و رامین با مزدوران دادستانی ضد انقلاب تهران ۱۸ تن از آنان دستگیر شدند

در صفحه ۱۵

## یک نمونه از شگردهای خائنانه رژیم خمینی برای فروش ارزان قیمت نفت

رژیم خیانتکار خمینی جهت تهیهی ارز لازم، بویژه برای تامین مخارج سرکوب ضد خلقی در داخل و جنگ طلبی ارتجاعی اش در خارج، همچنان به حراج خائنانهی نفت ادامه می دهد، این ارزان فروشی خیانت بار - که نرخ آن گاه تا نصف قیمت رسمی اوپک نیز تقلیل می یابد - عامل اصلی بقیه در صفحه ۲۴

### اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

## درباره مقاومت و شهادت قهرمانانه

## ۲ پیشمرگه مجاهد در منطقه "انزل"

## واقع در کردستان شمالی

در صفحه ۲۶

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر تماس بگیرید :

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک های مالی خود را به یکی از حساب های زیر واریز نموده و حواله ای آنرا به یکی از آدرس های مقابل ارسال دارید :

انگلستان  
Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه  
BANK SOCIETE GENERAL  
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002  
در داخل فرانسه  
B.N.P. PONTOISE 1269652

## تهاجم رزمندگان مجاهد خلق به محل استقرار آخوند جنایتکار "عظیمی" مسئول اداره تفتیش عقاید ژاندارمری شهرضا

در صفحه ۶

## گزارش عملیات تبلیغی

## یکی از هسته های مقاومت در مشهد

در صفحه ۶

برای آبنونه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید :

فرانسه  
A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_  
بهای اشتراک :

سه ماهه  
 شش ماهه  
 یکساله  
معادل ۱۶۰ فرانک  
" ۳۱۰ فرانک  
" ۶۰۰ فرانک

نامه های خود را برای "مجاهد" و هم چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس های زیر ارسال دارید :

انگلستان

BM BOX 9090  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND

اتریش

Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552  
5-Köln 80  
W-Germany

فرانسه

B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

**دستور محوری روز :**  
گسترش هسته های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام رهائی بخش عمومی